

کریشنا آگاہی

ہدیہ بی ہمتا

حضرت آ.ج. بہاکتی ودانتا سوامی پرابھوپاد

آچاریای بنیان گذار انجمن بین المللی کریشنا آگاہی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کریشنا آگاهی

ہدیہ بی ہمتا

حضرت آ.چ. بھاکتی ودانتا سوامی پرابھوپادا



فهرست مطالب

- ۱ فصل اول: دانش روحانی از طریق کریشنا
- ۱۱ فصل دوم: خروج از منجلاب دنیای مادی
- ۲۶ فصل سوم: فراگیری عشق ورزیدن
- ۴۱ فصل چهارم: فراگیری تاپاسیا، خویشتن داری
- ۵۲ فصل پنجم: فراگیری ثبات قدم در کریشناآگاهی
- ۶۰ فصل ششم: عروج از منسوبات و مشکلات
- ۶۹ فصل هفتم: هدیه‌ی بی‌همتا: رهایی در کریشناآگاهی
- ۸۸ درباره‌ی نویسنده
- ۸۹ واژه‌نامه

فصل اول

دانش روحانی از طریق کریشنا

هدف جنبش کریشنا آگاهی، بازگرداندن همه‌ی موجودات زنده به سطح آگاهی اصلی است. در دنیای مادی همه‌ی موجودات زنده، با درجات مختلف، به نوعی مبتلا به دیوانگی شده‌اند. هدف جنبش کریشنا آگاهی، درمان این بیماری مادی و بازگرداندن آگاهی به فرد است. یک شاعر بزرگ و ایشناوا در شعری بنگالی می‌گوید: "انسانی که توسط اشباح تسخیر شده است، فقط می‌تواند هذیان بگوید. به همین صورت، انسانی که تحت تأثیر طبیعت مادی قرار گرفته است، باید تسخیر شده تلقی گردد و باید گفته‌هایش را همچون هذیان دانست." ممکن است فردی فیلسوف یا دانشمندی بزرگ به شمار آید، اما اگر توسط شیخ مایا¹ (توهم)، تسخیر شده باشد، همه‌ی تئوری‌ها و سخنانش کم و بیش چرند و بی‌معنی هستند. در حال حاضر وضعیت ما، مانند روان‌پزشکی است که پس از معاینه یک قاتل اعلام کرد، از آنجا که تمام بیمارانی که او تا به حال با آنان روبرو شده، کمابیش دیوانه بوده‌اند، دادگاه می‌تواند در صورت تمایل و بر این اساس، قاتل را تبرئه نماید! نکته اینجاست که در دنیای مادی یافتن موجودی خردمند بسیار دشوار است. جوّ غالب بی‌خردی در این جهان، حاصل نفوذ آگاهی مادی است.

مقصود از جنبش "هاره کریشنا"، بازگرداندن انسان به آگاهی اصلی، کریشنا آگاهی، یا همان آگاهی پاک و خالص است. آبی که از ابرها به صورت باران می‌بارد مانند آب مقطر پاک است، ولی به محض تماس با زمین گل‌آلود و بد رنگ می‌شود. به همین

¹ māyā

ترتیب ما در اصل ارواحی پاک و جزء و ذره‌ای از کریشنا هستیم و بنابراین جایگاه طبیعی و حقیقی ما به پاکی جایگاه خداوند است. در بهاگاواد-گیتا شری کریشنا می‌فرماید:

*mamaivāṁśo jīva-loke
jīva-bhūtaḥ sanātanaḥ
manaḥ śaṣṭhānīndriyāni
prakṛti-sthāni karṣati*

"موجودات زنده، در این دنیای مقید، اجزای ابدی من هستند. ولی به علت زندگی مقید، دائماً در حال دست و پنجه نرم کردن با شش حواس که شامل ذهن نیز می‌شود، هستند." (ب.گ. ۷/۱۵)

پس همه‌ی موجودات زنده جزء و ذره‌ای از کریشنا هستند. منظور ما از "کریشنا" خداوند است. کریشنا "شخصیت‌اعلای خداوند، جذب‌کننده همگان" معنی می‌دهد. همان‌طور که یک قطعه طلا از نظر کیفی مانند یک خزانه طلاست، پس ذرات ریز بدن کریشنا نیز از نظر کیفی همانند کریشنا هستند. ترکیب شیمیایی بدن خداوند و بدن روحانی جاودان موجود زنده، هر دو هم‌کیفیت و روحانی است. پس در اصل، در موقعیت اولیه و ناآلوده، ما دارای فرمی همانند فرم خداوند بوده‌ایم، ولی مانند باران که بر زمین می‌ریزد، ما نیز با این دنیای مادی، که توسط انرژی مادی بیرونی کریشنا کنترل می‌شود، تماس پیدا کرده‌ایم.

وقتی از انرژی بیرونی یا از طبیعت مادی صحبت می‌کنیم، این پرسش ممکن است به وجود آید که "انرژی چه کسی؟ طبیعت چه کسی؟" انرژی مادی یا طبیعت، مستقلاً عمل نمی‌کند. چنین تصویری ابلهانه است. در بهاگاواد-گیتا به وضوح بیان شده که طبیعت مادی مستقلاً عمل نمی‌کند. ممکن است وقتی فرد احمق ماشینی را ببیند، فکر کند که آن ماشین خود به خود کار می‌کند؛ در حالی که در واقع چنین نیست، زیرا حتماً راننده‌ای وجود دارد که آن را کنترل می‌کند، گرچه ما گاهی نمی‌توانیم به سبب بینایی ناقصمان، کنترل‌کننده پشت ماشین را ببینیم. دستگاه‌های الکترونیکی بسیاری وجود دارند که به صورت خارق‌العاده‌ای کار می‌کنند، ولی در پس همه‌ی این سیستم‌های

پیچیده، شخص دانشمندی وجود دارد که دکمه را فشار می‌دهد. فهم این موضوع بسیار ساده است: از آنجایی که ماشین ماده است، نمی‌تواند به میل خود کار کند، بلکه باید تحت هدایت روحانی عمل نماید. درست است که یک ضبط صوت کار می‌کند، اما این امر فقط بر اساس هدایت یک موجود زنده، یک انسان، صورت می‌پذیرد. ماشین کامل است، اما تا زمانی که توسط یک روح فردی به کار گرفته نشود، نمی‌تواند کار کند. به همین صورت ما باید درک کنیم که این تجلی کیهانی که آن را طبیعت می‌نامیم، ماشین عظیمی است و در ورای این ماشین، خداوند کریشنا، حضور دارد. این نیز در بهاگاود-گیتا تصریح شده است. جایی که کریشنا می‌فرماید:

*mayādhyakṣeṇa prakṛtiḥ
sūyate sa-carācaram
hetunānena kaunteya
jagad viparivartate*

"اگر پسر کونتیی، این طبیعت مادی تحت هدایت من عمل می‌کند و تمام موجودات متحرک و ساکن را ایجاد می‌کند. و به واسطه قوانین آن این تجلی بارها و بارها خلق و نابود می‌شود." ب.گ. (۱۰/۹)

موجودات بر دو نوعند: متحرک (مانند انسان‌ها، حیوانات و حشرات) و غیرمتحرک (مانند درختان و کوه‌ها). کریشنا می‌فرماید طبیعت مادی، که هر دو نوع موجودات را کنترل می‌کند، تحت هدایت او عمل می‌نماید. در نتیجه در ورای هر چیز یک کنترل‌کننده متعال وجود دارد. تمدن امروزی به علت فقدان دانش این موضوع را نمی‌تواند درک کند؛ از این رو، هدف انجمن کریشناآگاهی، آگاه کردن تمام مردمی است که تحت تأثیر سه گونه طبیعت مادی دچار دیوانگی و سرگشتگی شده‌اند. به کلامی دیگر هدف ما بیدارسازی بشر برای بازگشت به شرایط طبیعی است.

دانشگاه‌ها و گروه‌های علمی زیادی، به خصوص در ایالات متحده وجود دارند، اما آنها این نکات را مورد بحث قرار نمی‌دهند. چه دانشکده‌ای برای این دانش که شری کریشنا در بهاگاود-گیتا به ما عطا نموده است، وجود دارد؟ وقتی من برای دانشجویان و بعضی از اعضای هیئت علمی انستیتوی تکنولوژی ماساچوست (MIT)، صحبت

می‌کردم، اولین پرسشی که مطرح شد این بود که: "آیا دانشکده فنی وجود دارد که راجع به تفاوت بین یک انسان مرده و یک انسان زنده تحقیق کند؟" وقتی انسانی می‌میرد، چیزی در او گم می‌شود. آیا با هیچ تکنولوژی‌ای می‌توان آن را جایگزین نمود؟ چرا دانشمندان نمی‌کوشند این مسئله را حل کنند؟ از آنجایی که این موضوع بسیار مشکلی است، آنها آن را کنار می‌گذارند و صرفاً مشغول تکنولوژی خوردن، خوابیدن، جفت‌گیری و دفاع کردن می‌شوند. اما متون ودایی ما را آگاه می‌سازند که این تکنولوژی، تکنولوژی حیوانی است. حیوانات نیز بیشترین سعی خود را می‌کنند که خوب بخورند، از زندگی جنسی لذت ببرند، آرام بخوابند، و از خود دفاع کنند. بنابراین تفاوت دانش بشری و دانش حیوانی در چیست؟ حقیقت این است که دانش بشری باید برای درک تفاوت بین انسان مرده و زنده و همچنین بدن زنده و مرده، ارتقا یابد. این دانش روحانی را کریشنا برای آرجونا در آغاز به‌هاگاواد-گیتا افشا می‌کند. آرجونا، دوست کریشنا، فرد بسیار هوشمندی بود. ولی دانش او، مانند دانش همه‌ی انسان‌ها، محدود بود. با این وجود، کریشنا برای آرجونا از مطالبی صحبت نمود که ورای دانش محدود وی بود. این موضوعات آدهوکشاجا^۱ نامیده می‌شوند، زیرا با ادراک مستقیم ما، که توسط آن، دانش مادی را به دست می‌آوریم، قابل دسترسی و ادراک نیستند. برای مثال، ما میکروسکوپ‌های قوی بسیاری برای دیدن آنچه با بینایی محدودمان نمی‌توانیم ببینیم داریم. ولی میکروسکوپی وجود ندارد که بتواند روح را در درون بدن به ما نشان دهد. با این حال، روح در بدن وجود دارد.

به‌هاگاواد-گیتا ما را آگاه می‌کند که در این بدن یک مالک وجود دارد. من مالک بدنم هستم و دیگران نیز مالکان بدن‌هایشان. من می‌گویم: "دست من" و نه "من دست". از آنجایی که این دست من است، من به عنوان مالک، با آن تفاوت دارم. همین طور ما از "چشم من"، "پای من"، "این من"، "آن من" صحبت می‌کنیم. در میان همه‌ی این چیزها که متعلق به من است، من کجا هستم؟ جستجو برای پاسخ به این پرسش، فرآیندی است که مراقبه نام دارد. در مراقبه حقیقی این سؤال مطرح می‌شود که: "من

¹ adhokṣaja

کجا هستیم؟ من چه چیز هستیم؟" ما با تلاش‌های مادی نمی‌توانیم پاسخ این پرسش‌ها را پیدا کنیم، و به همین سبب همه‌ی دانشگاه‌ها این پرسش‌ها را کنار می‌گذارند. آنها می‌گویند: "این موضوع فوق‌العاده مشکلی است." و یا اینکه آن پرسش‌ها را کنار می‌گذارند و می‌گویند "این پرسش‌ها نامربوطند". سپس مهندسان توجه و تلاش خود را به ساخت و تکمیل کالسکه بدون اسب و پرنده بدون بال معطوف می‌کنند. سابقاً اسب‌ها کالسکه‌ها را می‌کشیدند و هیچ‌گونه آلودگی هوایی وجود نداشت، اما اکنون ماشین‌ها و موشک‌ها وجود دارند و دانشمندان مغرورانه به خود می‌بالند که ما کالسکه بدون اسب و پرنده بدون بال اختراع کرده‌ایم. هرچند آنها بال‌هایی تقلیدی برای هواپیما یا موشک اختراع کرده‌اند، ولی نمی‌توانند یک جسم بدون روح اختراع کنند. هنگامی که واقعاً بتوانند چنین کاری را انجام دهند، شایسته ستایش خواهند بود. اما چنین کوششی قطعاً به بن‌بست می‌انجامد. چون ما می‌دانیم که هیچ ماشینی نیست که بتواند بدون قرارگیری روح در ورای خود کار کند. حتی پیچیده‌ترین کامپیوترها، برای کار نیاز به افراد آموزش‌دیده دارند. به همین ترتیب ما باید بدانیم که این ماشین عظیم که تجلی کیهانی نامیده شده است، توسط روح متعال اداره می‌شود. که آن روح متعال، کریشناست. دانشمندان به دنبال علت نهایی یا کنترل‌کننده‌ی غایی این جهان مادی می‌گردند، و فرضیه‌ها و پیشنهادهای متفاوتی ارائه می‌کنند؛ در صورتی که ابزار حقیقی برای کسب دانش بسیار ساده و کامل است: ما فقط محتاج شنیدن از فرد کامل، کریشنا، هستیم. با پذیرش دانش بیان‌شده در بهاگاواد-گیتا، هرکسی می‌تواند بلافاصله متوجه شود که این ماشین عظیم کیهانی، که زمین جزئی از آن است، به طرز بسیار شگفت‌آوری کار می‌کند، چرا که راننده‌ای همچون کریشنا در ورای آن وجود دارد.

روش ما در مورد دریافت دانش بسیار ساده است. دستورات کریشنا، بهاگاواد-گیتا، کتاب اصلی دانش است که خود "آدی-پوروشا"، شخص بزرگ و ازلی، شخصیت اعلای خداوند آن را ارائه کرده است. او به راستی شخص کامل است. این موضوع ممکن است بحث‌انگیز باشد که هر چند ما او را به عنوان شخص کامل پذیرفته‌ایم،

ولی هنوز بسیاری هستند که چنین اعتقادی ندارند. اما این پذیرش، ساخته و پرداخته‌ی خیال نیست، بلکه او به عنوان شخص کامل به گواهی مراجع زیادی پذیرفته شده است. ما کریشنا را صرفاً بر پایه احساسات یا خیالات خود به عنوان شخص کامل نپذیرفته‌ایم. خیر، بسیاری از مراجع ودایی، همچون ویاسادو، نویسنده‌ی تمام متون ودایی، کریشنا را به عنوان خداوند متعال پذیرفته‌اند. گنجینه‌ی دانش در وداها است و نویسنده‌ی آنها ویاسادو، کریشنا را به عنوان شخصیت اعلا‌ی خداوند می‌پذیرد، پیر روحانی ویاسادو، نارادا نیز کریشنا را به همین صورت می‌پذیرد. پیر روحانی نارادا، برهما نیز نه تنها کریشنا را به عنوان شخصیت اعلا‌ی خداوند می‌پذیرد، بلکه او را کنترل‌کننده‌ی متعال نیز می‌داند:

کنترل‌کننده‌ی متعال کریشناست: *īśvaraḥ paramaḥ Kṛṣṇaḥ*

در جهان آفرینش کسی وجود ندارد که بتواند ادعا کند که تحت کنترل نیست. برای همه‌ی ما، بدون توجه به اینکه چقدر مهم یا قدرتمند هستیم، کنترل‌کننده‌ای وجود دارد. ولی کریشنا، هیچ کنترل‌کننده‌ای ندارد؛ بنابراین او خداست. او کنترل‌کننده‌ی همه است، هیچ کس بالاتر از او نیست. هیچ کس او را کنترل نمی‌کند. همچنان که کسی نیست که با او برابر باشد و بتواند شریک جایگاه کنترل مطلق وی گردد. شاید این موضوع عجیب به نظر برسد، چون امروزه تعداد زیادی به اصطلاح خدا وجود دارد. در واقع این خدایان که خصوصاً از هند صادر می‌شوند، بسیار بی‌ارزش شده‌اند. مردم کشورهای دیگر خیلی خوشبخت هستند که در کشور آنها هر روز خدایان تولید نمی‌شوند. اما در هند عملاً هر روز خدایان جدیدی تولید می‌شوند. اغلب می‌شنویم خدا دارد به لس‌آنجلس یا نیویورک می‌آید و مردم برای استقبال او جمع می‌شوند ... ولی کریشنا خدایی نیست که در یک کارخانه‌ی قدرت‌های ماورایی ساخته شده باشد. خیر، او خدای ساختگی نیست، بلکه او خداست!

ما باید بر اساس مراجع معتبر و مؤثق بدانیم که پشت این طبیعت عظیم مادی، این تجلی کیهانی، خداوند - کریشنا - وجود دارد، که تمام مراجع ودایی او را پذیرفته‌اند. پذیرش مرجعیت، امر تازه‌ای نیست. همه به نحوی مرجعیتی را قبول دارند. ما برای

تحصیل به یک معلم یا مدرسه مراجعه می‌کنیم، یا اینکه صرفاً از پدر و مادرمان آموزش می‌بینیم. اینها همه مرجع هستند و طبیعتاً ما این است که از آنها بیاموزیم. در کودکی از والدینمان می‌پرسیم: "پدر این چیه؟" و پدر جواب می‌دهد: "این قلم است"، "این عینک است" و یا "این یک میز است". این چنین کودک از همان آغاز زندگی از پدر و مادرش آموزش می‌بیند. او نام‌های اشیا و روابط اولیه آنها را با یکدیگر، از طریق پرسش از والدین خویش یاد می‌گیرد. یک پدر و مادر خوب هرگز سر فرزند خویش را کلاه نمی‌گذارند و وقتی چیزی از آنها پرسیده می‌شود، جوابی دقیق و کامل به او می‌دهند. به همین ترتیب اگر ما دانش روحانی را از یک مرجع دریافت کنیم و اگر آن مرجع یک فرد متقلب نباشد، آنگاه دانش ما کامل است. اما اگر بخواهیم با غور و تفکر ذهنی و به تنهایی به نتیجه دست یابیم، در معرض سقوط و اشتباه قرار خواهیم گرفت. فرآیند استقرایی که در آن با نتیجه‌گیری از واقعیت‌های خاص و موارد مجرد می‌توان به یک نتیجه عمومی و کلی رسید، هیچگاه روش کاملی نیست، و از آنجا که ما محدود و تجارب ما نیز محدودند، این روش همواره ناقص باقی می‌ماند.

اگر ما اطلاعات را از منبع کامل، کریشنا، کسب کنیم، و اگر آن اطلاعات را بیان و تکرار کنیم، آنگاه آنچه ما می‌گوییم نیز می‌تواند به همان اندازه کامل و معتبر تلقی گردد. جریان پارامپارا^۱ یا سلسله پیران، روند شنیدن از کریشنا یا از مراجعی است که کریشنا را پذیرفته‌اند و تکرار دقیق آن چیزی است که آنها بیان نموده‌اند. کریشنا در بهاگاواد-گیتا این جریان دانش را توصیه می‌کند:

*evam paramparā prāptam
imam rājarṣayo viduḥ*

"بدین سان این دانش متعال از طریق سلسله متصل پیران دریافت گردید و پادشاهان قدیس آن را بدین طریق درک نمودند." (ب.گ. ۲/۴)

^۱ paramparā

در گذشته دانش از طریق پادشاهان بزرگ قدیس که خود مرجع به شمار می‌رفتند، منتقل می‌شد. اما در اعصار گذشته این پادشاهان ریشی^۱ یا حکما و عابدان بزرگی بودند و از آنجایی که آنها افراد عادی نبودند حاکمیت تحت هدایت ایشان، بسیار خوب عمل می‌نمود. در تمدن ودایی مثال‌های متعددی از پادشاهانی وجود دارد که به عنوان عابدان خدا به مرتبه کمال نائل شده‌اند، برای مثال درووا ماهاراج^۲ به جنگل رفت تا خدا را جستجو کند، با توبه و انجام ریاضت‌های طاقت‌فرسا در عرض شش ماه موفق به درک حقیقت خداوند گردید. هرچند او فقط شاهزاده‌ای پنج ساله با بدنی ظریف بود، ولی چون از دستورات پیر روحانی خود، نارادا مونی، پیروی کرد، موفق به انجام این کار شد. در طی نخستین ماهی که درووا ماهاراج در جنگل بود، فقط هر سه روز یکبار مقداری میوه و سبزیجات می‌خورد و هر شش روز یکبار مقدار ناچیزی آب می‌نوشید. سرانجام توانست نفس را در سینه خود حبس نماید و برای مدت شش ماه فقط بر روی یک پا بایستد. پس از اینکه چنین ریاضت‌های سختی را به مدت شش ماه انجام داد، خداوند در برابرش، چهره به چهره، ظاهر گشت. برای ما چنان ریاضت‌های سختی لازم نیست، ما می‌توانیم صرفاً با قدم به قدم پیروی از مراجع ودایی، خداوند را چهره به چهره ببینیم. اینگونه رؤیت خداوند، کمال زندگی است.

روند کریشنا آگاهی بر پایه ریاضت بنا شده است، ولی این ریاضت چندان مشکل نیست. فقط محدودیت‌هایی برای کنترل خوردن و رابطه جنسی وجود دارد (تنها پراسادام یا غذایی که اول به کریشنا تقدیم شده است خورده می‌شود و رابطه جنسی به زندگی تأهل محدود می‌گردد)، و قواعد دیگری هم وجود دارند که موجب تسهیل و پرورش ادراک روحانی می‌شوند. امروزه امکان تقلید از درووا ماهاراج وجود ندارد، اما با پیروی از اصول ابتدایی خاصی از وداها، می‌توانیم در آگاهی روحانی، کریشنا آگاهی، پیشرفت کنیم که در ضمن این پیشرفت، دانش ما نیز کامل می‌شود. فایده‌ی دانشمند و یا فیلسوف شدن در چیست، اگر نتوانیم بگوییم که زندگی بعدی ما چگونه خواهد

^۱ ṛṣi

^۲ Dhruva Mahārāja

بود؟ یک رهروی به ادراک رسیده کریشنا آگاهی به سادگی می‌تواند بگوید که زندگی بعدیش چه خواهد بود، خدا چیست، موجود زنده چیست و با خدا چه رابطه‌ای دارد. دانش او کامل است، چرا که کتاب‌های کامل دانش، مانند بهاگاواد-گیتا و شریما-بهاگواتام نشأت می‌گیرد.

این است روند کریشنا آگاهی. این روند بسیار آسان است، و هر کس می‌تواند آن را بپذیرد و زندگی خود را به کمال برساند. اگر کسی بگوید که اصلاً سواد ندارد و نمی‌تواند کتاب‌ها را بخواند، باز هم فرد بی‌صلاحیتی شناخته نمی‌شود. او نیز می‌تواند زندگی خویش را به سادگی با ذکر ماها مانترا^۱ "هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره" به کمال برساند. کریشنا یک زبان و دو گوش به ما ارزانی داشته است و شاید شگفت‌زده شویم اگر بدانیم که کریشنا از طریق گوش و زبان قابل ادراک است، نه از طریق چشم. با شنیدن پیام او، می‌آموزیم که زبانمان را کنترل کنیم، هنگامی که زبان کنترل شد، بقیه حواس نیز از آن پیروی می‌نمایند. در میان حواس زبان حریص‌ترین است و کنترل آن بسیار مشکل است، ولی می‌توان به سادگی با ذکر هاره کریشنا و چشیدن کریشنا پراسادام^۱، غذای تقدیم‌شده به کریشنا، آن را تحت کنترل درآورد.

ما نمی‌توانیم خداوند را با ادراکات حسی یا غور و تفکر ذهنی درک کنیم. این امکان‌پذیر نیست. چرا که او چنان بزرگ است که ورای حیطه‌ی ادراکات حسی ماست. با این حال، او با تسلیم شدن قابل درک است. بنابراین کریشنا این روند را توصیه می‌کند:

*sarva darmān parityajya
mām ekaṁ śaraṇaṁ vraja
ahaṁ tvām sarva-pāpēbhyo
mokṣayiṣyāmi mā śucaḥ*

^۱ Kṛṣṇa prasādam

"تمام مذاهب گوناگون را رها کن و فقط به من تسلیم شو؛ و در عوض من تو را از تمام واکنش‌های گناه‌آلود نجات خواهم داد. بنابراین چیزی برای ترس تو وجود ندارد."
(ب.گ. ۶۶/۱۸)

متأسفانه ما به بیماری سرکشی و تمرّد دچار شده‌ایم و به همین دلیل خود به خود در مقابل مرجعیت مقاومت می‌کنیم. گرچه می‌گوییم که مرجعیت نمی‌خواهیم، طبیعت چنان قدرتمند است که مرجعیت را بر ما حاکم می‌کند. ما ناچار به پذیرش مرجعیت طبیعت هستیم. چه چیز تأسف انگیزتر از انسانی است که ادعا می‌کند از هیچ مرجعیتی پیروی نمی‌کند، ولی کورکورانه از حواسش، هر جا که او را ببرند، پیروی می‌کند؟ ادعای پوچ استقلال ما، ادعایی کاملاً ابلهانه است. ما همگی تحت هدایت مرجعیت هستیم، با این حال می‌گوییم ما مرجع نمی‌خواهیم! این مایا^۱ یا توهم نامیده می‌شود. با این حال ما مقداری استقلال داریم و می‌توانیم انتخاب کنیم که تحت مرجعیت حواسمان باشیم یا تحت مرجعیت خداوند! بهترین و متعالی‌ترین مرجع کریشنا است. چون او خیرخواه ابدی ماست، و همواره به نفع ما سخن می‌گوید. از آنجایی که باید مرجعیتی را بپذیریم، چرا مرجعیت او را نپذیریم؟ ما صرفاً می‌توانیم با شنیدن شکوه و جلال او در بهاگاواد-گیتا و شریما-بهاگاواتام و با ذکر نام‌های او - هاره کریشنا - به سرعت زندگی خویش را کامل نماییم.

^۱ māyā

فصل دوم

خروج از منجلاب دنیای مادی

موضوع مورد نظر ما متعال‌ترین موضوع - پرشکوه کردن نام مقدس خداوند - است. ماهاراج پاریکشیت^۱ و شوکادو گوسوامی^۲ نیز درباره این موضوع به گفتگو پرداختند در حالی که مثال برهمنایی را بیان نمودند که کاملاً سقوط کرده بود و به انجام همه نوع اعمال گناه‌آلود عادت کرده بود، اما صرفاً با ذکر نام‌های مقدس خداوند، نجات پیدا کرد. این گفتگو را در کنتوی ششم شریمداد - بهاگواتام، سروده‌ی ویاسادو که توصیف اعمال متعال خداوند کریشنا و تشریح دقیق فلسفه‌ی کریشناآگاهی است، می‌توان یافت.

در کنتوی پنجم شریمداد - بهاگواتام، سیستم‌های سیارات کیهانی به طور کامل تشریح شده است. این جهان از سیستم‌های سیاره‌ای بالایی، میانی و پایینی تشکیل شده است. در واقع، نه تنها بهاگواتام، بلکه تمامی کتب مذهبی دارای توصیفاتی از سیستم‌های سیاره‌ای پایینی یا جهنمی و سیستم‌های سیاره‌ای بالایی یا بهشتی هستند. شریمداد - بهاگواتام موقعیت این سیارات را تشریح، و به فاصله آنها از سیاره‌ی ما نیز اشاره می‌کند؛ درست همان‌طور که ستاره‌شناسان فاصله ماه و دیگر اجرام آسمانی را از زمین محاسبه کرده‌اند. به همین صورت بهاگواتام شامل توصیفاتی این چنین از سیارات مختلف است.

¹ Mahārāja Parīkṣit

² Śukadeva Gosvāmī

حتی در همین سیاره نیز ما شرایط جوّی مختلفی را تجربه می‌کنیم. در کشورهای معتدلی مانند ایالات متحده، آب و هوا با کشورهای مناطق حاره چون هند متفاوت است. همان طور که روی این سیاره اختلاف آب و هوا وجود دارد، سیارات دیگری نیز با شرایط جوّی و زیست‌محیطی بسیار متفاوتی وجود دارند. ماهاراج پاریکشیت، پس از شنیدن توصیفات این سیارات از شوکادو گواسوامی گفت:

*adhuneha mahā-bhāga yathaiiva narakān naraḥ
nānograyātanān neyāt tan me vyākhyātum arhasi*

"استاد، من درباره سیارات جهنمی از شما شنیده‌ام انسان‌های که بسیار گناهکار هستند به آن سیارات فرستاده می‌شوند." (ش.ب. ۶/۱/۶)

ماهراج پاریکشیت یک وایشناوا (عابد خداوند) بود و یک وایشناوا همیشه نسبت به رنج‌های دیگران احساس همدردی می‌کند. برای مثال، وقتی حضرت عیسی مسیح ظهور کرد، به شدت برای وضعیت ناگوار مردم اندوهگین شد. همه‌ی وایشناواها یا عابدان خداوند یا به طور کلی، تمام افرادی که خداآگاه یا کریشناآگاه باشند، صرف‌نظر از ملیت یا فرقه و مسلک، دلسوز و با رحم و شفقت هستند. به همین دلیل بی‌احترامی به یک وایشناوا یا کسی که در جهت پرشکوه کردن خداوند انسان‌ها را ارشاد می‌کند، اهانت بزرگی محسوب می‌شود.

کریشنا هیچگاه اهانت به قدوم نیلوفرین یک وایشناوای پاک را تحمل نمی‌کند، هرچند یک وایشناوا همیشه آماده بخشش و گذشت از چنین اهانت‌هایی است. کرینامبودهی^۱: "یک وایشناوا اقیانوس رحمت است". وانچا-کالپا-تارو^۲: "همه‌ی مردم خواسته و آرزو دارند، ولی یک وایشناوا کسی است که می‌تواند همه‌ی خواسته‌ها را برآورده سازد". کاپا-تارو^۳ به درختی در جهان روحانی اشاره می‌کند که درخت برآورده ساختن آرزوها خوانده می‌شود. در دنیای مادی، هر میوه‌ی خاصی فقط از نوع خاصی درخت به عمل می‌آید، اما در کریشنا لوکا، همانند همه‌ی سیارات دیگر در آسمان

¹ Kṛpāmbudhi

² Vāncā-kalpa-taru

³ Kalpa-taru

روحانی، همه‌ی درختان روحانی هستند و هر آنچه فرد آرزو کند، بار می‌دهند. این موضوع در برهما - سامهیتا توصیف شده است (چیتامانی پراکارا-سادماسو کالپا-وریکشا)^۱. یک وایشناوای پاک به چنین درخت برآورده‌کننده‌ی آرزوها تشبیه می‌شود، چون می‌تواند هدیه بی‌همتایی همچون کریشناآگاهی را به یک شاگرد صادق عطا کند. یک وایشناوا را ماها-بهگا^۲ خطاب می‌کنند که به معنای خوشبخت است. کسی که وایشناوا و خداآگاه است، بسیار خوشبخت محسوب می‌گردد. حضرت چیتانیا ماهاپرابهو^۳، مروج اصلی کریشناآگاهی در این عصر، بیان نموده است که همه‌ی موجودات زنده در سیستم‌های سیاره‌ای گوناگون، در تمام این جهان، درحال چرخش بین گونه‌های مختلف حیات هستند. یک موجود زنده می‌تواند خود را آماده‌ی رفتن به هر جا که مایل است، اعم از بهشت یا جهنم، بنماید. سیارات بهشتی بسیار، سیارات جهنمی بسیار، و همچنین گونه‌های حیاتی بسیاری وجود دارند. پادما پورانا، گونه‌های حیات را ۸۴۰۰۰۰۰۰ نوع تخمین می‌زند، که موجود زنده بین این گونه‌ها در حال گردش یا به عبارتی سرگردانی است و بنا به ذهنیتش در هر زندگی، کالبدهایی را برای خود در زندگی بعد ایجاد می‌کند. "هر چه کُنی کِشت، همان پدروی"، این قانون حاکم بر این دنیاست. چیتانیا ماهاپرابهو می‌فرماید از میان بی‌شمار موجود زنده که در دنیای مادی دائم در حال جابجایی و انتقال هستند، فقط یک نفر ممکن است آنقدر خوش شانس باشد که به کریشناآگاهی دست یابد. کریشناآگاهی در همه جا آزادانه پخش می‌شود، با این حال به خصوص در این عصر کالی، هر کسی به آن دست نمی‌یابد! به همین دلیل شریما - بهاگواتام بدبختی را از ویژگی‌های مردمان عصر کالی می‌داند. بنابراین چیتانیا ماهاپرابهو نیز می‌فرماید تنها آنهایی که خوشبخت هستند به کریشناآگاهی می‌رسند و زندگی راحت، پُربرکت و مملو از دانش به دست می‌آورند.

این وظیفه‌ی یک وایشناوا است که منزل به منزل برود و بکوشد به مردم بدبخت، طعم خوشبختی را بچشانند. یک وایشناوا به این می‌اندیشد که "چگونه می‌توان این

¹ *cintāmaṇi prakara-sadmasu kalpa-vṛkṣa* [Bs. 5.29]

² *mahā-bhāga*

³ *Lord Caitanya Mahāprabhu*

مردم را از این زندگی جهنمی نجات داد؟" این پرسش ماهاراج پاریکشیت نیز بود. وی گفت: "استاد، شما توضیح دادید که فرد به دلیل اعمال گناه‌آلودش در شرایط زندگی جهنمی یا در یک سیستم سیاره‌ای جهنمی قرار می‌گیرد. حال، به من بگویید که با چه روش‌هایی می‌توان چنین فردی را نجات داد؟" این پرسش بسیار مهمی است. وقتی یک وایشناوا می‌آید و یا وقتی خداوند خودش و یا فرزندان و عابدان بسیار محرم او می‌آیند، تنها مأموریت آنها نجات انسان‌های گناهکاری است که در رنج و عذاب هستند. آنها از چگونگی انجام این کار آگاه هستند. وقتی پراهلاد ماهاراج^۱ خداوند نریشیمهادو^۲ را ملاقات نمود، گفت (ش.ب. ۴۳/۹/۷):

*naivodvije para duratyaya-vaitaraṇyās
tvadvīrya-gāyana-mahāmṛta-magna-cittah
śoce tato vimukha-cetasa indriyārtha-
māyā-sukhāya bharam udvahato vimūḍhān*

پراهلاد چنین آغاز نمود: "خداوند عزیزم، من زیاد نگران نجات خود نیستم." در اینجا می‌توانیم این رفتار را با فلاسفه مایاوادی^۳، که بسیار مراقب هستند که رستگاری شخصی ایشان دچار مخاطره نشود، مقایسه کنیم. آنها اغلب می‌اندیشند: "اگر من برای موعظه بروم و با دیگران معاشرت کنم، ممکن است که سقوط کنم و ادراک و پیشرفتم متوقف شود." از این رو آنها برای موعظه کردن پیش قدم نمی‌شوند. فقط وایشناواها، حتی با وجود خطر سقوط، برای موعظه و ارشاد پیش می‌آیند، اما آنها سقوط نمی‌کنند. یک وایشناوا حتی آرزو می‌کند که به جهنم برود تا ارواح مقید را نجات دهد. این مأموریت پراهلاد ماهاراج نیز بود. او در ادامه صحبتش گفت: "من چندان از زندگی در این دنیای مادی بیمناک نیستم. هیچ‌گونه نگرانی برای خود ندارم، چراکه به طریقی آموخته‌ام که همواره کریشنا آگاه باشم." از آنجایی که پراهلاد ماهاراج کریشنا آگاه بود، مطمئن بود که در زندگی بعدش نزد کریشنا خواهد رفت. این مطلب در بهاگاواد - گیتا

¹ *Prahlāda Mahārāja*

² *Lord Nṛsimhadeva*

³ *Māyāvādī*

بیان شده است که اگر فرد اصول تنظیم‌کننده کریشناآگاهی را به دقت اجرا نماید، بدون شک در زندگی بعدیش به هدف متعال دست می‌یابد. پراهلاد ماهاراج ادامه داد: "تنها یک دلیل برای نگرانی من وجود دارد. من نگران آنهایی هستم که کریشناآگاه نیستند. من برای خودم نگرانی ندارم، ولی نگران آنها هستم." و چرا مردم کریشنا آگاه نیستند؟ مایا- سوکهایا بهارام اودواهاتو ویمودهان^۱. انسان‌های پست، تمدنی پُرفریب را برای شادی موقتی به وجود آورده‌اند.

مایا- سوکهایا^۲. این یک حقیقت است. ما موفق به ایجاد یک تمدن فریب‌آمیز شده‌ایم. هر سال خودروهای بسیاری تولید می‌شوند و برای آنها راه‌های زیادی باید ساخته، آماده و تعمیر شود. این کار مشکلاتی را در پی مشکلات دیگر بوجود می‌آورد و به همین دلیل مایا - سوکهایا یا شادی توهمی نامیده می‌شود. ما می‌کوشیم راه‌هایی برای خوشبخت شدن بوجود بیاوریم، ولی فقط موفق به ایجاد مشکلات دیگر می‌شویم. ایالات متحده بیشترین تعداد خودروهای دنیا را دارد، ولی این هیچ مشکلی را حل نکرده است. ما خودروهایی را برای کمک به حل مشکلات زندگی تولید می‌نماییم، ولی اغلب با مشکلات دیگری مواجه می‌شویم. با تولید خودرو، باید سی یا چهل مایل برای ملاقات دوستان یا مراجعه به دکتر سفر کنیم. همچنین می‌توانیم در کمتر از یک ساعت با هواپیما از نیویورک به بوستون برویم، اما حتی بیش از این زمان طول می‌کشد که خود را به فرودگاه برسانیم. این موقعیت مایا- سوکهایا خوانده می‌شود. مایا یعنی کاذب، توهمی. ما تلاش می‌کنیم تا موقعیت بسیار راحتی فراهم کنیم، اما فقط موفق به ایجاد موقعیت ناراحت‌کننده‌ی دیگری می‌شویم. این روش دنیای مادی است؛ اگر ما با نعمت‌های خدادادی طبیعت راضی و قانع نباشیم و بخواهیم رفاه مصنوعی ایجاد کنیم، آنگاه مجبور به ایجاد موقعیت‌های ناگوار می‌شویم. اکثر مردم، غافل از این حقیقت، فکر می‌کنند که راحتی را فراهم آورده‌اند، ولی در واقع برای کسب معاش مجبورند پنجاه مایل سفر کنند تا به محل کارشان برسند و پنجاه مایل دیگر تا به خانه برگردند.

¹ Māyā-sukhāya bharam udvahato vimūḍhān [SB 7.9.43]

² Māyā-sukhāya

به سبب چنین شرایطی، پراهلاد ماهاراج می‌گوید ویمودھاس^۱ یا انسان‌های مادی، بار خود را بی‌جهت و صرفاً برای شادی موقت سنگین کرده‌اند. ویمودھان، مایا-سوکه‌ایا بهارام اودھواتو^۲. از این رو در متون ودایی توصیه شده است که شخص، آزاد از زندگی مادی، مرحله‌ی سانیاسا^۳، یا انقطاع از دنیای مادی را اختیار کند و بدون نگرانی به خدمت عابدانه بپردازد.

اختیار کردن مرحله‌ی انقطاع همواره لازم نیست. اگر فرد بتواند در زندگی خانوادگی به کریشناآگاهی بپردازد، تأهل نیز توصیه شده است. با اینکه بهاکتی‌وینودا تنهاکورا^۴ یک قاضی و مردی متأهل بود، خدمت عابدانه را به عالی‌ترین وجه انجام می‌داد. درووا ماهاراج و پراهلاد ماهاراج هم گریه‌استا^۵ (متأهل) بودند، ولی چنان خود را تربیت کرده بودند که حتی در زندگی خانوادگی وقفه‌ای در خدمت ایشان به وجود نمی‌آمد. از این رو پراهلاد ماهاراج گفت: "من هنر همیشه در کریشناآگاهی بودن را آموخته‌ام". آن هنر چیست؟ توآد- ویریا- گایانا- ماهامریتا- مانگا- چیتا^۶: صرفاً تجلیل از فعالیت‌های پرشکوه و اعمال متعال خداوند. کلمه ویریا یعنی "بسیار قهرمانانه". با خواندن شریما - بهاگواتام در می‌یابیم که اعمال کریشنا، شهرت او، معاشران او و هر چیز دیگری درباره‌ی او، همه قهرمانانه هستند. در این باره پراهلادماهاراج می‌فرماید: "من مطمئنم هر جا که بروم، می‌توانم اعمال قهرمانانه‌ی تو را تجلیل کنم و حفاظت شوم. هیچ خطری برای سقوط من نیست، من صرفاً نگران آنهایی هستم که تمدنی ایجاد کرده‌اند که در آن همواره مشغول سخت کار کردن هستند. من به آنها می‌اندیشم." او در جای دیگری می‌فرماید:

*prāyeṇa deva munayaḥ sva-vimukti-kāmā
maunam caranti vijane na parārtha-niṣṭhāḥ
naitān vihāya kṛpānān vimukṣa eko*

¹ vimūḍhas

² Vimūḍhān, māyā-sukhāya bharam udvahato

³ sannyāsa

⁴ Bhaktivinoda Ṭhākura

⁵ gṛhasthas

⁶ Tvad-vīrya-gāyana-mahāmṛta-magna-cittaḥ [SB 7.9.43]

nānyam tvadasya śaraṇam bhramato 'nupaśye

"پروردگار عزیزم، انسان‌های مقدس و حکیمان بسیاری هستند که فقط متوجه رهایی خودشان هستند. آنها در مکان‌های خلوتی مانند کوه‌های هیمالیا و در انزوا زندگی می‌کنند، با هیچ کس سخن نمی‌گویند، و همواره نگران اختلاط با مردم عادی شهرها و بنابراین دچار آشفتگی شدن و یا حتی سقوط خود هستند. آنها چنین می‌اندیشند: "بهتر است من خود را نجات دهم." من متأسفم که این حکیمان بزرگ به شهرهایی که مردم در آنها تمدنی بر پایه‌ی کار سخت دائمی ساخته‌اند، نمی‌آیند. چنین حکیمانی چندان دلسوز نیستند. ولی من نگران این مردم سقوط کرده هستم که بی‌دلیل و صرفاً برای ارضای حواس، سخت کار می‌کنند." (ش.ب. ۴۴/۹/۷)

حتی اگر امتیازی در سخت کار کردن وجود داشته باشد، این مردم آن را نمی‌دانند. تنها چیزی که آنها می‌دانند تمایل جنسی و فاحشه‌خانه‌هایی است که این میل را ارضا می‌کنند. اما پراهلاد ماهاراج برای چنین مردمی دلسوزی می‌کند: نایتان ویهیا کریپانان ویموکشها اِکو^۱: "پروردگارم، من به رستگار شدن به تنهایی، نیازی ندارم. من از این جا نخواهم رفت، مگر تمام این نادانان را با خود ببرم." به این ترتیب او از ورود به قلمروی پادشاهی خداوند، بدون همراه بردن تمام ارواح سقوط کرده امتناع کرد. این نمونه یک وایشناوا است. نانیام توآداسیا شارانام بهیراماتو نوپاشیه^۲: "من صرفاً می‌خواهم به آنها بیاموزم که چگونه به تو تسلیم شوند. فقط همین. این هدف من است." تسلیم شدن، تا این حد مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا یک وایشناوا می‌داند که به محض اینکه تسلیم شود، راه آشکار می‌گردد.

naivodvije para duratyaya-vaitaraṇyās
tvad-vīrya-gāyana-mahāmṛta magna-cittaḥ

"به هر ترتیب، بگذار آنها در مقابل کریشنا تعظیم کنند." این روش بسیار ساده‌ای است. تنها کاری که فرد باید انجام دهد این است که با ایمان در مقابل کریشنا تعظیم

¹ *naitān vihāya kṛpaṇān vimukṣa eko*

² *Nānyam tvad asya śaraṇam bhramato 'nupaśye*

کند و بگوید: "پروردگارم، کریشنا، من تو را برای مدت زمان بسیار طولانی، در زندگی‌های متعدد فراموش کرده بودم. اکنون به ادراک تو رسیده‌ام. لطفاً مرا ببذیر". همین! اگر کسی صرفاً این تکنیک را بیاموزد و با خلوص، خود را به خداوند تسلیم کند، راه وی بلافاصله باز می‌شود. این هدف یک وایشناوای حقیقی است.

یک وایشناوا همواره به این فکر می‌کند که چگونه ارواح مقید فروافتاده را می‌تواند نجات دهد، و همواره در حال برنامه‌ریزی برای آن است. گوسوامی‌ها،^۱ مریدان نزدیک حضرت چیتانیا ماهاپرابهو، چنین وایشناواهایی بودند و شربنی‌واسا آچاریا^۲ آنان را چنین توصیف می‌کند:

*nānā-śāstra-vicāraṇaika-nipuṇau sad-dharma-saṁsthāpakau
lokānām hitakāriṇau tribhuvane mānyau śaraṇyākarau
rādhā-kṛṣṇa-padāravinda-bhajanānandena mattālikau
vande rūpa-sanātanau raghuyugau śrī-jīva-gopālakau*

"شش گوسوامی، شری ساناتانا گوسوامی، شری روپا گوسوامی، شری راگوناتا بهاتا گوسوامی، شری راگوناتا داسا گوسوامی، شری جیوا گوسوامی و شری گویالابهاتا گوسوامی، در مطالعه موشکافانه تمام کتب مقدس موجود به منظور برپا کردن اصول دینی ابدی برای استفاده همه‌ی افراد بشر، بسیار ماهر هستند. آنها همیشه مجذوب حال‌گویی‌ها و مشغول خدمت عاشقانه‌ی متعال به رادها و کریشنا هستند."

با شفقت یک وایشناوا، پاریکشیت ماهاراج به شوکادو گوسوامی گفت: "شما انواع مختلف زندگی جهنمی را توصیف کردید. اکنون با لطف خود برایم توضیح دهید چگونه می‌توان آنها را که در رنج هستند نجات داد؟" آدهونها ماها-به‌گایاتنها یوا ناراکان نارا نانوگریاتانان نیات تان مه^۳. کلمه ناراک^۴ به انسان‌ها یا کسانی که سقوط کرده‌اند اشاره می‌کند. ناراکان نارا نانوگریاتانان نیات تان مه^۵: "چگونه می‌توان آنها را از بدبختی

¹ The Gosvāmīs

² Śrīnivāsa Ācārya

³ Adhuneha mahā-bhāga yathaiva narakān naraḥ nānogra-yātanān neyāt tan me

⁴ naraḥ

⁵ Narakān naraḥ nānogra-yātanān neyāt tan me

شدید و دردهای ناگوارشان نجات داد؟" این نمونه‌ی بارزی از قلب یک وایشناوا است. ماهاراج پاریکشیت همچنین گفت: "به هر صورت آنها به طریقی به این زندگی جهنمی سقوط کرده‌اند، ولی این به آن معنی نیست که باید برای همیشه در آن وضعیت باقی بمانند. حتماً باید راه‌هایی برای نجات آنها باشد، پس لطفاً آنها را برایم شرح دهید."

شوکادو گوسوامی پاسخ داد:

*na ced ihaivāpacitīm yathāmhasaḥ
kṛtasya kuryān mana-ukti-pāṇibhiḥ
dhruvaṁ sa vai pretya narakān upaiti
ye kīrtitā me bhavatas tigma-yātanāḥ*

"بله، من قبلاً شرایط جهنمی مختلفی را که نمونه‌ی یک زندگی بدبختانه و دردناک است، توصیف کردم. نکته این است که فرد باید چنین زندگی‌ای را از بین ببرد."
(ش.ب. ۷/۱/۶)

چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟ فرد از راه‌های مختلفی می‌تواند مرتکب اعمال گناه‌آلود شود. یک راه ذهن است. اگر کسی به ارتکاب عمل گناه بیاندیشد و مثلاً نقشه بکشد که "من باید آن مرد را بکشم"، این نیز گناه محسوب می‌شود. وقتی ذهن می‌اندیشد، احساس می‌کند، و آرزو می‌نماید، عمل بوجود می‌آید. در برخی مناطق ایالات متحده، طبق قانون، اگر سگی به عابری پارس کرد صاحب آن سگ باید جوابگو باشد. حتی فقط برای پارس کردن سگ، صاحبش باید جوابگو باشد. سگ جوابگو نیست، چون یک حیوان است، ولی از آنجا که صاحب حیوان، سگ را بهترین دوست خود قرار داده، طبق قانون مسئول است. به همین شکل، همان‌طور که پارس کردن یک سگ ممکن است غیرقانونی به حساب بیاید، سخن اهانت‌آمیز می‌تواند گناه محسوب شود، چون کاملاً شبیه پارس کردن است. نکته این است که اعمال گناه‌آلود از راه‌های بسیار گوناگونی می‌توانند انجام شوند: فرد ممکن است به آنها بیاندیشد، یا به گناه سخن بگوید، و یا اینکه در عمل مرتکب گناه شود. به هر صورت، همه‌ی اینها

اعمال گناه‌آلود به حساب می‌آیند. درووام سا وی پرتیا ناراکان اوپایتی^۱: فرد باید به خاطر چنین اعمالی متحمل مجازات شود.

مردم به زندگی بعدی عقیده ندارند، چون می‌خواهند از رنج و مجازات بگریزند، ولی زندگی بعدی اجتناب‌ناپذیر است. این یک حقیقت شناخته‌شده است که ما یا باید بر طبق قانون عمل کنیم و یا در غیر این صورت مجازات خواهیم شد. اگر کسی مرتکب اعمال جنایت‌کارانه شود، دولت او را مجازات خواهد کرد. هر چند گاهی اوقات ممکن است یک جنایت‌کار از مجازات دولت فرار کند، ولی قانون خداوند این چنین نیست. فرد می‌تواند سر دیگران کلاه بگذارد، دزدی کند و پنهان شود و به این ترتیب خود را از مجازات دولت حفظ کند، ولی کسی نمی‌تواند خود را از قانون متعال، قانون طبیعت، حفظ کند. این کار بسیار مشکل است، چون شاهدان بسیاری وجود دارند: روشنایی روز شاهد است، نور مهتاب شاهد است، و کریشنا شاهد متعال است. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید: "من مرتکب این گناه می‌شوم و کسی مرا نمی‌بیند." کریشنا، شاهد متعال نشسته در درون قلب است که نه تنها هر آنچه فرد می‌اندیشد و انجام می‌دهد را ثبت می‌کند، بلکه وسایل لازم را هم در اختیار موجود زنده قرار می‌دهد. اگر فرد بخواهد برای ارضای حواس کاری انجام دهد، کریشنا تمام امکانات را در اختیار وی قرار می‌دهد. این موضوع در بهاگاواد - گیتا بیان شده است: سارواسیا چاهام هریدی سانویشتا^۲: "من درون قلب همه نشسته‌ام." ماتا اسمریتیر گیانام آپوهانام چا^۳: "به یاد آوردن، دانستن، و فراموش کردن از من می‌آیند."

از این طریق کریشنا به ما فرصت می‌دهد. اگر ما کریشنا را بخواهیم، به ما این امکان را می‌دهد که با او باشیم، و اگر او را نخواهیم، به ما این فرصت را می‌دهد که او را فراموش کنیم. اگر ما بخواهیم با فراموش کردن کریشنا، فراموش کردن خداوند، از زندگی لذت ببریم، کریشنا همه‌ی امکانات را در اختیار ما قرار می‌دهد تا بتوانیم او را فراموش کنیم، اما اگر بخواهیم از زندگی در کریشنا آگاهی لذت ببریم، کریشنا این

¹ Dhruvam sa vai pretya narakān upaiti

² Sarvasya cāham hṛdi sanniviṣṭaḥ

³ Mattaḥ smṛtir jñānam apohanam ca

امکان را به ما می‌دهد که پیشرفت کنیم. این به ما بستگی دارد. اگر فکر کنیم که می‌توانیم بدون کریشناآگاهی خوشحال باشیم، کریشنا به آن اعتراض نمی‌کند. یاته‌چاسی تاتنها کورو^۱. او بعد از ارائه‌ی توصیه‌ها به آرجونا، صرفاً به او گفت: "حال من همه چیز را برای تو شرح دادم. هر آنچه که مایلی انجام ده." و آرجونا بلافاصله پاسخ داد، کاریشیه و اچانام تاوا^۲: "اکنون، امر تو را اجرا خواهم نمود." این یعنی کریشناآگاهی.

خداوند در استقلال جزئی ما دخالت نمی‌کند. اگر بخواهیم طبق فرمان او عمل کنیم، آنگاه به ما یاری می‌رساند. حتی اگر هم زمانی، شخصی سقوط کند ولی صادق باشد و با خود بیندیشد که: "از این زمان به بعد من باید کریشناآگاه شوم و دستورات او را اجرا کنم"، کریشنا به او کمک می‌کند. در تمام جنبه‌ها، حتی اگر شخص سقوط کند، بخشیده خواهد شد و به او شعور بیشتری عطا خواهد شد. این شعور خواهد گفت: "این کار را نکن. اکنون به انجام وظایف ادامه بده." ولی اگر کسی بخواهد کریشنا را فراموش کند و بخواهد بدون کریشنا خشنود گردد، خداوند زندگی پس از زندگی به آن شخص فرصت‌های بسیاری می‌دهد تا او را فراموش کند.

پاریکشیت ماهاراج گفت: "چنین نیست که اگر من بگویم خدایی وجود ندارد، خدایی وجود نخواهد داشت، یا اینکه من برای آنچه انجام می‌دهم مسئول نیستم." ملحدان خداوند را به خاطر اعمال گناه‌آلودشان انکار می‌کنند. آنها اگر می‌اندیشیدند که خدایی وجود دارد، از فکر مجازات بر خود می‌لرزیدند؛ از این رو وجود او را انکار می‌کنند. خرگوش‌ها هنگامی که مورد حمله حیوان بزرگ‌تری قرار می‌گیرند، چشمانشان را می‌بندند و با خود می‌گویند: "من کشته نخواهم شد." ولی آنها به هر حال کشته می‌شوند. به همین شکل، اگرچه ما ممکن است وجود خدا و قوانینش را انکار کنیم، ولی خداوند و قوانین او همچنان وجود دارند. در دادگاه عالی ممکن است کسی بگوید: "من برای قانون حکومت ارزشی قائل نیستم"، ولی او را مجبور به پذیرش قانون حکومت می‌کنند. اگر کسی قانون ایالتی را نقض کند، او را به زندان می‌اندازند و بقدر کافی مجازات می‌کنند. به همین صورت شخصی نیز ممکن است به طرز احمقانه‌ای و

¹ *Yathechhasi tathā kuru*

² *kariṣye vacanam tava*

با گفتن این که "خدایی وجود ندارد" و یا "من خدا هستم"، وجود خداوند را به طرق مختلفی بی‌اعتبار کند؛ ولی در نهایت فرد برای تمام اعمالش، چه خوب و چه بد، مسئول است.

طبق قانون کارما^۱، یا قانون حاکم بر اعمال، اگر ما درست عمل کنیم و اعمال متقیانه انجام دهیم، به ما پاداش نیک داده می‌شود و اگر اعمال گناه‌آلود انجام دهیم، باید رنج بکشیم. بنابراین شوکادو گوسوامی می‌فرماید:

*tasmāt puraivāśv iha pāpa-niṣkṛtau
yateta mṛtyor avipadyatātmanā
dośasya dṛṣṭvā guru-lāghavaṁ yathā
bhiṣak cikitseta rujām nidāna-vit*

"شما باید بدانید که مسئول هستید و بنا به سنگینی بار گناهانتان، باید متحمل نوعی کفاره طبق توصیفات شاستراها^۲ یا متون مقدس شوید." (ش.ب. ۸/۱/۶)

همان‌طور که اگر شخصی بیمار شود به جستجوی پزشک می‌پردازد، بر اساس روش زندگی ودایی، طبقه‌ای از برهمنانها وجود دارند، که فرد باید برای کفاره‌ی تجویز شده اعمال گناه‌آلود خود به آنها مراجعه کند. انواع مختلفی از کفاره وجود دارد. اگر شخصی مرتکب گناهی شود و با توبه و ریاضت آن را خنثی کند، این عمل کفاره نام دارد. در انجیل مسیحیان نیز مثال‌هایی از این قبیل وجود دارد. شوکادو می‌فرماید که هر کس باید بر اساس سنگینی بار اعمال گناه‌آلودش کفاره‌ی تجویز شده‌ای را انجام دهد. یک پزشک ممکن است دارویی گران‌قیمت یا ارزان‌قیمت را بر اساس وخامت بیماری تجویز کند. وی ممکن است برای یک سردرد صرفاً یک آسپرین تجویز نماید، ولی اگر بیماری جدی باشد ممکن است عمل جراحی با هزاران دلار هزینه را توصیه نماید. به همین شکل اعمال گناه‌آلود نیز بیماری محسوب می‌شوند، پس فرد باید درمان‌های تجویز شده را پیروی کند تا سلامتی خود را باز یابد.

با پذیرش چرخه‌ی تولد و مرگ، روح شرایط بیمارگونه‌ای را می‌پذیرد. روح تحت تأثیر تولد، مرگ یا بیماری نیست، زیرا پاک است. در بهاگاواد - گیتا کریشنا می‌فرماید برای روح تولدی (نا جایاته^۱) و مرگی (مریاته^۲) وجود ندارد.

¹ karma

² śāstras

*na jāyate mriyate vā kadācin
nāyam bhūtvā bhavitā vā na bhūyah
ajo nityah śāśvato 'yam purāṇo
na hanyate hanyamāne śarīre*

"برای روح هیچگاه تولد و مرگی وجود ندارد، روح به وجود نیامده است، و به وجود نخواهد آمد. او تولدنیافته، جاودان، همواره موجود و ازلی است. روح با کشته شدن بدن از بین نمی‌رود." (ب.گ. ۲۰/۲)

تمدن امروزی نیاز زیادی به سیستم آموزشی دارد که به مردم درباره‌ی اتفاقات پس از مرگ آموزش دهد. عملاً سیستم آموزش فعلی ناقص‌ترین سیستم است، چون مادامی که فرد نمی‌داند پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد، مانند یک حیوان می‌میرد. یک حیوان نمی‌داند که باید بمیرد یا باید بدن دیگری بگیرد. بنابراین زندگی انسانی، باید متعالی‌تر باشد. فرد نباید فقط علاقمند به اعمال حیوانی خوردن، خوابیدن، دفاع و تولید مثل باشد. یک موجود زنده ممکن است منبع سرشاری از غذا برای خوردن یا ساختمان‌های زیبا برای خوابیدن، یا ترتیبات خوبی برای زندگی جنسی، و یا سیستم دفاعی خوبی برای محافظت داشته باشد، ولی این بدان معنی نیست که او یک انسان است. تمدنی را که بر پایه این فعالیت‌ها بنا شده است، باید تمدن حیوانی به شمار آورد. از آن جایی که حیوانات نیز به این اعمال علاقمندند، پس اگر انسان از آنها فراتر نرود، چه فرقی بین زندگی انسانی و زندگی حیوانی وجود دارد؟

زمانی می‌توان بین این دو تفاوت قائل شد که انسان کنجکاو می‌شود و می‌پرسد: "چرا من در این شرایط ناگوار قرار گرفته‌ام؟ آیا هیچ چاره‌ای برای آن وجود دارد؟ آیا زندگی جاودان ابدی وجود دارد؟ من نه می‌خواهم بمیرم و نه می‌خواهم رنج بکشم. من می‌خواهم شاد و آرام زندگی کنم. آیا چنین امکانی وجود دارد؟ راه و روش یا دانشی که با آن بتوان به چنین زندگی‌ای دست یافت، چیست؟" وقتی این پرسش‌ها مطرح شوند و گام‌هایی برای پاسخ به آنها برداشته شود، تمدن انسانی ما بنا می‌گردد. اگر این

¹ na jāyate

² mriyate

پرسش‌ها هیچگاه مطرح نشوند، آنگاه آن تمدن را باید حیوانی به شمار آورد. حیوانات و انسان‌های حیوان‌صفت، تنها به ادامه روند خوردن، خوابیدن، جفت‌گیری و دفاع کردن علاقمندند، ولی در واقع این روند به هر ترتیب مجبور به توقف است. واقعیت این است که هیچ دفاع حقیقی وجود ندارد، چون کسی نمی‌تواند خود را از دستان بی‌رحم مرگ حفاظت کند. برای مثال، هیرانیا کاشیپو، می‌خواست زندگی جاودان داشته باشد و برای آن ریاضت‌های سختی را تحمل نمود، ولی در آخر تلاش‌های وی به وسیله خداوند خنثی شد که به فرم شیر-انسان، نریشیمهادو، او را با چنگال‌های خویش کشت. امروزه، به اصطلاح دانشمندان ادعا می‌کنند که در آینده مرگ را با روش‌های علمی متوقف خواهند کرد، ولی این فقط یک ادعای ابلهانه‌ی دیگر است. متوقف کردن مرگ به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست. ما ممکن است در دانش علمی پیشرفت‌های زیادی بکنیم، اما هیچ راه‌حل علمی برای چهار مسئله‌ی تولد، مرگ، پیری و بیماری وجود ندارد.

انسان هوشمند باید به حل این چهار مسئله‌ی اصلی - تولد، مرگ، پیری، و بیماری علاقمند باشد. هیچ‌کس نمی‌خواهد بمیرد، ولی چاره‌ای نیست. همه باید بمیرند. همه بسیار مشتاقند که رشد بسیار سریع جمعیت را با بکارگیری روش‌های جلوگیری متوقف کنند، ولی همچنان زاد و ولد ادامه می‌یابد. هیچ مانعی برای مرگ، و هیچ توقفی برای تولد وجود ندارد. با همه‌ی ابداعات جدید پزشکی، نه بیماری‌ها پایان یافته و نه روند پیری متوقف شده است.

انسان ممکن است فکر کند همه‌ی مسائل زندگی را حل کرده است، ولی آیا راه‌حلی برای چهار مسئله‌ی تولد، مرگ، پیری، و بیماری یافته است؟ آن راه‌حل، کریشنا آگاهی است. همه‌ی ما در هر لحظه در حال تجربه مرگ تدریجی هستیم و آخرین مرحله ترک این بدن، مرگ خوانده می‌شود. کریشنا در این باره چنین می‌فرماید:

*janma karma ca me divyam
evam yo vetti tattvataḥ
tyaktvā dehaṁ punar janma
naiti mām eti so 'rjuna*

"ای آرجونا، کسی که به طبع روحانی ظهور و اعمال من پی ببرد، پس از ترک کالبد مادی دیگر به این دنیای مادی رجعت نمی‌کند، بلکه به ملکوت جاودان من واصل خواهد شد." (ب.گ. ۹/۴)

چه بر سر چنین فردی می‌آید؟ مام اِتی^۱، او به سوی کریشنا باز می‌گردد. اگر ما باید نزد کریشنا باز گردیم، باید بدنی روحانی آماده کنیم. این آماده‌سازی روند کریشنا آگاهی است. اگر فرد خود را در کریشنا آگاهی نگاه دارد، او به تدریج بدن بعدی خود یعنی بدن روحانی را آماده می‌کند، که او را بلافاصله به کریشنالوکا - ملکوت کریشنا - می‌برد، و او خشنود از زندگی در جاودانگی و سعادت‌مندی به سر خواهد برد.

¹ Mām eti

فصل سوم

فراگیری عشق ورزیدن

آلودگی ناشی از اعمال گناه نیازمند کفاره‌ای متناسب خود است. انسان باید متحمل درجه‌ای از کفاره شود. این توصیه متون مقدس است. شوکادو گوسوامی می‌فرماید: "اگر کسی قبل از مرگ کفاره را بپذیرد، در زندگی بعدیش سقوط نخواهد کرد. اما اگر او کفاره نپردازد، نتیجه بازتاب اعمال گناه‌آلود خود را به دوش خواهد کشید و رنج خواهد برد." طبق قانون اگر شخصی کسی را بکشد، او نیز باید کشته شود. ایده‌ی زندگی به ازای زندگی، مفهوم جدیدی نیست. بلکه این موضوع را می‌توان در مانو - سامهیتا، کتاب قانون ودایی برای بشریت نیز یافت. در این کتاب اشاره شده است زمانی که پادشاهی قاتلی را به دار می‌آویزد، با این عمل قاتل در واقع بهره‌مند می‌شود، زیرا اگر او کشته نمی‌شد باید بازتاب قتل را که مرتکب شده بود به دوش می‌کشید و مجبور بود به طرق مختلف متحمل رنج شود.

قوانین طبیعت بسیار دقیق هستند و اگرچه مردم از آنها اطلاعی ندارند، با نظارت بسیار قاطعی هدایت می‌شوند. در مانو - سامهیتا، مفهوم "زندگی به ازای زندگی" مورد قبول واقع شده است و در واقع در تمام جهان تسری یافته است. به همین شکل قوانین دیگری نیز وجود دارند که تبیین می‌کنند یک فرد حتی یک مورچه را نمی‌تواند بکشد، بدون اینکه مسئول باشد. از آن جایی که ما قادر به خلق نیستیم، حقی نیز برای کشتن هیچ موجود زنده‌ای نداریم و بنابراین قوانین ساخته‌ی بشر که بین انسان‌ها و حیوانات تمایز قائل می‌شوند، ناقص هستند. با اینکه قوانین بشری دارای نقص هستند، اما در قوانین خداوند نمی‌تواند نقصی وجود داشته باشد. با توجه به قوانین الهی، کشتن یک حیوان به اندازه کشتن یک انسان سزاوار مجازات است. کسانی که بین این دو تمایز

قائل می‌شوند، برای خودشان قانون اختراع کرده‌اند. حتی در ده فرمان موسی، نیز این گونه دستور داده شده است: "تو نباید بکشی!" این یک قانون کامل است، اما انسان‌ها با تبعیض قائل شدن و فلسفه‌بافی آن را تحریف می‌کنند. آنها با خود فکر می‌کنند که نباید انسان‌ها را بکشند، اما مجاز به کشتن حیوانات هستند. بدین ترتیب مردم سر خود کلاه می‌گذارند و بر خود و دیگران درد و رنج تحمیل می‌کنند. در هر صورت به هیچ وجه قوانین الهی چنین رفتاری را مورد عفو قرار نخواهد داد.

همه‌ی موجودات زنده مخلوقات خدا هستند، اگرچه در بدن‌ها یا لباس‌های متفاوت قرار بگیرند. خداوند یکتا پدر متعال است. یک پدر ممکن است تعداد زیادی فرزند داشته باشد و بعضی از آنها ممکن است باهوش و بقیه نه‌چندان باهوش باشند، اما اگر یک فرزند باهوش به پدرش بگوید: "برادرم زیاد باهوش نیست، پس بگذار او را بکشم"، آیا پدر موافقت خواهد کرد؟ حتی به علت اینکه یکی از فرزندان زیاد باهوش نیست و بقیه مایلند او را بکشند تا بار او را بر دوش نکشند، پدر هرگز موافقت نخواهد کرد. به همین ترتیب اگر خداوند پدر متعال است، چرا باید کشتن حیواناتی را که فرزندان او محسوب می‌شوند مجاز بشمارد؟ در بهاگاود-گیتا خداوند به أرجونا اظهار می‌نماید که تمام $۸/۴۰۰/۰۰۰$ گونه موجود زنده، فرزندان او هستند. و خداوند می‌فرماید "من پدر مؤلد آنها هستم". حتی در زاد و ولد در دنیای مادی، پدر نطفه‌ی اولیه را تأمین می‌کند و مادر از طریق تأمین خون لازم به جنین بدن وی را رشد می‌دهد و از او نگهداری می‌کند. به همین صورت موجودات زنده به عنوان جزء و ذره‌ای از پدر متعال، توسط خداوند در دنیای مادی زاده می‌شوند.

ابعاد روح روحانی، بسیار کوچک است و در متون مقدس با عنوان کِشاگرا^۱، به اندازه یک ده‌هزارم نوک مو بیان شده است. ما به سختی تصور تقسیم یک نقطه بسیار کوچک به هزاران قسمت کوچک‌تر را می‌توانیم داشته باشیم. به بیان دیگر ابعاد روح آن قدر کوچک است که نمی‌توان حتی آن‌را با قوی‌ترین میکروسکوپ‌ها مشاهده نمود. بنابراین ابعاد اخگر روحانی به قدری کوچک است که با چشمان مادی قابل دیدن

^۱ kesāgra

نیست. تمام این اطلاعات در متون مقدس ارائه شده است. اما به علت اینکه ما دید درستی نداریم، نمی‌توانیم آنها را ببینیم. اگرچه چشمان مادی ما نمی‌توانند ابعاد روح را مشاهده نمایند، با این حال روح درون بدن است و به محض اینکه از بدن بیرون می‌رود، با توجه به اعمالش، کالبد دیگری می‌گیرد.

شخص باید همیشه این موضوع را در نظر داشته باشد که ورای تمام این فعالیت‌ها نظارت مرجع بالاتری وجود دارد. موجود زنده در دنیای مادی عمل می‌کند، درست همان‌طور که کارمند در محل کارش کار می‌کند و برنامه کاری او ثبت می‌گردد. موجود زنده نمی‌داند نظر مرجع بالاتر او چیست. با این حال اعمال انجام‌شده‌ی وی ثبت می‌شود و با توجه به فعالیت‌هایش به او اضافه حقوق یا جریمه تعلق می‌گیرد و یا بعضی اوقات وی با تنزل پست و حتی اخراج روبرو می‌گردد. به همین ترتیب، برای تمامی اعمال ما شاهدهی وجود دارد. بنابراین در متون مقدس گفته شده است که موجودات زنده تحت نظارت مرجع بالاتر هستند و به آنها با توجه به اعمال خود پاداش و کیفر تعلق می‌گیرد. در حال حاضر ما دارای یک بدن انسانی هستیم، ولی در زندگی بعدیمان ممکن است آن را نداشته باشیم. ممکن است بدن دیگری بگیریم، بهتر یا پایین‌تر. نوع بدن موجود زنده توسط مرجع بالاتر او مشخص می‌شود. عموماً موجود زنده علم چگونگی انتقال روح از یک بدن به بدن دیگر را نمی‌داند.

روح موجود زنده حتی در طول یک زندگی، در حالی که بدن تغییر می‌کند، انتقال می‌یابد. وقتی بدن ابتدا در رحم مادر ظاهر می‌شود، بسیار کوچک است، درست مثل نخود، به تدریج نه سوراخ در آن به وجود می‌آید، دو چشم، دو گوش، دو سوراخ بینی، دهان، آلت تناسلی و مقعد. بدین ترتیب بدن به وجود می‌آید و تا زمانی که برای رشد کردن به رحم مادر احتیاج دارد، آنجا می‌ماند. وقتی به اندازه کافی برای بیرون آمدن رشد نمود، بیرون می‌آید و بزرگ می‌شود. رشد مستلزم تغییر بدن است. این تغییر قابل درک نیست، زیرا برای موجود زنده غیرقابل مشاهده است. در کودکی ما بدن‌های کوچکی داشتیم که اکنون دیگر نداریم. بنابراین می‌توان گفت که ما بدنمان را عوض کرده‌ایم. مشابهاً تا وقتی که این بدن از کار بایستند، به علت سرشت ماده، مجبور به

تغییر آن هستیم. تمام اشیای مادی رو به زوال می‌روند و بدن نیز مانند یک ماشین خراب یا یک تکه لباس کهنه، پس از مدت زمان معینی، بلااستفاده می‌شود. اگرچه این نحوه‌ی رشد همیشه به همین منوال است، اما، سیستم‌های آموزشی در دانشگاه‌های مدرن که بسیار هم پیشرفته شناخته می‌شوند، متأسفانه به این موضوع کاری ندارند. همچنین هیچ آموزشی برای دریافت علوم روحانی وجود ندارد. شخص می‌تواند بدون هیچ‌گونه آموزش رسمی یاد بگیرد که امرار معاش کند، غذا بخورد، بخوابد و جفت‌گیری نماید. به حیوانات آموزش داده نمی‌شود، آنها تکنسین نیستند و مدرک دانشگاهی ندارند؛ با این حال آنها هم می‌خورند، می‌خوانند، جفت‌گیری می‌کنند و دفاع می‌نمایند. اگر سیستم آموزشی صرفاً این مراحل را آموزش دهد، دیگر سزاوار نیست که نام آن را آموزش بگذارند. آموزش واقعی ما را قادر می‌سازد که درک کنیم که چه هستیم. تا زمانی که انسان آگاهی خود را به درک خودشناسی ارتقا ندهد، تمام اعمال وی در گونه‌ی جهل است. زندگی انسانی به معنای غلبه بر قوانین طبیعت مادی است. در واقع ما همگی سعی می‌کنیم که با خنثی کردن حملات طبیعت مادی، این پیروزی را به دست آوریم. پیروزی نهایی غلبه بر تولد، مرگ، بیماری و پیری است، اما متأسفانه این نکته مهم را فراموش کرده‌ایم.

اگر سیستم آموزشی به موضوع کاربرد صحیح آنچه خداوند برای ما تأمین نموده است، بپردازد این سیستم ارتقا خواهد یافت. تمام میوه‌ها و دانه‌هایی که ما می‌خوریم توسط خداوندی به ما داده شده است که غذای تمام موجودات زنده را تأمین می‌کند. در شریما - بهاگواتام (۴۷/۱۳/۱) آمده است: جیوو جیواسیا جیوانام^۱: یعنی یک موجود زنده، غذایی است برای موجود زنده دیگر. موجودات بدون دست، غذایی هستند برای موجودات دارای دست؛ همانند ما انسان‌ها. حیوانات بدون پا، غذای حیوانات چارپا هستند. علف یک موجود زنده است، ولی پایی برای حرکت ندارد و در نتیجه توسط گاو و دیگر حیوانات خورده می‌شود. چنین موجودات بی‌حرکی غذای موجودات متحرک هستند، و بدین طریق جهان در یک ستیز دائم بین استثمارکننده و تحت استثمار است.

^۱ jīvo jīvasya jīvanam

ضعیف‌تر توسط قوی‌تر مورد استنثار قرار می‌گیرد. این قانون طبیعت است. به صورت سنتی وایشناواها یا عابدان کریشنا گوشت نمی‌خورند. این موضوع نه به خاطر گیاه‌خوار شدن بلکه برای پیشبرد آگاهی به خداست. برای خداآگاه شدن شخص باید قوانین و مقرراتی را دنبال نماید. درست است که شخص باید غذا بخورد اما توصیه این است که شخص از باقیمانده‌ی غذای تقدیم‌شده به کریشنا، میل نماید. این موضوع فلسفه‌ی بهاگاواد-گیتا نیز هست، در جایی که کریشنا می‌فرماید:

*patraṁ puṣpaṁ phalaṁ toyāṁ
yo me bhaktyā prayacchati
tad ahaṁ bhakty-upahṛtam
aśnāmi prayatātmanah*

"اگر کسی با عشق و عبودیت یک برگ، یک گل، میوه یا آب به من تقدیم نماید، من آن را خواهم پذیرفت." (ب.گ. ۲۶/۹)

این نکته به این معنی نیست که کریشنا گرسنه است و از ما درخواست غذا می‌کند. منظور از این تقدیم، خلق یک تبادل عاشقانه است. کریشنا این رابطه را می‌خواهد، "وقتی تو عاشق من باشی، من نیز عاشق تو خواهم شد." در حالی که این خداوند یا انرژی اوست که همه چیز را خلق می‌کند و حفظ می‌نماید، پس چرا او باید یک برگ یا یک میوه یا کمی آب از ما تقاضا کند؟ او بسیار راضی خواهد شد اگر ما کمی میوه، یک برگ و یا مقداری آب را با عشق به او تقدیم کنیم و بگوییم "کریشنا، من بسیار فقیرم و به طور قطع نمی‌توانم چیزی را تأمین کنم، من فقط این میوه و برگ را به دست آورده‌ام. با لطف خود آن را بپذیر." چنین تقدیمی کریشنا را بسیار خوشحال خواهد نمود. اگر او هر آنچه را که ما تقدیم کرده‌ایم میل کند، زندگی ما قرین موفقیت خواهد شد، چرا که قطعاً بین ما و کریشنا رابطه‌ی دوستی برقرار خواهد شد. عملاً هر انسانی اعم از فقیر یا ثروتمند در تمام نقاط دنیا می‌تواند میوه، گل و آب را بدست آورد و تقدیم نماید. بنابراین ما باید به خاطر داشته باشیم که نه گیاه‌خواری امر مهمی است و نه خداوند نیازمند چیزی است. نکته‌ی مهم آن است که ما باید صرفاً سعی کنیم یاد بگیریم چگونه به کریشنا عشق بورزیم.

عشق ورزیدن با این دادن و گرفتن آغاز می‌شود. ما به معشوق خود چیزی می‌دهیم، او نیز به ما چیزی می‌دهد و بدین طریق، عشق به وجود می‌آید. وقتی ما هرگونه تبادل عشقی را با یک پسر یا دختر، مرد یا زن برقرار کنیم، در واقع ما در این رابطه چیزی می‌دهیم و چیزی می‌گیریم. بنابراین کریشنا به ما آموزش می‌دهد که چگونه این داد و ستد را انجام دهیم. کریشنا از ما تقاضا دارد "سعی کن عاشق من باشی، یاد بگیر چگونه عاشق من شوی، چیزی به من تقدیم کن."

ممکن است ما بگوییم: "ارباب من چیزی برای تقدیم به شما ندارم." و او می‌فرماید: "اوه، تو حتی نمی‌توانی یک تکه میوه، یک گل، یک برگ یا مقدار خیلی کمی آب برای من فراهم کنی؟"

و ما در جواب می‌گوییم: "اوه، چرا! چرا که نه! هرکسی می‌تواند اینها را فراهم کند." پس این راه و رسم کریشنا آگاهی است که اجازه می‌دهد شخص با کریشنا دوست شود. ما می‌توانیم در روابط متعددی با کریشنا قرار بگیریم. ما می‌توانیم خادم مستقیم او شویم، یا در بالاترین مرحله ما می‌توانیم پدر کریشنا، مادر او یا عاشق او باشیم. کریشنا آماده برقراری رابطه عاشقانه با هر موجود زنده‌ای است. در واقع این رابطه از قبل وجود دارد، زیرا او پدر متعال است و ما اجزا و ذرات او هستیم. از آن جایی که فرزند قسمتی از بدن پدر است، رابطه‌ی بین آنها نمی‌تواند از بین برود؛ ممکن است این رابطه برای مدتی فراموش شود، اما به محض اینکه شخص پدر خود یا فرزند خود را بشناسد فوراً بین آنها محبت به وجود می‌آید. به همین ترتیب ما به طور ابدی با کریشنا در رابطه هستیم، اما در حال حاضر صرفاً این رابطه فراموش یا متوقف شده است. در نتیجه فکر می‌کنیم که با کریشنا رابطه‌ای نداریم، اما این حقیقت ندارد. از آنجایی که ما جزء و ذره‌ای از او هستیم، به خاطر آن که ما وابسته به او هستیم، رابطه ما با او ابدی و جاودان است. این رابطه را صرفاً باید احیا کرد و احیای آن همین روند کریشنا آگاهی است.

در حال حاضر ما تحت نفوذ آگاهی‌های مختلف هستیم. مثلاً یک نفر فکر می‌کند هندی است. دیگری فکر می‌کند آمریکایی است و شخص دیگری فکر می‌کند "من

این هستم" و "من آن هستم"، بدین ترتیب ما بی‌شمار هویت کاذب برای خود ایجاد می‌نماییم. اما هویت واقعی ما این است: "من متعلق به کریشنا هستم." زمانی که به این صورت فکر کنیم، در آگاهی به کریشنا هستیم. فقط بدین طریق است که عشق جهانی می‌تواند بین تمام موجودات زنده برقرار شود. کریشنا با همگان به عنوان پدر ابدی در ارتباط است. و در نتیجه وقتی ما یک رابطه‌ی کریشنا آگاهانه برقرار کنیم، همه‌ی ما به هم مرتبط می‌شویم. وقتی شخصی ازدواج می‌کند، او خود به خود وارد رابطه‌ای با خانواده‌ی همسرش می‌شود. به همین ترتیب اگر ما رابطه‌ی حقیقی خود را دوباره با کریشنا برقرار کنیم، با همگان نیز رابطه‌ای حقیقی برقرار خواهیم کرد. این پایه‌ی عشق واقعی جهانی است. مادامی که رابطه خود را با مرکز برقرار نکنیم، عشق جهانی، مصنوعی خواهد بود و نمی‌توان آن را تحمل کرد. یک شخص آمریکایی محسوب می‌شود اگر در آمریکا متولد شود، بنابراین همه‌ی آمریکایی‌های دیگر، اعضای خانواده او محسوب می‌شوند. اما اگر او جای دیگری متولد شود، رابطه‌ای با آمریکایی‌ها ندارد. در سطح مادی تمام روابط نسبی است. اما رابطه‌ی با کریشنا ابدی است و تحت تأثیر زمان و موقعیت قرار نمی‌گیرد.

وقتی ما رابطه‌مان را با کریشنا دوباره برقرار می‌کنیم، نیاز به برادری جهانی، عدالت، صلح و کامیابی پاسخ داده خواهد شد. بدون کریشنا هیچ امکانی برای تصور این ایده‌آل‌های والا وجود ندارد. اگر نقطه‌ی مرکزی گم شود، چگونه می‌تواند برادری و صلح وجود داشته باشد؟

در بهاگاواد - گیتا فرمول صلح به طور واضح داده شده است. ما باید بفهمیم که کریشنا تنها لذت‌برنده است. این سطح از آگاهی، در یک معبد کریشنا آگاهی، جایی که نقطه‌ی مرکزی تمام فعالیت‌ها کریشناست، پرورش می‌یابد. در چنین مکانی، تمام چیزهایی که طبخ می‌شود، نه برای خواسته کسی بلکه فقط برای کریشنا طبخ می‌شود. در نهایت ما باید پراسادام (غذای تقدیم‌شده) بخوریم. اما وقتی آشپزی می‌کنیم، باید فکر کنیم که برای کریشنا طبخ می‌کنیم و نه برای خودمان. وقتی اعضای یک معبد به خیابان‌ها می‌روند آنها کاری زیادی برای خودشان انجام نمی‌دهند. بلکه ایشان برای

پخش متون کریشناآگاهی بین مردم و به منظور آگاه ساختن ایشان نسبت به حضور کریشنا، به خیابان‌ها می‌روند. تمام پولی که به دست می‌آید، در راه کریشنا و برای پخش پیام او به طرق مختلف خرج می‌شود. چنین فرمی از زندگی که در آن همه چیز برای کریشنا انجام می‌شود، باعث رشد کریشناآگاهی در موجود زنده می‌شود. ممکن است فعالیت‌های ما به همان صورت قبل باقی بماند؛ اما باید صرفاً درک کنیم در حال عمل کردن برای کریشنا و نه برای ارضای تمایلات شخصی خود هستیم. بدین طریق ما می‌توانیم به آگاهی حقیقی خود برسیم و شاد گردیم. تا زمانی که شخص در آگاهی واقعی خودش که همان کریشناآگاهی است مستقر نشود، تا حدی دیوانه محسوب می‌شود. در واقع تمامی افرادی که کریشناآگاه نیستند باید دیوانه در نظر گرفته شوند؛ چرا که آنها در سطحی قرار دارند که موقتی و زودگذر است. از آن جایی که ما به عنوان موجودات زنده جاودان هستیم، اعمال موقت مورد توجه ما نیست. مشغولیت ما باید جاودان باشد. زیرا ما جاودان هستیم و آن مشغولیت جاودان، انجام خدمت به کریشنا همراه با عشق ورزیدن به اوست.

کریشنا جاودان کل است و ما اجزای جاویدان هستیم. کریشنا موجود زنده متعال است و ما موجودات زنده جزء هستیم. انگشت، جزء و ذره‌ای از کل بدن است و عملکرد ذاتی آن، خدمت به کل است. در حقیقت این مطلب برای انگشت موضوع اصلی است و اگر نتواند به بدن خدمت کند یا مریض است یا از کار افتاده. به همین صورت ما به عنوان یک جزء و ذره‌ای از کریشنا باید به او خدمت کنیم و فرمان‌بردار او باشیم، زیرا به عنوان پدر متعال، او تمام نیازهای ما را تأمین می‌کند. چنین زندگی با سرسپردگی به کریشنا، یک زندگی معمولی و در عین حال واقعاً آزادانه است. کسانی که سعی دارند کریشنا را نفی کنند و خارج از هر گونه رابطه‌ای با او زندگی کنند، در واقع یک زندگی گناه‌آلود را هدایت می‌کنند.

شوکادو گوسوامی و ماهاراج پاریکشیت راجع به این موضوع بحث کردند و ماهاراج پاریکشیت مشتاقانه می‌خواست بداند که چگونه روح مقید می‌تواند از زندگی جهنمی نجات پیدا کند. این خواسته‌ی طبیعی یک وایشناوا است که بشریت را از رنج نجات

دهد. معمولاً دیگران به این موضوع توجهی نمی‌کنند که آیا مردم رنج می‌برند یا نمی‌برند. ولی یک وایشناوا، یک عابد خداوند، همیشه می‌اندیشد که چگونه وضعیت مقید فروافتادگی مردم را تقلیل دهد. مسیحیان اعتقاد دارند که حضرت عیسی با مصلوب شدنش تمام اعمال گناه‌آلود مردم جهان را به خود جذب کرد. عابد خداوند همواره می‌اندیشد که چگونه درد و رنج دیگران را به خود جذب کند. مثالی مشابه، عابدی به نام واسودو^۱ داتا^۲ از معاشران چیتانیا ماهاپرابهو بود. او به چیتانیا ماهاپرابهو گفت: "حال که شما آمده‌اید، خواهش می‌کنم با لطف خود تمام مردم این کره زمین را آزاد کنید و به وایکونتها^۳ - دنیای روحانی - ببرید. اگر شما فکر می‌کنید که آنها آنقدر گناهکار هستند که نمی‌توانند رها بشوند، لطفاً تمام گناهان ایشان را به من منتقل کنید. من به خاطر آنها رنج خواهم کشید." این لطف یک وایشناوا است. اگر چه چنین نیست که حضرت عیسی یا واسودو داتا باید برای گناهان ما قراردادی ببندند تا ما بتوانیم به ارتکاب آنها ادامه دهیم، زیرا این شنیع‌ترین نوع اعتقاد است. وایشناوا و یا عابد ممکن است برای تمام انواع بشریت رنج ببرد، ولی جامعه‌ی بشری و یا شاگردان یک عابد پاک نباید از این موقعیت سوءاستفاده کنند و به انجام اعمال گناه‌آلود ادامه دهند. به جای آن شخص باید متوجه شود که چون حضرت عیسی یا واسودو داتا به خاطر او رنج می‌کشند، او باید اعمال گناه‌آلود خود را متوقف سازد.

در حقیقت همه در برابر اعمال گناه‌آلود خود مسئول هستند. بنابراین شوکادو گوسوامی توصیه می‌نماید، تاسمات پورایواشو ایها نیشکریتاو^۴: "برای اینکه بتوان خود را از بازتاب اعمال گناه‌آلود آزاد کرد، تا زمانی که شخص بدن می‌گیرد، باید کفاره بپردازد." یاتتا مریتور اویپادیاتاتمانا دوشاسیا دریشتاو گورو-لاگهاوام یاتا بهیشاک چیکیتستا روجام نیدانا-ویت^۴. با توجه به اعمال گناه‌آلود شخص، وی باید متحمل

¹ Vāsudeva Datta

² Vaikuṇṭha

³ tasmāt puraiśv iha pāpa-niṣkṛtau [SB 6.1.§

⁴ Yateta mṛtyor avipadyatātmanā doṣasya dṛṣṭvā guru-lāghavam yathā bhiṣak cikitseta rujām nidāna-vit

نوعی کفاره شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، کفاره‌های مختلفی برای گناهان مختلف وجود دارد. در هر مورد قبل از مرگ، شخص باید کفاره‌ای به جا آورد که دیگر اعمال گناه‌آلودش را با خود به زندگی بعدی منتقل نکند و مجبور به رنج از آنها نشود. اگر کفاره‌ای برای اعمال گناه‌آلودمان به جا نیاوریم، طبیعت ما را نخواهد بخشید. ما مجبور خواهیم شد که از اثرات گناهانمان در زندگی بعد رنج ببریم. چنین قید و بندی به اعمال مادی شخص، کارما-باندھانا نامیده می‌شود.

*yajñārthāt karmaṇo 'nyatra
loko 'yam karma-bandhanaḥ
tad-arthaṁ karma kaunteya
mukta-saṅgaḥ samācara*

"کار باید به منزله‌ی قربانی برای ویشنو انجام گردد، در غیر این صورت باعث اسارت شخص در دنیای مادی می‌شود. بنابراین، ای پسر کونتیی، وظایف تجویز شده‌ات را برای رضایت پروردگار انجام ده و بدین ترتیب همواره از اسارت رها خواهی ماند."
(ب.گ. ۹/۳)

فردی ممکن است یک حیوان را برای اینکه از خوردنش لذت می‌برد، بکشد. ولی او با چنین عملی در بند کشیده خواهد شد. بنابراین در زندگی بعدش او گاو یا بز خواهد شد و همان گاو یا بز انسان خواهد شد تا او را بخورد. این بیان ودهاست و مانند تمام آموزش‌های ودایی شخص ممکن است آن را باور کند یا نکند. متأسفانه در حال حاضر مردم با این روش آموزش می‌بینند که به زندگی بعدی اعتقادی نداشته باشند. در واقع این‌طور به نظر می‌رسد که هر چه بیشتر شخص تحصیل کرده باشد، کمتر به خداوند و قوانین او، به زندگی بعد و به اعمال گناه‌آلود و پرهیزکارانه اعتقاد پیدا می‌کند. بنابراین تحصیلات مدرن صرفاً شخص را برای حیوان شدن آماده می‌کند. پس اگر شخص نیز بدین سان فکر می‌کند، چه تفاوتی میان او و بقیه‌ی حیوانات است؟ شریما - بهاگواتام چنین می‌فرماید:

*yasyātma-buddhiḥ kuṇape tri-dhātuke
sva-dhīḥ kalatrādiṣu bhauma ijjadhīḥ*

yat tīrtha-buddhiḥ salile na karhicij
janeṣv abhijñeṣu sa eva gokharaḥ

"کسی که بدن حاوی سه عنصر را به عنوان خویشتن خویش بپذیرد، به رابطه‌ی نزدیک با همسر و فرزندانش وابستگی داشته باشد، سرزمینش را قابل پرستش و ستایش بداند، و حتی در آب‌های مکان‌های مقدس زیارتی غسل نماید، بدون آن که از وجود کسانی که در آن مکان‌ها دارای دانش حقیقی هستند بهره‌مند شود، باید او را در توهم در نظر گرفت و او چندان برتر از یک الاغ یا گاو نیست." (ش.ب. ۱۰/۸۴/۱۳)

با توجه به دانش آیور ودا^۱، بدن مادی از سه جزء تشکیل شده است: کافا، پیتا، و اتا^۲ - بلغم، صفرا و سودا. درون بدن دستگاه پیچیده‌ای وجود دارد که غذا را به مایع تبدیل می‌کند. مراحل بسیار پیچیده‌ی بدنی وجود دارد که همواره در جریان است. اما ما چه چیزی از آنها می‌دانیم؟ ما می‌گوییم "این بدن من است"، اما راجع به این بدن چه می‌دانیم؟ حتی بعضی از مردم ادعا می‌کنند من خدا هستم، اما آنها حتی نمی‌دانند در بدنشان چه خبر است.

بدن، یک کیسه‌ی حاوی مدفوع، ادرار، خون و استخوان است و اگر کسی فکر می‌کند که هوش از مدفوع، ادرار، خون و استخوان می‌آید، او یک احمق است. آیا ما می‌توانیم هوش را با ترکیب مدفوع، ادرار، استخوان و خون به دست آوریم؟ با این حال مردم هنوز فکر می‌کنند "من این بدن هستم." بنابراین متون مقدس می‌فرمایند کسی که این بدن را به عنوان خویشتن خویش و رابطه با همسر و فرزندان را به عنوان متعلقات خویش بپذیرد، در توهم است. لغت کالاترا^۳ به معنای همسر و آدی^۴ به معنای ابتدا یا شروع می‌باشد. چون مرد احساس تنهایی می‌کند، همسر اختیار می‌کند و فوراً صاحب فرزند و سپس نوه می‌شود. بدین طریق وی بسط می‌یابد. سیتیری^۵ به معنای

¹ Āyur Veda

² kapha-pitta-vātaiḥ

³ kalatra

⁴ ādi

⁵ Strī

”چیزی که بسط می‌یابد“ است، و بنابراین کالاترادیشو^۱ به معنای بسط دادن خود است که شروع آن با همسر می‌باشد. لغت بهائوما^۲ به سرزمین یا مکانی که شخص در آن تولد یافته است اشاره دارد که نادانان آن را قابل پرستش می‌دانند (ایجیا-دهی^۳). مردم، خواهان فدا کردن زندگی‌شان برای سرزمین محل تولدشان هستند، ولی نمی‌دانند که زمین، بدن، همسر، فرزند، کشور و جامعه واقعاً برای آنها کاری انجام نمی‌دهد. ما ارواح روحانی هستیم (آهام-برهماسمی^۴). این ادراک دانش است. وقتی ما به این نقطه دانش برسیم، شاد خواهیم شد.

*brahma-bhūtaḥ prasannātmā
na śocati na kāṅkṣati
samaḥ sarveṣu bhūteṣu
mad-bhaktiṁ labhate parām*

”کسی که بدین سان در موقعیت روحانی قرار گرفته است، بی‌درنگ برهنه متعال را درک می‌کند و کاملاً شادمان و مسرور می‌گردد. او افسوس چیز از دست‌رفته را نمی‌خورد و آرزوی کسب چیزی را در سر نمی‌پروراند. تمایل او نسبت به تمام موجودات زنده یکسان است. در این مرحله او به خدمت عابدانه پاک من می‌رسد.“ (ب.گ. ۵۴/۱۸)

هنگامی که انسان به این درک می‌رسد که من یک روح روحانی هستم، من برهنه هستم، من این ماده نیستم، مسرور (پراساناتما^۵) می‌گردد. علامت این سرور این است که شخص دیگر در خود اشتیاق و تأسف برای چیزی احساس نمی‌کند. در این جهان همه تحت تأثیر تأسف برای چیزی که از دست می‌دهند و اشتیاق برای چیزی که باید به دست آورند، هستند، ولی دست‌آورد حقیقی، شناخت خویشتن و درک هویت شخصی خود است.

¹ kalatrādiṣu

² bhauma

³ ijya-dhīḥ

⁴ ahaṁ brahmāsmi

⁵ prasannātmā

مادامی که ما در آگاهی بدنی قرار گرفته باشیم، باید مطیع قوانین طبیعت مادی باشیم، همان گونه که مطیع قوانین دولتی و یا قوانین دیگر هستیم. بنابراین این بدن، مقید خوانده می‌شود، زیرا تحت وضعیت‌های گوناگون قرار می‌گیرد. وضعیت‌های بسیار مختلفی وجود دارد، و صرف نظر از این وضعیت قرارگیری، ما مسئول هستیم. اگر ما برای اعمال گناه‌آلودی که در این بدن مرتکب شده‌ایم، کفاره ندهیم، مجبوریم در زندگی بعد رنج بکشیم. زیرا ما بدن بعدیمان را با توجه به قانون کارما، دریافت می‌کنیم.

yam yam vāpi smaran bhāvam tyajaty ante kalevaram

این قانون طبیعت است. بنابراین شوکادو گوسوامی توصیه می‌کند: که فرد با توجه به سنگینی بار فعالیت‌های گناه‌آلودش باید متحمل کفاره شود. وی باید از روش‌های کفاره‌ای که در شاستراها مطرح شده است پیروی نماید؛ در غیر این صورت هیچ راه فراری وجود ندارد!

ماهاراج پاریکشیت که شخص بسیار باهوشی بود، می‌فرماید: "با کفاره شخص می‌تواند از اعمال گناه‌آلود قبلی آزاد شود. اما اگر انسانی را در نظر بگیریم که به علت ارتکاب یک قتل، کشته می‌شود، درست است که بازتاب عمل گناهش خنثی می‌گردد، ولی هیچ تضمینی وجود ندارد که او در زندگی بعدی دوباره کسی را نکشد". بنابراین ماهاراج پاریکشیت متذکر می‌شود که مردم دوباره بعد از توبه، همان گناه را مرتکب می‌شوند. اگر یک شخص بیمار شود، پزشک ممکن است به او دارو بدهد و او را معالجه نماید، اما هیچ ضمانتی وجود ندارد که او دیگر به همان بیماری مبتلا نشود. بیماری‌های مقاربتی اغلب با وجود درمان‌ها، دوباره و دوباره بر می‌گردند. یک دزد ممکن است مجدداً و با اینکه بارها به زندان رفته است، دزدی کند. چرا چنین است؟ ماهاراج پاریکشیت متذکر می‌شود که اگر چه توبه ممکن است برای خنثی کردن اعمال گناه‌آلود قبلی مفید باشد، اما مانع گناهی که دوباره مرتکب خواهیم شد، نمی‌شود. همه می‌توانند ببینند که شخص قاتل مجازات می‌شود، اما صرفاً مشاهده این عمل برای اینکه شخص مرتکب عمل کشتن نگردد، کافی نیست. در تمام کتب مقدس و در تمام

کتاب قانون، انسان از کشتن منع شده است. اما هنوز کسی به این قوانین توجه نمی‌کند. چاره‌ی آن چیست؟ دریشتا-شروتا بهیام یات پایام^۱. با تمرین عملی و با شنیدن از مراجع، همه به این درک می‌رسند که گناه چیست و کسی نمی‌تواند بگوید "من نمی‌دانم که گناه چیست". بنابراین ارزش کفاره دادن چیست، در حالی که شخص پس از آن مکرراً همان اعمال گناه‌آلود را انجام می‌دهد؟ (ش.ب. ۹/۱/۶)

*Kvacin nivartate 'bhadrāt kvacic carati tat punaḥ
prāyaścittam ato 'pārtham manye kuñjara-śaucavat*

وقتی شخص تنبیه می‌شود با خود فکر می‌کند که "چه اشتباهی کردم! دیگر نباید مرتکب این گناه شوم." اما به محض اینکه از مهلکه خلاصی یافت، دوباره مرتکب همان گناه می‌شود.

عادت، طبیعت ثانویه است و شکستن آن بسیار مشکل.

Śvā yadi kriyate rājā / tat kim nāsnāty upānaḥam (Hitopadeśa)

ممکن است کسی یک سگ را بر تخت سلطنت بنشاند، اما به محض اینکه سگ یک جفت کفش را ببیند، فوراً به پایین می‌پرد و به دنبال آن می‌دود، زیرا او یک سگ است. خوی سگ صرفاً با نشاندنش بر تخت سلطنت تغییر نمی‌کند. به همین ترتیب ما در اثر تماس با سه گونه‌ی طبیعت مادی ساتوا، راجا و تاما، صفات مادی به دست می‌آوریم. و عادات ما در اثر معاشرت با این سه کیفیت که صفات و خواص نیکی، شهوت و جهل هستند، شکل گرفته است. اگر ما به هر ترتیبی تماس خود را با سه گونه‌ی طبیعت مادی قطع کنیم، سرشت روحانی ما دوباره احیا می‌گردد. این روش کریشناآگاهی است. اگر شخص کریشناآگاه باشد، احتمالی برای معاشرت او با سه گونه‌ی طبیعت مادی وجود ندارد. زیرا طبیعت روحانی شخص کریشناآگاه خود به خود بیدار گشته است. این یک راز است. کسانی که به طور جدی کریشناآگاهی را دنبال

¹ *Dr̥ṣṭa-śrutābhyām yat pāpam [SB 6.1.9]*

می‌کنند، گرچه قبلاً عادات ناخواسته بسیاری داشته‌اند، قادرند صرفاً با پاک‌ی حاصل از تمرین کریشناآگاهی، در سطحی که هیچ آلودگی مادی در آن نیست، قرار گیرند. بنابراین کریشناآگاهی دارویی بسیار عالی است. فقط در صورتی که شخص راه کریشناآگاهی را انتخاب نماید، عاداتی را که در معاشرت با سه‌گونه‌ی طبیعت مادی بدست آورده می‌تواند تغییر دهد. اگر شخصی واقعاً آزادی از چرخه تولد و مرگ را بخواهد، باید راه کریشناآگاهی را انتخاب نماید. در بهاگاواد-گیتا خداوند کریشنا می‌فرماید:

*mām ca yo 'vyabhicāreṇa
bhakti-yogena sevate
sa guṇān samatītyaitān
brahma bhūyāya kalpate*

"کسی که وجودش وقف خدمت عابدانه کامل می‌شود و در هیچ شرایطی فرو نمی‌افتد، بی‌درنگ به ورای گونه‌های طبیعت مادی عروج می‌کند و بدین سان به سطح برهمن می‌رسد." (ب.گ. ۲۶/۱۴)

کریشناآگاهی پرداخت این کفاره و آن کفاره را توصیه نمی‌کند. شخص می‌تواند به واسطه کفاره دادن به تجربه کردن ادامه دهد، اما بیماری‌های روح باقی خواهند ماند مگر آنکه شخص به سکوی انجام خدمت عابدانه در عشق به خداوند دست یابد و زندگی خود را تطهیر سازد.

فصل چهارم

فراگیری تاپاسیا، خویشن داری

اگر شخص به سوی کریشناآگاهی نیاید، ممکن است که موقتاً از بازتاب اعمال گناه‌آلودش رها شود، اما دوباره مرتکب گناه می‌گردد. به همین دلیل ماهاراج پاریکشیت می‌فرماید (ش.ب. ۱۰/۱/۶): "کواچین نیواریتاته بهادرات کواچیچ چاراتی تات پوناٹو پرایاشچیتام آتو پارتهام"^۱: "انجام مکرر گناه و کفاره دادن برای آن در نظر من چیزی جز اتلاف وقت نیست." او مثال فیلی را می‌زند که بدنش را کاملاً در یک دریاچه یا برکه آب تمیز می‌کند، ولی به محض اینکه به ساحل می‌رسد به همه جای بدنش خاک می‌پاشد و بلافاصله، مجدداً کثیف می‌شود. بنابراین ماهاراج پاریکشیت می‌فرماید اگرچه ممکن است کسی خود را با کفاره دادن پاک نماید، ولی اگر او دوباره مرتکب همان گناهان گردد، چه فایده‌ای دارد؟ بنابراین دومین سوآلی که ماهاراج پاریکشیت از شوکادو گوسوامی می‌نماید بسیار مهم است: نهایتاً چگونه می‌توان از تمام آلودگی‌های مادی که توسط سه گونه‌ی طبیعت مادی به وجود آمده است، رهایی یافت؟ اگر کسی نتواند به رهایی برسد، پس فایده‌ی کفاره دادن چیست؟

در جواب، شوکادو گوسوامی می‌فرماید که صرفاً با انجام اعمالی برای خنثی کردن کارما، و اعمال ثمرجویانه، نمی‌توان به بدبختی افراد پایان داد. برای مثال سازمان ملل سعی در برقراری صلح در جهان دارد، اما آنها قادر به متوقف کردن جنگ نیستند. جنگ بارها و بارها در می‌گیرد. بعد از جنگ جهانی اول، دولت‌مردان و سیاست‌مداران، اتحادیه‌ی ملل را تأسیس کردند. سپس جنگ جهانی دوم درگرفت و آنها سازمان ملل

¹ kvacin nivartate 'bhadrāt kvacic carati tat punaḥ prāyaścittam ato 'pārtham

متحد را ایجاد نمودند. اما جنگ هنوز ادامه دارد. هدف واقعی، پایان دادن به جنگ است، اما این امر امکان‌ناپذیر است. با یک حرکت جنگ آغاز می‌شود و با حرکتی دیگر برای مدت زمانی متوقف می‌گردد. اما در فرصت بعدی دوباره جنگ دیگری رخ می‌دهد. چرخه‌ی فعالیت‌های گناه‌آلود و کفاره دادن برای جبران آن، درست مانند این موضوع است. آن‌چه ما در حقیقت می‌خواهیم رهایی از جنگ و رنج است، اما این امر هرگز به وقوع نمی‌پیوندد.

شوکادو گوسوامی می‌فرماید جنگی موجب اختلال می‌گردد و جنگی دیگر آن را متوقف می‌کند، اما این راه حل نهایی مشکلات نیست. شوکادو گوسوامی بیان می‌کند که این مشکلات به علت جهل و نادانی رخ می‌دهند: آویدواد- آدهیکاریتوات^۱. آویدات^۲ یعنی "فقدان دانش". آویدات-آدهیکاریتوات پرایاشچیتام ویمارشانام^۳. "کفاره‌ی واقعی در دانش، انجام می‌شود." ما از خود می‌پرسیم چرا جنگ و بدبختی وجود دارد؟ تا هنگامی که این چراها که در وداها، کینا اوپانیشاد^۴ نامیده می‌شود، در ذهن انسان به وجود نیاید، شخص به کاربرد حقیقی زندگی انسانی دست نیافته است. در واقع این سؤالات باید مطرح شوند: چرا من رنج می‌برم؟ از کجا آمده‌ام؟ موقعیت اصلی من چیست؟ بعد از مرگ به کجا خواهیم رفت؟ چرا در چنین شکل پرنجی از حیات قرار گرفته‌ام؟ چرا تولد، مرگ، پیری و بیماری وجود دارد؟ چگونه می‌توان به این سؤالات پاسخ داد؟ شوکادو گوسوامی می‌فرماید:

*nāśnataḥ pathyam evānnaṁ vyādhayo 'bhibhavanti hi
evam niyamakṛd rājan śanaiḥ kṣemāya kalpate*

اگر شخص واقعاً بخواهد به این زندگی بیمارگونه خاتمه دهد، او باید از اصول تنظیم‌کننده پیروی نماید. اگر شخص از برنامه‌ی تجویز شده‌ی پزشک برای درمان بیماری خود پیروی نکند، نمی‌تواند درمان شود. مشابهاً اگر شخص، همان‌طور که در

¹ avidvad-adhikāritvāt

² Aividvat

³ Aividvat-adhikāritvāt prāyaścittam vimarśanam

⁴ Kena Upaniṣad

دانش ودایی بیان شده است، عاقلانه عمل یا فکر نکند، چطور می‌تواند به مشکلات زندگی خاتمه دهد؟ با کفاره دادن، مشکلات صرفاً به طور موقتی از بین می‌روند و بار دیگر باز خواهند گشت.

شوکادو گوسوامی می‌فرماید که در زندگی گناه‌آلود یا مادی، ما به نوعی عمل می‌کنیم که مجبور به ارتکاب گناه و رنج بردن در نتیجه‌ی آن هستیم. بنابراین اگر ما بخواهیم به این چرخه پایان دهیم باید دانش کسب کنیم. مردم عادی یا کارمی‌ها^۱، ثمرجویانی هستند که شب و روز مشغول کار برای به دست آوردن نتایج لذت‌بخش می‌باشند و سپس دوباره رنج می‌برند. بنابراین مشکلات کارمی‌ها هرگز حل نخواهد شد. بنابراین توصیه شده است که شخص برای ارتقای خود به سکوی دانش، همان گونه که در شریما^۲د - بهاگواتام اشاره شده است، عمل کند. اولین قدم "تاپاسیا"^۲ یا قبول ریاضت است. اگر پزشکی به بیمار دیابتی خود تجویز نماید که چیزی نخورد و گرسنگی بکشد، اگرچه هیچ‌کس گرسنگی کشیدن را دوست ندارد، اما بیمار برای اینکه درمان شود باید داوطلبانه آن را بپذیرد. این یعنی تاپاسیا؛ پذیرش داوطلبانه‌ی شرایط سخت و دشوار. توانایی انجام چنین کاری خوب است و زندگی انسانی بدین منظور می‌باشد. در واقع فرهنگ ودایی، تاپاسیا را توصیه می‌کند و در هند می‌توان تعداد زیادی از اشخاصی که مشغول تاپاسیا یا ریاضت هستند را دید. در زمستان آنها تا گردن در آب می‌ایستند و به مراقبه می‌پردازند. ایستادن در آب در فصل سرما کار ساده‌ای نیست، اما آنها داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند. در تابستان آنها آتشی بدور خود می‌افروزند و در میان شعله‌های آن به مراقبه می‌پردازند. اینها نمونه‌هایی از تاپاسیا یا ریاضت‌های سختی است که توسط زاهدان زیادی در هند انجام می‌شود.

به طور یقین مقداری تاپاسیا لازم است. بدون آن شخص در زندگی روحانی یا دانش پیشرفت نخواهد کرد. اگر ما صرفاً به تمایلات حیوانی مانند خوردن، خوابیدن، اعمال جنسی و دفاع بپردازیم و تاپاسیا را نپذیریم، زندگی انسانی ناموفق خواهد بود.

¹ karmis

² tapasya

داشت. اگر کسی بخواهد به عنوان یک عضو جدید جامعه کریشنا آگاهی ما پذیرفته شود، ما ابتدا از او می‌خواهیم که تاپاسیا انجام دهد. خصوصاً در جوامع غربی کنار گذاشتن رابطه‌ی جنسی نامشروع و استفاده از مسکرات، خوردن گوشت و قمار تاپاسیای بزرگی محسوب می‌شود. اگرچه ما فقط چنین ریاضت‌هایی را از آنان می‌خواهیم، ولی رعایت کردن آنها برایشان بسیار مشکل است. در انگلستان یک اشراف‌زاده ثروتمند از یک برادر روحانی وایشناوا پرسید: "سوامی‌جی، آیا از من می‌توانی یک برهمانا بسازی؟" سوامی‌جی پاسخ داد: "بله چرا که نه! تو فقط باید از این چهار اصول پیروی کنی: نداشتن رابطه‌ی جنسی نامشروع، عدم استفاده از مسکرات و اجتناب از قمار و خوردن گوشت." شخص انگلیسی پاسخ داد "غیرممکنه". بله این غیرممکن است. زیرا در اروپا و آمریکا آزاد گذاشتن خود راه و رسم زندگی از همان ابتدا به شمار می‌آید. اغلب مردان هندی به غرب می‌آیند تا این نوع آزادی را بیاموزند و فکر می‌کنند که بدین ترتیب در حال پیشرفت هستند. هندی‌ها خود به خود تاپاسیا را از طریق فرهنگ ودایی می‌آموزند ولی به آمریکا می‌آیند تا این فرهنگ را فراموش کنند و نوع دیگری از زندگی را انتخاب کنند. اما واقعیت آن است که اگر شخص تمایل به پیشرفت برای ادراک روحانی دارد و می‌خواهد مشکلات زندگی را حل کند، باید زندگی همراه با تاپاسیا، ریاضت و محدودیت را قبول بپذیرد.

محدودیت برای انسان‌هاست نه برای حیوانات. ما در اعمال جاری خود روزانه با این محدودیت‌ها مواجه هستیم. از جمله نمی‌توانیم بدون پذیرش خطر جریمه‌ی قانونی در سمت چپ رانندگی کنیم یا از چراغ قرمز عبور نماییم. اما اگر سگی از جهت مخالف در خیابان راه برود و یا از چراغ قرمز عبور کند مجازات نمی‌شود، چرا که او حیوان است. بنابراین قانون بین انسان‌ها و حیوانات تمایز قائل می‌شود، چراکه قاعدتاً انسان‌ها دارای آگاهی بالاتری هستند. اگر ما از قوانین و مقررات پیروی نکنیم، دوباره به زندگی حیوانی بازگردانده می‌شویم. امروزه تبلیغات تشویقی جهت آزادی، و بر خلاف زندگی منظم صورت می‌گیرد، اما آنهایی که می‌توانند واقعیت همه چیز را ببینند می‌دانند که آزادی از تمام محدودیت‌ها، همان زندگی حیوانی است. بنابراین شوکادو گوسوامی

تاپاسیا را توصیه می‌نماید. اگر ما رهایی حقیقی از مشکلات زندگی را می‌خواهیم، باید زندگی توأم با ریاضت پیشه کنیم. در غیر این صورت تنها جایگزین آن اسارت در دنیای مادی است.

تاپاسیا یا ریاضت چیست؟ اولین اصل ریاضت برهماچاریا یعنی محدود کردن رابطه‌ی جنسی در زندگی است. معنای واقعی برهماچاریا، در مجرد کامل بودن است و طبق فرهنگ ودایی در ابتدای زندگی شخص باید به طور دقیق از قوانین برهماچاریا تبعیت کند. پس از پشت سر گذاردن این مرحله، به عنوان یک برهماچاری می‌تواند ازدواج کند و گریه‌استا^۱ گردد. به عنوان یک گریه‌استا وی می‌تواند رابطه جنسی داشته باشد، اما در زندگی برهماچاری، مجرد کامل یک قانون است. در عصر حاضر، تمایل انسان‌ها تا حد بسیار زیادی برای پذیرش تاپاسیا کم شده است، زیرا به آنها زندگی توأم با تاپاسیا آموزش داده نشده است. صرفاً ایراد گرفتن و انتقاد کردن، چاره‌ی کار نیست. شخص باید در مورد زندگی توأم با تاپاسیا، به طور مؤثر آموزش ببیند. در وداها گفته شده است آن دسته از کسانی که روند منظمی از تاپاسیا را انجام می‌دهند، برهمانا^۲ هستند.

*Etad akṣaram gārgi viditvāsmāl lokāt praiti sa brāhmaṇaḥ
etad akṣaram gārgy aviditvāsmāl lokāt praiti sa kṛpaṇaḥ*

"همه می‌میرند؛ برای هیچ‌کس زندگی جاودان نیست. اما کسی که بعد از پیشه کردن یک زندگی همراه با تاپاسیا بمیرد، یک برهمانا است و کسی که مثل سگ یا گربه، بدون انجام تاپاسیا بمیرد، کریپانا^۳ نامیده می‌شود." این دو واژه اغلب در فرهنگ ودایی به کار گرفته می‌شوند. برهمانا و کریپانا. کریپانا به معنای شخص بدبخت و برهمانا به معنای شخص روشنفکر و آزاد است. برهما جاناتی برهمانا^۴: "کسی که متعال، حقیقت مطلق را می‌شناسد، برهمانا است." اما کسی که آنرا را نمی‌داند، یک

^۱ gr̥hastha

^۲ brāhmaṇa

^۳ kṛpaṇa

^۴ Brahma jānātīti brāhmaṇaḥ

حیوان است. این اختلاف بین حیوان و انسان است؛ انسان برای استحقاق داشتن این نام، باید جهت فهمیدن حقیقت مطلق، آموزش ببیند. از آنجایی که زندگی انسانی به منظور کسب دانش است، مدارس و دانشگاه‌ها، فیلسوفان و دانشمندان و ریاضی‌دانان به وجود آمده‌اند. روش‌های خوردن، خوابیدن، جفت‌گیری و دفاع کردن نیازی به آموزش ندارد، چرا که آنها به طور غریزی آموخته می‌شوند. به طور مشخص زندگی انسانی برای منظور والاتری است و آن تاپاسیا و کسب دانش است.

در وداها توصیفات زندگی در مرحله برهماچاریا یا تجرد، و چگونگی اختصاص یافتن زندگی شخص از ابتدا به ریاضت، بیان شده است.

*Smaranam kīrtanam kelih prekṣanam guhya-bhāṣanam
saṅkalpo 'dhyavasāyaś ca kriyā-nirvṛttir eva ca (Śrīdhara 6.1.12)*

برای انجام مناسبت تجرد، شخص نباید درباره‌ی زندگی جنسی فکر یا حتی صحبت نماید. خواندن ادبیات مدرن و روزنامه‌هایی که پر از موضوعات جنسی هستند، برخلاف اصول برهماچاری است. مشابهاً به هر طریقی درگیری در مسائل جنسی، نگاه کردن و پیچ کردن با دختران و تصمیم یا تلاش برای پرداختن به رابطه‌ی جنسی، همه بر خلاف اصول برهماچاری است. زمانی شخص به برهماچاری حقیقی دست می‌یابد که تمام این اعمال به پایان برسد.

با ریاضت، تجرد و کنترل ذهن و حواس، شخص می‌تواند به زندگی پاک ارتقا یابد. پیشرفت حتی می‌تواند به وسیله انجام امور خیریه‌ای که درست هدایت شده است، به دست آید. این تیاگا^۱ یا انقطاع خوانده می‌شود. اگر کسی یک میلیون دلار داشته باشد، او نباید آن را نگه دارد، بلکه تا مادامی که این پول در اختیار اوست، باید آن را برای کریشنا مصرف نماید. فقط زمانی می‌توان گفت که از پول یا انرژی به طور صحیح استفاده شده است که برای کریشنا مصرف شود.

به محض اینکه شخص بدنش را ترک می‌کند، همه‌ی ثروت و هر آنچه که او در زمان ارتباط با بدنش به دست آورده است تمام می‌شود، چرا که برای روحی که به بدن

¹ tyāga

دیگری انتقال می‌یابد، نامشخص است که پولی که او در بدن قبلی به دست آورده بود، کجا نگهداری می‌شود یا چگونه خرج می‌گردد. شخص ممکن است قبل از ترک جهان نظر خود را مبنی بر چگونگی استفاده از ثروت توسط پسران یا وراثت بیان کند، اما حتی اگر میلیون‌ها دلار باقی گذاشته باشد، در زندگی بعدی نمی‌تواند هیچ ادعایی نسبت به آن داشته باشد. بنابراین بهتر است تا زمانی که پول در اختیار اوست، آن را برای منظور بهتری صرف نماید. اگر شخصی آن را برای مقاصد نادرست صرف نماید، گرفتار می‌گردد. اما اگر آن را برای اهداف خوبی صرف نماید، در مقابل ثمره‌ی خوبی دریافت خواهد نمود. این موضوع به روشنی در بهاگاواد-گیتا بیان شده است.

بهاگاواد-گیتا توضیح می‌دهد که سه نوع صدقه یا بخشش وجود دارد. صدقه در گونه‌ی نیک، شهوت و جهل. شخص در گونه‌ی نیک، می‌داند که صدقه در کجا باید داده شود. در بهاگاواد-گیتا کریشنا می‌فرماید:

*samo 'ham sarva bhūteṣu
na me dveṣyo 'sti na priyaḥ
ye bhajanti tu mām bhaktiyā
mayi te teṣu cāpy aham*

"من به هیچ‌کس حسادت نمی‌ورزم و تمایل خاصی نیز به هیچ‌کس ندارم، بلکه نسبت به همه یکسان هستم. لیکن هر کس که با عشق و عبودیت به من خدمت کند، در من و دوست من است، و من نیز دوست او هستم." (ب.گ. ۲۹/۹)

کریشنا خواسته‌ای برای ثروت ندارد، چراکه او مالک حقیقی همه چیز است. (ایشواسیام ایدام ساروام^۱). اما او همچنان از ما درخواست صدقه و بخشش می‌نماید. برای مثال، کریشنا در شکل وامانا، یک برهمنای کوتوله، برای گدایی از بالی ماهاراج، نزد او رفت. اگرچه او، ساروا-لوکا-ماهشوارام^۲، مالک تمامی سیارات است، با این وجود گفت: "لطفاً به من صدقه بدهید." چرا او این عمل را انجام داد؟ فقط برای منفعت ما، چرا که اگر هرچه زودتر پول کریشنا را به او بازگردانیم، در موقعیت بهتری واقع خواهیم

¹ *Īśāvāsyam idaṁ sarvaṁ [Īśo mantra 1]*

² *sarva-loka-maheśvaram [Bg. 5.29]*

شد. البته شنیدن چنین چیزی ممکن است چندان دلپذیر نباشد، اما در واقع ما همه دزد هستیم، چون اموال خداوند را دزدیده‌ایم. اگر کسی که چیزی در اختیار دارد در آگاهی به خداوند نباشد، باید درک کنیم که او در حقیقت اموال خداوند را دزدیده است. این طبیعت زندگی مادی است. اگر کسی با منطق این موضوع را در نظر گیرد و اگر او به دانش حقیقی برسد، آنگاه متوجه خواهد شد که اگر ما خداوند را به عنوان مالک همه‌ی چیزهای مورد استفاده به رسمیت نشناسیم، تمام آن‌چه که داریم دزدی محسوب می‌شود. همچنین این موضوع در بهاگاواد-گیتا بیان شده است که اگر کسی ثروتش را برای یاگیا، قربانی استفاده ننماید، او به عنوان یک دزد شناخته می‌شود. (یو بهونکته استنا اوا ساها^۱). برای مثال اگر کسی مقدار زیادی پول به دست آورد اما برای اجتناب از پرداخت مالیات سعی در مخفی نمودن آن نماید، دولت او را به عنوان یک مجرم می‌شناسد. او نمی‌تواند بگوید: "من این پول را به دست آورده‌ام پس چرا باید به دولت مالیات بدهم؟" خیر، او باید مالیات بپردازد و یا خطر تنبیه شدن را متقبل گردد. به همین ترتیب در سطح بالاتر، همه‌ی چیزهایی که ما داریم از کریشنا یا خداست و باید در رابطه با خواست او مصرف گردد. امکان دارد که ما بخواهیم یک ساختمان بسازیم، اما از کجا سنگ، چوب و زمین مورد نیاز برای ساخت آن را است، به دست می‌آوریم؟ ما نمی‌توانیم به طور مصنوعی چوب تولید کنیم، چوب از آن خداست، ما نمی‌توانیم فلز بسازیم و باید آن را از معدن، که آن هم متعلق به خداست، استخراج کنیم. زمین و آجری که از خاک درست شده است نیز متعلق به خداست. ما صرفاً نیرویی صرف می‌کنیم و البته آن نیرو نیز از آن خداست. ما با دست‌هایمان کار می‌کنیم که آنها هم دستان ما نیستند و متعلق به خدا می‌باشند، زیرا وقتی توانایی استفاده از دست، توسط خداوند گرفته شود، دست بی‌مصرف خواهد شد.

ما باید این فرصتِ عظیمِ زندگی انسانی را به منظور درک این مسائل که در کتاب‌های معتبر دانش ودایی مانند شریما - بهاگاواتام و بهاگاواد - گیتا ذکر گردیده است، به کار ببریم. در بهاگاواتام شوکادو گوسوامی به صراحت بیان می‌دارد که کفاره‌ی

¹ yo bhunkte stena eva sah [Bg. 3.12]

واقعی نیازمند خردمندی، هوشیاری و مراقبه است. شخص باید درک کند که آیا او بدن است یا ماورای بدن؟ و باید سعی در شناخت خداوند نماید. این مفاهیمی است که باید در کریشنا آگاهی فرا گرفته شود. ما نباید نادان باشیم یا وقت را هدر بدهیم. اگر کسی مایل به کسب این دانش باشد، باید به تمرین ریاضت (تاپاسیا) پردازد و شروع تاپاسیا چنانکه قبلاً توضیح داده شد، برهماچاریا، تجرد یا محدودیت در زندگی جنسی است. محور تمام جذبه‌های مادی، نه تنها برای جامعه انسانی بلکه حتی برای جامعه حیوانی مسائل جنسی است. گنجشکان و کبوتران روزانه ۳۰۰ بار دست به اعمال جنسی می‌زنند، اگرچه آنها کاملاً گیاه‌خوارند، و شیر که گیاه‌خوار نیست فقط سالی یک‌بار دست به عمل جنسی می‌زند. زندگی روحانی فقط به منظور گیاه‌خوار شدن نیست، بلکه به منظور فهم دانش بالاتری است. وقتی کسی به سطح بالاتری از دانش می‌رسد، او به طور طبیعی گیاه‌خوار می‌شود. پانڈیتا ساما دارشینا^۱: "کسی که در سطح بالایی از معرفت واقع شده است، بین یک عالم دانش‌آموخته، یک برهمانا، یک فیل، یک سگ و یک گاو تمایزی قائل نمی‌شود." او ساما-دارشی^۲ است؛ نگرش او، وی را قادر می‌سازد که تمام آنها را برابر ببیند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ او بدن را نمی‌بیند بلکه روح، اخگر روحانی (برهمن) را می‌بیند. او فکر می‌کند: این یک سگ است، اما در عین حال او یک موجود زنده است، اگرچه که به دلیل کارمای قبلی‌اش سگ شده است. و این عالم دانش‌آموخته نیز یک اخگر زنده است، ولی به دلیل کارمای قبلی‌اش تولد نیکی یافته است. وقتی کسی به این موقعیت برسد این بدن را نمی‌بیند، بلکه آن اخگر روحانی را می‌بیند و بین یک موجود زنده و موجود زنده‌ی دیگر، تفاوتی قائل نمی‌شود.

در واقع ما بین گوشت‌خواران و گیاه‌خواران تفاوتی قائل نیستیم، چون علف هم درست مثل گاو یا بره، موجود زنده است. اما راهنمای زندگی شخص باید دستورات ودایی ارائه‌شده در شری ایشوپانی‌شاد باشد.

¹ Paṇḍitāḥ sama-darśināḥ [Bg. 5.18]

² sama-darśī

*īśāvāsyam idaṁ sarvaṁ
yat kiñca jagatyāṁ jagat
tena tyaktena bhūñjīthā
mā gṛdhaḥ kasya svid dhanam*

"خداوند است اختیاردار و مالک هر جاندار و بی‌جانی که در این عالم یافت می‌شود. از این رو شخص باید تنها چیزهایی را پذیرا گردد که برایش ضروری است و همچون سهم وی کنار نهاده شده است. بر اوست که بر چیزهای دیگر دست نیازد، چه به خوبی می‌داند که آنان در تملک کیست." (شری ایشوپانیشاد، مانترای اول).

چون خداوند مالک هر چیزی است که در این جهان وجود دارد، بنابراین شخص فقط می‌تواند از آن مقدار که از طرف خداوند به او اختصاص داده شده است، لذت ببرد و نمی‌تواند به مال دیگری نزدیک شود. طبق زندگی ودایی و تمام کتب مقدس یک شخص باید از میوه‌جات و سبزیجات تناول کند، زیرا که دندان‌های او به نوعی ساخته شده که چنین مواد غذایی به راحتی برای او قابل خوردن و هضم هستند. هرچند که طبق قانون طبیعت هرکس برای بقای زندگی باید از موجودات زنده دیگر تغذیه کند (جیو جیواسیا جیوانام^۱)، ولی در عین حال فرد باید قدرت تشخیص و تمایز داشته باشد. میوه‌جات، گل‌ها، سبزیجات، برنج، غلات و شیر برای بشر ساخته شده است. برای مثال شیر، یک محصول حیوانی است. در واقع خون حیوان است که تغییر شکل یافته است، اما گاو ماده، بیش از نیاز گوساله‌اش شیر می‌دهد چرا که شیر برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است. انسان باید صرفاً از شیر استفاده کند و اجازه بدهد که گاوها به زندگی خود ادامه دهند و بدین ترتیب با پیروی از قانون طبیعت خوشحال و شادمان گردد. تنها تیاکتنا بهونجیتا^۲: "شخص باید از آن چه خداوند به عنوان سهم او قرار داده، استفاده کرده و بنابراین به راحتی زندگی کند."

ما باید به وسیله علم کریشنا آگاهی خود را ارتقا دهیم. صدقه در قلب همه وجود دارد، اما ما نمی‌دانیم که چطور به بهترین نحو از آن استفاده کنیم. هر آنچه در قالب انرژی مصرف

¹ jīvo jīvasya jīvanam

² Tena tyaktena bhūñjīthā: [Īśo mantra 1]

می‌نماییم باید برای کریشنا باشد، زیرا تمام آن انرژی متعلق به اوست. شخص با به کار گرفتن انرژی خود برای کریشنا، متضرر نخواهد شد. کریشنا آن قدر پرلطف است که وقتی ما به او غذا تقدیم می‌کنیم می‌پذیرد. با این حال همه چیز را برای خوردن به ما باقی می‌گذارد. صرفاً با تقدیم غذا به کریشنا، ما می‌توانیم یک عابد شویم. نیازی نیست که ما کار بیشتری انجام دهیم. چرا که در ادراک بالا همه چیز از آن اوست. اگر ما همه چیز را به او تقدیم کنیم، ارتقا خواهیم یافت. این والاترین و مطمئن‌ترین طریقه ممکن جهت پیشرفت در زندگی پاک و خالص است.

فصل پنجم

فراگیری ثبات قدم در کریشنا آگاهی

وقتی شخص به بالاترین حدّ توانایی مادی دست می‌یابد، به طور طبیعی در او میل به انقطاع به وجود می‌آید. دو نوع تمایل در دنیای مادی وجود دارد: ۱- بهوگا^۱ (لذت بردن از حواس) و ۲- تیاگا^۲ (انقطاع از دنیای مادی). البته باید دانست که بدون هدایت، شخص نمی‌داند چگونه باید به انقطاع دست یابد. ابتدا، شخص خواهان لذت بردن است ولی وقتی در لذت بردن سرخورده می‌شود، به سمت انقطاع می‌رود، و هنگامی که دوباره از انقطاع خسته شد، به سمت لذت می‌رود. درست مانند پاندول ساعت که از یک سو به سوی دیگر می‌رود. بنابراین همه‌ی ما بین رفتن از سطح لذت بردن به سطح انقطاع و بازگشت دوباره از آن دچار تردید هستیم.

کارمی‌ها یا کسانی که برای نتیجه‌ی عمل کار می‌کنند سعی‌شان بر این است که از این جهان لذت ببرند و ثمرات آن را درو کنند. در نتیجه آنها دائماً روز و شب در حال سفر در بزرگراه‌ها برای دستیابی به لذات مادی هستند. عده‌ی دیگری نیز وجود دارند که بخش عمده‌ای از آنها را جوانان ناراضی تشکیل می‌دهند که هیچ بخش از این ماجرا را نمی‌خواهند. بنابراین جهان از افرادی تشکیل شده است که یا به بوگا مشغولند و یا به تیاگا. البته پیروی از هیچ‌کدام از این راه‌ها ما را راضی نخواهد کرد، زیرا موقعیت حقیقی ما نه انقطاع است و نه لذت مادی بردن. از آن جایی که همه چیز به کریشنا تعلق دارد و هیچ چیز متعلق به شخص دیگری نیست، هرچه که ما تصرف می‌کنیم، در

¹ bhoga

² tyāga

واقع متعلق به کریشناست (ایشاواسیام ایدام ساروام^۱). از آن جایی که ما درختان، گیاهان، آب و زمین را به وجود نیاورده‌ایم، نمی‌توانیم هیچ گونه ادعایی برای مالکیت آنها داشته باشیم. از آنجایی که در حقیقت صاحب هیچ چیز نیستیم، از چیزی هم نمی‌توانیم انقطاع حاصل کنیم. همان‌طور که گفته شده، ما برهنه به این دنیا وارد می‌شویم و به همان صورت نیز این دنیا را ترک می‌کنیم. در این میان ما به غلط ادعا می‌کنیم "این کشور من است، این خانه من است، این همسر من است، اینها بچه‌های من هستند، اینها اموال من هستند، این حساب بانکی من است و غیره." چنین ادعاهایی اشتباه است زیرا ما با دستان خالی به این جهان می‌آییم و هنگام ترک آن نیز با دستان خالی از آن خارج می‌شویم. پس در این صورت معنی بوگا و تیاگا چیست؟ با قرار گرفتن در روشنایی حقیقت، می‌بینیم که این دو واژه هیچ معنایی ندارند. بوگا یعنی دزدی و تیاگا یعنی انقطاع از چیزی که هرگز متعلق به ما نبوده است، یعنی نوعی حماقت!

در این رابطه، کریشنا این راه را به ما معرفی می‌کند: ساروا-دهارمان پاریتیاجیا مام اکام شارانام وراجا^۲: "تمام مذاهب گوناگون را رها کن و فقط به من تسلیم شو. من تو را از کلیه واکنش‌های گناه‌آلود نجات خواهم داد. نترس."

اگرچه ما انواع مختلف مذهب را بر اساس بهوگا و تیاگا بوجود آورده‌ایم، اما به ما توصیه شده است که تمامی آنها را رها کرده و به کریشنا تسلیم شویم. در توان ما نیست که لذت ببریم یا انقطاع حاصل کنیم. انقطاعی که در بهاگاواد-گیتا توصیه شده است چیزهایی است که ما به غلط ادعای مالکیت بر آنها را داریم. یک بچه ممکن است یک چک ۱۰۰ دلاری از پدر بگیرد و سعی کند آن را پیش خود نگهدارد. هرچند که او نمی‌داند چگونه باید از آن استفاده کند. پدر ممکن است از فرزندش خواهش کند: "پسر عزیزم، لطفاً آن را به من بده." فرزند نمی‌داند که پول در واقع متعلق به پدر است، بلکه حتی نمی‌داند که آن را از پدر گرو گرفته است، چرا که او صرفاً

¹ *īśāvāsyaṃ idaṃ sarvaṃ [Īśopaniṣad, mantra 1]*

² *sarva-dharmān parityajya mām ekaṃ śaraṇam vraja [Bg. 18.66]*

نمی‌داند چطور باید از آن استفاده کند. مشابهاً کریشنا می‌فرماید: "از اعمالت به خاطر من منقطع شو". ثروت و داراییت را به من تسلیم کن. کریشنا گدا نیست، زیرا همه چیز به او تعلق دارد. او با ما مانند همان بچه‌ی کوچک رفتار می‌کند. اجابتِ درخواست او برای تقدیم همه چیز به او تیاگا، انقطاع خوانده می‌شود که یکی از ابزارهایی است که شخص می‌تواند با آن به سطح کریشنا آگاهی ارتقا یابد. ریاضت، تجرد، تعادل ذهن و نیکوکاری و صدقه دادن، همگی لازمی شناخت نهایت یا حقیقت مطلق است. کریشنا آگاهی نه متوجه‌ی حقیقت نسبی بلکه متوجه‌ی حقیقت مطلق است. در شریما - بهاگاواتام ویاسادو سجده‌های محترمانه خود را به حقیقت مطلق تقدیم می‌نماید (ساتیام پارام دهیماهی^۱). او احترامات خود را نه به حقایق درجه‌بندی‌شده‌ی نسبی بلکه به خیر مطلق، حقیقت مطلق، تقدیم می‌کند. این وظیفه‌ی برهماناهاست که در خود به تمرین صفاتی بپردازند که حقیقت مطلق برای آنها قابل درک شود.

برهماناها باید از طریق تمرین پاک، راستی، کنترل حواس و ذهن، سادگی و پرورش ایمان به وداها و به ویژه به بهاگاواد-گیتا، صاحب صلاحیت گردند. وقتی کریشنا می‌فرماید "من خداوند متعال هستم"، ما باید او را با ایمان کامل، و نه از روی حماقت، بپذیریم و این دانش کامل را به طور عملی در زندگی روزمره‌مان به کار ببریم. برهمانا به واسطه‌ی تولد بوجود نمی‌آید. فرد در بدو تولد برهمانا زاده نمی‌شود، بلکه با آموزش و تمرین و دانش است که خصوصیات یک برهمانا در او به وجود می‌آید. این مسئله که چه کسی برهمانا است به تولد او ارتباطی ندارد، بلکه صفات و حالات شخص، تعیین‌کننده‌ی این مطلب است. همان طور که کریشنا در بهاگاواد-گیتا متذکر شده است:

*cātur-varṇyām mayā sṛṣṭām
guṇa-karma-vibhāgaśah
tasya kartāram api mām
viddhy akartāram avyayam*

¹ *satyam param dhimahi [SB 1.1.]*

"من طبقه‌بندی چهارگانه‌ی جامعه‌ی انسانی را بر اساس سه گونه‌ی طبیعت مادی و عملکرد ناشی از آنها خلق کردم. ولی باید بدانی هر چند آفریننده‌ی این نظام هستم خود فاعل نمی‌باشم، چون تغییرناپذیرم." (ب.گ. ۱۳/۴)

شخص نه تنها باید صفات یک برهمانا را داشته باشد، بلکه باید مانند یک برهمانا عمل نماید. چرا که صفات و قابلیت‌های شخص با اعمالش سنجیده می‌شود. اگر فرد مهندس ماهر باشد ولی صرفاً در منزل بنشیند و دست به کاری نزند، ارزش او در چیست؟ به همین صورت تا وقتی که شخص مانند یک برهمانا عمل ننماید، این که صرفاً بگوید من برهمانا هستم، ارزشی ندارد. بنابراین فرد باید به عنوان یک برهمانا با وقف کامل خود در خدمت پارام برهمن^۱، برهمن متعال، کریشنا، عمل نماید.

چگونه می‌توان در خدمت حقیقت مطلق قرار گرفت؟ یامنا نیامنا چا^۲: تمرین یوگا یا اتصال به خداوند، بر پایه‌ی اعتقاد به قوانین و محدودیت‌ها بنا نهاده شده است. بدون کنترل، نظم برقرار نخواهد شد. بنابراین شخص باید خردمند باشد و خود را تهذیب نماید. اگر کسی بخواهد در امتحانی قبول شود، باید به مدرسه برود و از مقررات مدرسه پیروی نماید، برای مطالعه و درس خواندن متحمل سختی گردد، تا آنگاه به تدریج، به موفقیت دست یابد. اگر او تمام روز در خیابان بازی کند، چگونه می‌تواند انتظار موفقیت داشته باشد؟ بنابراین در روشی که توسط شوکادو گوسوامی توصیف شده است شرط اول تاپاسیا یا ریاضت می‌باشد. حتی اگر به علت عدم تمایل به پذیرش محدودیت، تحمل ریاضت و برهماچاری بودن دردناک باشد، به محض اینکه ما به اعمال مان نظم ببخشیم چیزهایی که به نظر دردناک می‌آمدند، دیگر در عمل دردناک نیستند.

مردم دو نوعند: اشخاص خردمند (دهیرا^۳) و اشخاص بی‌خرد یا (آدهیرا^۴). زمانی که شخص با وجود تحریکات یا دلایلی برای آشفته‌گی‌های ذهنی می‌تواند در موقعیت خود ثابت و استوار بماند، دهیرا خوانده می‌شود. مثال یک شخص دهیرا در کتاب شاعر

¹ Param Brahman

² Yamena niyamena ca

³ dhira

⁴ adhira

بزرگ سانسکریت، کالی داسا پاندیت، به نام کومارا سامبهوا^۱ آمده است. در این کتاب او در مورد لرد شیوا می‌فرماید: "هنگامی که فرشتگان با دیوان می‌جنگیدند و در حال مغلوب شدن بودند، به این نتیجه رسیدند که فقط جنگجویی از نسل لرد شیوا می‌تواند آنها را نجات دهد. اگرچه لرد شیوا در حال مراقبه بود و چنین درخواستی مبنی بر بدست آوردن نطفه‌ی وی بسیار سخت می‌نمود، ولی آنها از پاراواتی که دختری جوان بود، درخواست کمک کردند. وی جلوی لرد شیوا ظاهر گشت و آلت تناسلی وی را مورد پرستش قرار داد. گرچه این دختر جوان مقابل لرد شیوا نشست و آلت تناسلی وی را لمس کرده بود، لرد شیوا در مراقبه‌ی خود استوار باقی ماند." کالی داسا^۲ می‌گوید: "این مثالی از یک شخص دِهیرا است، چرا که علی‌رغم تماس آلت تناسلی وی توسط یک دختر جوان، وی همچنان استوار در مراقبه خود باقی ماند."

مشابهاً شخصی، یک فاحشه‌ی جوان را برای آزار هاری داسا تهاکورا^۳ فرستاد ولی با وجود درخواست آن فاحشه برای رابطه جنسی، هاری داسا تهاکورا به او پاسخ داد: "بله پیشنهاد تو بسیار جالب است. لطفاً بنشین و اجازه بده من ذکر را تمام کنم، سپس درخواست تو را اجابت خواهم کرد." صبح از راه رسید و فاحشه بی‌حوصله شد، اما هاری داسا تهاکورا پاسخ داد: "متأسفم، من نتوانستم ذکر را تمام کنم. امشب دوباره بیا." فاحشه به همین منوال سه شب آمد و شب سوم او به پای هاری داسا تهاکورا افتاد و از رفتار خود اظهار ندامت نمود و از وی تقاضای شفاعت نمود و مجذوب رفتار وی شد و گفت: "من دست‌نشانده‌ی مردی هستم که دشمن توست، لطفاً مرا ببخش." سپس هاری داسا تهاکورا پاسخ داد: "من همه چیز را در این مورد می‌دانم، اما من به تو اجازه دادم تا سه روز به اینجا بیایی و فرصت تغییر پیدا کنی و عابد خداوند شوی. حالا این کیسه‌ی ذکر را بگیر و به ذکر ادامه بده، من این مکان را ترک می‌کنم." در اینجا مثال دیگری از یک شخص دِهیرا زده شده است که بر بدن (دها^۴)، کلمات (واچ^۱) و

¹ Kumāra-sambhava

² Kālidāsa

³ Haridāsa Thākura

⁴ deha

شعور (بودهی^۱) خود مسلط است. بدن، کلمات و شعور باید توسط کسی که دهبیرا است، و کسی که واقعاً قوانین و مقررات دین را می‌داند، کنترل شود.

ما از گذشته‌های دور به انجام گناهان مشغول بوده‌ایم و نمی‌دانیم که از چه زمانی گناه کردن را شروع کرده‌ایم. اما این زندگی در حقیقت برای اصلاح تمام اشتباهاتی است که تا به حال مرتکب شده‌ایم. اگر کسی در زمینی که علف‌های هرز در آن روییده است، آتش برپا کند، تمامی آنها خواهند سوخت. به همین شکل با روش ریاضت و توبه، شخص می‌تواند تمام اعمال گناه‌آلودش را از بین ببرد و پاک نماید. اما شوکادو گوسوامی در این مورد یک روش جایگزین را مطرح می‌نماید:

*keci kevalayā bhaktyā vāsudeva-parāyaṇāḥ
aghaṁ dhunvanti kārtsnyena nīhāram iva bhāskarāḥ [SB 6.1.15]*

عموماً اگر شخص در زندگی ریاضت، اعمال پرهیزگارانه، تعادل فکر، صدقه و اعمالی از این قبیل را در پیش گیرد، مردم خواهند گفت که او شخص بسیار پرهیزگاری است، در حالی که به سادگی با کریشناآگاه شدن شخص می‌تواند تمام نتایج اعمال گناه‌آلود زندگی قبل خود را از بین ببرد. مه به محض طلوع خورشید ناپدید می‌شود و کریشنا با روشنایی هزاران خورشید طلوع می‌کند.

این روش فقط به وسیله‌ی شخصی پذیرفته می‌شود که بسیار خوشبخت است. بنابراین چیتانیا ماهاپرابهو می‌فرماید:

*brahmāṇḍa bhramite kona bhāgyavān jīva
guru-kṛṣṇa-prasāde pāya bhakti-latā-bīja [Cc. Madhya 19.151]*

"با لطف کریشنا و پیر روحانی، یک شخص خوش‌اقبال پس از سرگردانی در جهان به صورت انواع مختلف گونه‌های حیات، بذر خدمت عابدانه را دریافت می‌کند." کریشناآگاهی فقط برای اشخاص بسیار خوشبخت معنی دارد، چرا که به سادگی با پذیرش این روش، شخص کلیه وظایف ریاضت، انقطاع، تجرد و غیره را پشت سر

¹ vāc

² buddhi

می‌گذارد. شوکادو گوسوامی بیان می‌دارد: کِچیت کوالا یا بهاکتیا^۱: "فقط کسی که بسیار خوش اقبال است به روند خدمت عابدانه دست می‌یابد." کوالا بهاکتی به خدمت پاک و خالصانه‌ای اشاره می‌کند که در آن هیچ خواسته‌ای جز راضی کردن کریشنا وجود ندارد. شخص نباید برای افزایش درآمد به خدمت عابدانه بپردازد. ما رفاه مادی می‌خواهیم که احساس رضایت کنیم. اما اگر راه کریشنا آگاهی را انتخاب کنیم، خود به خود راضی خواهیم شد به گونه‌ای که از پول صرف‌نظر خواهیم کرد. پول و شادمانی به طور خود به خودی خواهد نمود و هیچ احتیاجی به تلاش اضافی و جداگانه برای این چیزها نیست.

به همین سبب بود که دورواما هاراج با تأسف گفت: "چقدر احمق بودم که خدمت عابدانه را برای منفعت مادی برگزیدم". به طور معمول شخص برای منفعت مادی پیش رئیس خود و یا یک شخص ثروتمند و یا نزد فرشتگان می‌رود، اما یک عابد حتی اگر خواسته مادی داشته باشد، جایی جز نزد کریشنا نمی‌رود. اگر شخص حتی برای سود مادی به سمت کریشنا برود، روزی خواهد رسید که او آرزوی مادی خود را مانند دورواما هاراج فراموش می‌کند. او از کار خود پشیمان شد و توبه‌کارانه گفت: "من نزد کریشنا آمدم و درخواست مادی از او داشتم. درست مانند کسی که شخص بسیار ثروتمندی را راضی نموده است و سپس از او کمی دانه برنج درخواست می‌کند." اگر شخص ثروتمند حاضر باشد هرچه که ما بخواهیم به ما بدهد ولی ما فقط از او کمی دانه برنج تقاضا کنیم، آیا این عاقلانه است؟ درخواست منفعت مادی از کریشنا درست مانند این مثال است. اصلاً نیازی نیست که شخص به صورت احمقانه‌ای از او چیزی برای رفاه مادی درخواست کند، چرا که رضایت و رفاه مادی، زمانی که شخص از کریشنا تقاضا می‌کند: "لطفاً مرا ببر، لطفاً مرا ببر"، برای او ایجاد خواهد شد.

کسانی که کریشنا آگاهی را تمرین می‌کنند به دارایی‌های مادی - زن، فرزندان، شادی و خانه - احتیاجی ندارند، زیرا همه اینها خود به خود با لطف کریشنا تأمین خواهد شد. هیچ احتیاجی نیست که از کریشنا برای چیزهای مادی درخواست کنیم، بلکه شخص باید از او درخواست کند که: "لطفاً مرا در خدمت خود مشغول بدار." همچنین در بهاگاواد - گیتا کریشنا قول می‌دهد که اگر کسی مشغول خدمت عابدانه به او شود، هرچه که برایش ضروری باشد

¹ kecit kevalayā bhaktyā [SB 6.1.15]

تأمین خواهد کرد و هرچه را که او تا به حال به دست آورده باشد حفاظت خواهد نمود. یکی از آخرین آموزش‌های کریشنا به آرجونا، وابستگی کامل به وی را چنین بیان می‌کند:

*cetasā sarva-karmāṇi
mayi sannyasya mat-paraḥ
buddhi-yogam upāśritya
mac-cittaḥ satataṁ bhava*

"در تمام اعمال فقط به من توکل کن و همواره تحت حفاظت من کار کن. خدمت عابدانه را در آگاهی کامل به شخص من انجام ده." (ب.گ. ۱۸/۵۷)

فصل ششم

عروج از منسوبات و مشکلات

به لطف و رحمت لرد چیتانیا، کریشنا آگاهی به راحتی در دسترس همگان است. اما فقط بعضی از مردم این اقبال را دارند که از لطف لرد چیتانیا و سلسله‌ی پیران بعد از او بهره‌مند گردند. همان طور که در آیه‌ای از بهاگواد-گیتا آمده است:

*manuṣyāṇām sahasreṣu
kaścīd yatati siddhaye
yatatām api siddhānām
kaścīn mām vetti tattvataḥ*

"از میان هزاران انسان، ممکن است یکی برای کمال بکوشد، و در بین کسانی که به کمال نائل شده‌اند، به ندرت می‌توان کسی را یافت که مرا به حقیقت بشناسد."
(ب.گ. ۳/۷)

خداشناسی برای حیوانات، افراد حیوان صفت و حیواناتی که ظاهراً قالب انسانی دارند میسر نیست. همانگونه که قبلاً اشاره شد، تمدن امروزی، از تجمع گروه حیوانات ایجاد شده است و این تمدن بر اساس تمایلات حیوانی توسط گروه بزرگی از حیوانات استوار گردیده است. هر صبح پرندگان و جانوران برای به دست آوردن غذا، ارضای تمایلات جنسی و دفاع از خود، برمی‌خیزند؛ در شب به جستجوی سر پناه می‌پردازند و روز هنگام برای یافتن میوه و دانه از درختی به درخت دیگر پرواز می‌کنند. به همین ترتیب در شهر نیویورک گروه کثیری از مردم برای رفتن به محل کار، از جزیره‌ای به جزیره‌ای دیگر توسط قایق‌های کوچک مسافری یا قطارهای زیرزمینی سفر می‌کنند تا

غذا داشته باشند. حال چگونه چنین جریانی از زندگی نسبت به زندگی حیوانی برتر محسوب می‌گردد؟ در حالی که این قایق‌های کوچک مسافری و قطارهای زیرزمینی همواره مملو از جمعیت هستند، و حتی تعداد زیادی از مردم برای کسب روزی مجبورند چهل تا پنجاه مایل سفر کنند، پرندگان برای امرار معاش آزادانه از درختی به درخت دیگر پرواز می‌کنند.

تمدن حقیقی نه تنها با نیازهای حیوانی انسان کاری ندارد، بلکه انسان را به درک رابطه‌اش با خداوند یا پدر متعال، رهنمون می‌سازد. شخص ممکن است از طرق مختلف مانند مسیحیت، ادبیات ودایی یا قرآن در مورد رابطه‌اش با خداوند آموزش ببیند. مهم این است که در هر صورت وی باید به این رابطه آگاه گردد. منظور از این روند کریشناآگاهی این نیست که مسیحیان را به هندو و یا هندوها را به مسیحی تبدیل نماید، بلکه مقصود اصلی آن آگاه ساختن شخص از وظیفه‌ی انسانی‌اش، درک رابطه‌ی او با خداوند است. فرد باید این رابطه را بیاموزد و گرنه او صرفاً وقت خود را با پرداختن به تمایلات حیوانی تلف خواهد نمود. ما همگی باید برای عشق ورزیدن به خداوند یا کریشنا تلاش نماییم. اگر شخص برای این منظور روشی دارد، بهتر است به تمرین آن بپردازد، در غیر این صورت او می‌تواند این روش را فرا گیرد. انسان نباید با غرض‌ورزی روشی را از روش دیگر متمایز نماید.

*Viṣād apy amṛtaṁ grāhyam amedhyād api kāñcanam
nīcād apy uttamām vidyām strī-ratnam duṣkulād api
(Nītidarṣaṇa 1.16)*

چنان‌که پاندیت می‌فرماید انسان باید آنچه که حقیقت است را از هر منبعی دریافت نماید. او می‌فرماید اگر در لیوان پر از زهری مقداری شهد وجود داشته باشد، شخص باید شهد را برگیرد و زهر را رها سازد. به همین ترتیب، اگر کسی در جای کثیفی طلا بیابد، باید آن را بردارد. مشابهاً، گرچه طبق تعالیم ودایی انسان باید توسط افراد خردمندی مانند برهماناها آموزش داده شود، اما اگر کسی از طبقات پایین‌تر اجتماع به معرفت دست یافته باشد، فرد باید او را به عنوان یک معلم بپذیرد و از او آموزش ببیند.

فرد نباید فکر کند که به خاطر تولد در طبقات پایین‌تر اجتماع وی را نباید به عنوان معلم پذیرفت.

به همین ترتیب، اگر کسی برای درک خداوند جدی باشد، او نباید فکر کند که "من مسیحی هستم"، "من هندو هستم"، "من مسلمان هستم"، و اگر او برای درک عشق به خداوند راسخ است، برای رسیدن به آن باید یک روشی عملی در پیش گیرد. شخص نباید فکر کند "چرا من باید از کتب مقدس هندو یا متون ودایی پیروی کنم؟" هدف پیروی از کتب مقدس ودایی پرورش عشق به خداوند است. وقتی دانشجویان برای کسب تحصیلات دانشگاهی به آمریکا می‌آیند، فرقی ندارد که اساتیدشان آمریکایی، آلمانی یا از ملل دیگر باشند. اگر کسی در پی کسب آموزش عالی باشد، او صرفاً می‌آید که آن را به دست آورد. مشابهاً اگر روش مؤثری مانند جریان کریشنا آگاهی جهت درک و نزدیکی به خداوند وجود داشته باشد، شخص باید آن را انتخاب نماید.

آن کسانی که واقعاً هوشمند و خوش‌اقبال هستند، و نه همه‌ی افراد، به جریان خدمت‌عبدانه دست می‌یابند (کوالایا بهاکتیا) و تنها نیت آنها خدمت به کریشناست. از صبح زود تا اواخر شب عابدین در حال خدمت به کریشنا هستند. این عمل، کوالایا یا خالصانه نامیده می‌شود؛ برای آنها کار دیگری وجود ندارد. این روش به همه توصیه می‌شود و این کمال تمام روش‌های مذهبی است (سا وی پومسام پارو دهارمو یاتو بهاکتیر آدهوکشاجه^۱). در زبان سانسکریت دو واژه پارا و آپارا^۲ وجود دارد که دو نگرش برتر (روحانی) و پست‌تر (مادی) را نسبت به مذهب توصیف می‌نماید. در سکوی دارمای مادی، یا اعمال مذهبی که برای خواسته‌های مادی انجام می‌شوند، مردم اغلب به کلیسا یا معبد می‌روند و دعا می‌نمایند: "خدایا نان روزانه‌مان را به ما عطا کن". در حقیقت نیازی به طلب چنین خواسته‌هایی نیست، زیرا روزی هرکس از قبل تأمین شده است. حتی جانوران و پرندگان بدون رفتن به کلیسا و از خدا طلب نمودن، غذای خود را به دست می‌آورند. روزی ما نیز به همین ترتیب تأمین می‌شود، چه ما به کلیسا برویم یا

¹ Sa vai puṁsām paro dharmo yato bhaktir adhokṣaje [SB 1.2.ḥ]

² para, and apara

نرویم. اصلاً مشکل این نیست. هیچ انسانی از قحطی در خیابان‌ها نمی‌میرد، حتی ما یک پرنده یا جانور و یا مورچه‌ای را نمی‌یابیم که از قحطی مرده باشد. غذا وجود دارد و شخص نباید نگران به دست آوردن آن باشد. اگر ذهن باید خواسته‌ای ابراز نماید، بهتر است که برای کریشنا یا خداوند باشد. این استفاده‌ی صحیح از زمان است. کمبود رزق و روزی در قلمروی خداوند مفهومی ندارد.

*Tasyaiva hetoḥ prayateta kovido na labhyate yad bhramatām upary
adhaḥ [SB 1.5.18]*

شریماد - بهاگواتام می‌فرماید: شخص باید برای چیزی تلاش نماید که حتی با سفر در تمام جهان مادی هم به دست آوردن آن میسر نباشد. آن چیست؟ کوالایا بهاکتیا، خدمت عابدانه پاک و خالص. با تدبیر الهی به اندازه‌ی کافی غذا، زمین و امکان دستیابی به غذا بر روی این سیاره وجود دارد. اما ما این تعادل را به نحوی تغییر داده‌ایم که در قسمتی از جهان مردم از گرسنگی در رنج و عذاب هستند و در بخشی دیگر، غلات را به اقیانوس می‌ریزند. در وداها آمده است: اِکو باهونام یو ویدادهاتی کامان^۱، "شخصیت اعلای خداوند روزی تمام موجودات زنده را تأمین می‌کند." مشکل این است که در این دنیای مادی ما بیش از نیازمان از طبیعت برمی‌گیریم و لذا برای خود مشکل به وجود می‌آوریم. مشکلات توسط انسان‌ها به وجود می‌آیند و توسط به اصطلاح سیاست‌مداران هدایت می‌شوند. بر اساس قانون طبیعت یا قانون خداوند همه چیز کامل است. با توجه به شری ایشوپانیشاد داریم:

*om pūrṇam adaḥ pūrṇam idam
pūrṇāt pūrṇam udacyate
pūrṇasya pūrṇam ādāya
pūrṇam evāvaśisyate*

"شخصیت متعال خداوند تام و کامل است. و به همین دلیل جملگی تجلیات وی همچون این عالم پیدا، به تمامی چنان است که او. هر آنچه که از کل کامل پدید آید

¹ *eko bahūnām yo vidadhāti kāmān*

خود نیز کامل است و از آنجا که او کل کامل است هرچند که اجزای کامل بسیاری از او نشأت می‌گیرند، همچنان، آن کامل بی‌نقص باقی می‌ماند." (شری ایشوپانیشاد، نیایش). خداوند کامل است، خلقت او نیز کامل است. نظم وی نیز کامل است، اما ما در آنها اختلال ایجاد می‌کنیم. آموزشی حقیقی آن است که مردم را کریشنا آگاه سازد تا آنها به شکل صحیحی از منابع زمین استفاده کنند و دیگر در آن اختلالی ایجاد نمایند. حل چنین مشکلاتی با تصویب قطع‌نامه در سازمان ملل امکان‌پذیر نیست. فرد باید روش واقعی حل مشکلات را بداند.

شوکادو گوسوامی می‌فرماید که صرفاً با خدمت عابدانه، شخص قادر به حل مشکلات زندگی می‌شود. چه کسی قادر به انجام این کار است؟ این امر برای یک شخص عادی میسر نیست، مگر برای کسانی که واسودوا پارایاناها^۱، یا به عبارتی وقف خدمت عابدانه و عاشقانه به خداوند کریشنا (واسودوا) هستند. تنها کسانی که رضایت خداوند کریشنا را در نظر می‌گیرند و کسانی که خدمت عابدانه پاک انجام می‌دهند قادر به حل مشکلات زندگی هستند.

آگهام دهنوانتی^۲ - همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، مشکلات نتیجه اعمال گناه‌آلود هستند. اگرچه غذا به اندازه کافی وجود دارد، اما مردم بیش از نیاز خود ذخیره و احتکار می‌نمایند تا از این طریق سود ببرند. در سال ۱۹۴۲ در هندوستان یک قحطی کاذب توسط مردم برای ثروت‌اندوزی بی‌جهت به وجود آمد. افراد ثروتمند، برنجی که هر پوند آن شش رویه قیمت داشت را احتکار کردند و ناگهان در طی یک هفته قیمت هر پوند برنج به پنجاه رویه رسید. در پی آن دیگر برنجی در بازار موجود نبود و مردم گرسنه ماندند. یک شخص آمریکایی در آن زمان گفت "اگر مردم کشور من به این ترتیب گرسنه نگه داشته می‌شدند قطعاً انقلاب می‌شد." مردم در هندوستان به این شکل آموزش دیده‌اند که علی‌رغم چنین قحطی کاذبی ترجیح دادند که در آرامش بمیرند، اما دست به آشوب نزنند. البته این فقط یک مثال بود، اما این مثال نشان

¹ vāsudeva-parayanāḥ

² Agham dhunvanti

می‌دهد که چطور مشکلات را انسان‌ها ایجاد می‌کنند نه خداوند. در خلال جنگ جهانی اول در آلمان زنان برای دعا به خداوند به کلیسا رفتند تا همسرانشان، پسران و برادرانشان سالم برگردند. اما هیچ‌کدام از آنها برنگشتند و پس از آن تمامی آن زنان کافر شدند. آنها متوجه نبودند که خداوند مسبب جنگ و مشکلات آن نبود. آنها برای حل مشکل نزد او رفتند. وقتی ما خودمان مشکلات را به وجود می‌آوریم، باید از پیامد آن رنج ببریم.

البته این واقعیت است که شخصی که به کریشنا یا خداوند پناه می‌برد، مشکلاتش حل خواهد شد. به همین دلیل حتی اگر دلیل دیگر وجود نداشته باشد شخص باید از واسودوا، شخصیت اعلای خداوند خدمت عابدانه تقاضا کند. واسودو بهاگواتی بهاکتی - یوگاها پرایوجیتاها^۱. "اگر کسی به خدمت عابدانه واسودوا بپردازد، او بدون هیچ وقفه‌ای به بالاترین سطح دانش، نائل خواهد شد (جانایاتی آشو وایراگیام^۲). کلمات گیانا- وایراگیام^۳ به دانشی اشاره دارد که به وسیله‌ی آن فرد از جذابیت‌های دنیای مادی منقطع می‌شود. واژه گیانا به معنی دانش و وایراگیام به معنی انقطاع است. هم دانش و هم انقطاع در زندگی انسانی مورد نیاز است. شخص باید بداند "من روح هستم. و من کاری با این جهان مادی ندارم، ولی از آنجایی که خواسته برای لذت بردن به طرق مختلف در من وجود دارد، از یک کالبد به کالبد دیگر انتقال می‌یابم. من نمی‌دانم این روند چه موقع شروع شده است اما هنوز ادامه دارد." این دانش حقیقی است. دانایی زمانی حاصل می‌شود که شخص موقعیت ذاتی و حقیقی خود را بشناسد و به چگونگی روند درد و رنج در دنیای مادی پی ببرد. علم متعال وقتی به دست می‌آید که شخص واسودوا-پرایاناها یا خادم خداوند واسودوا شود. در بهاگاواد - گیتا خداوند کریشنا به آرجونا می‌فرماید:

*bahūnām janmanām ante
jñānavān mām prapadyate*

^۱ Vāsudeve bhagavati bhakti-yogaḥ prayojitaḥ

^۲ janayaty āsu vairāgyam

^۳ jñāna-vairāgyam

*vāsudevaḥ sarvam iti
sa mahātmā sudurlabhāḥ*

"پس از تولدها و مرگ‌های بسیار، کسی که با شناخت من به عنوان علت تمام علل و خالق تمام هستی در دانش واقعی قرار گرفت، به من تسلیم می‌گردد. چنین روح بزرگی بسیار نادر است." (ب.گ. ۱۹/۷)

چنین ارواح بزرگی که کاملاً کریشنا، واسودوا، را به عنوان منشأ همه چیز بدانند، بسیار نادر هستند. یافتن به اصطلاح ارواح بزرگ یا ماهاتماها^۱ با ریش و سبیل بلند که به دیگران می‌گویند با خدا یکی هستند و پس از مرگ مجدداً زنده شده و خدا می‌شوند بسیار آسان است؛ اما آنها درحقیقت ماهاتما نیستند، بلکه دوراتما^۲ یا بی‌رحم و سنگدل هستند؛ چرا که آنها می‌خواهند به مقام کریشنا تعدی کنند و با او یکی شوند. اگر یک مستخدم در اداره بخواهد موقعیت رئیس خود را اشغال نماید، آیا رئیس از چنین عملی راضی خواهد شد؟ به همین ترتیب هر موجود زنده‌ای که بخواهد خدا شود چندان مورد علاقه او نخواهد بود. البته هیچ‌کس نمی‌تواند خدا شود. اما این کوشش برای خدا شدن یا رقابت با او برای خداوند خوشایند نیست. در بهاگاواد-گیتا چنین افرادی که به این شکل تلاش می‌کنند، دویشاتاها^۳ یا حسود خوانده می‌شوند. خداوند می‌فرماید:

*tān ahaṁ dviṣataḥ krūrān
samsāreṣu narādhamān
kṣipāmy ajasram aśubhān
āsurīṣv eva yoniṣu*

"من حسودان، شروران و پست‌ترین در میان انسان‌ها را، برای همیشه در انواع گونه‌های شیطانی حیات در اقیانوس موجودیت مادی می‌افکنم." (ب.گ. ۱۹/۱۶)

آنها در شرایط جهنمی قرار داده می‌شوند، چرا که آنها نسبت به موقعیت خداوند حسادت می‌ورزند. در ابتدا آنها سعی می‌کنند مقامات بالایی در جهان مادی کسب

¹ mahātmās

² durātmā

³ dviṣataḥ

کنند. و هنگامی که تلاش آنها به نتیجه نمی‌رسد، به این فکر می‌افتند: "حالا بهتر است مقام خداوند را اشغال کنم." واضح است که چنین خواسته‌ای نیز بی‌نتیجه خواهد ماند، چرا که هیچ کس نمی‌تواند خدا شود. خداوند، خداوند است و موجود زنده، موجود زنده. خداوند، متعال و نامحدود است؛ و ما، بسیار خرد و کوچک هستیم. موقعیت ما خدمت به خداست و فقط وقتی در این موقعیت عمل کنیم، راضی خواهیم شد. با تقلید از خداوند رضایت به دست نمی‌آید.

*Yasyaika-niśvasita-kālam athāvalambya jīvanti loma-vilajā jagad-
aṇḍa-nāthāḥ* (Bs. 5.48)

جهان‌های بی‌شماری وجود دارد و با هر تنفس ماها ویشنو این جهان‌ها برچیده می‌شود و درون بدن او حل می‌شوند. پس چگونه یک موجود زنده می‌تواند خدا شود؟ خداوند چنین بی‌مقدار نیست. بنابراین ما باید در دانش پیشرفت کنیم و واسودوا، کریشنا را به عنوان متعال بپذیریم. هیچ تردیدی وجود ندارد که کریشنا یک انسان نیست. در هیچ مقطعی از ظهور وی بر روی کره زمین، او به شکل یک موجود زنده‌ی عادی نمایان نگردید. حتی در شکل یک بچه نیز اعمال خارق‌العاده‌ای را انجام داد که خارج از توانایی موجودات زنده‌ی معمولی است. شخص نباید تصور نماید که وقتی به کریشنا تسلیم می‌شود به یک شخص عادی تسلیم شده است، بلکه او به شخصیت‌اعلای خداوند تسلیم می‌شود. در واقع این موضوع توسط تمامی متون ودایی تأیید شده است. آگهام دهونوانتی^۱: وقتی کسی به خداوند کریشنا تسلیم می‌شود، تمامی عکس‌العمل‌های اعمال گناه‌آلودش پاک می‌گردد. در بهاگاواد-گیتا خداوند کریشنا، تسلیم شدن به شخص خود را توصیه می‌نماید:

*sarva dharmān parityajya
mām ekaṁ śaraṇam vraja
ahaṁ tvām sarva-pāpebhyo
mokṣayiṣyāmi mā sucaḥ*

¹ *Agham dhunvanti*

"تمام مذاهب گوناگون را رها کن و فقط به من تسلیم شو. من تو را از کلیه واکنش‌های گناه‌آلود نجات خواهم داد. نترس." (ب.گ. ۶۶/۱۸)

بنابراین فردی که عابد است (واسودوا- پرایانا) و صرفاً مشغول خدمت عابدانه است، قطعاً از تمام اعمال گناه‌آلود پاک شده و رها می‌گردد. خدمت عابدانه به کریشنا یا کریشنا آگاهی توسط هیچ غور و پندار ذهنی قابل دسترسی نیست، مگر لطف بی‌دلیل یک عابد پاک خداوند. این یک هدیه‌ی بی‌همتا است که توسط ماهاتما یا روح بزرگ از روی لطف و محبت به موجودات زنده فروافتاده ارزانی شده است. گفته شده است که به لطف کریشنا شخص، گورو یا پیر روحانی به دست می‌آورد و به لطف یک پیر روحانی، شخص خداوند را به دست می‌آورد. این مثل هدیه‌ی طلوع خورشید است. در شب همه چیز تاریک است، اما هنگام صبح به محض طلوع خورشید میلیون‌ها مایل تاریکی بلافاصله از بین می‌رود. به همین ترتیب اگر ما سعی کنیم که خورشید کریشنا در قلب‌هایمان طلوع نماید، تمامی مشکلات ما حل خواهد شد.

فصل هفتم

هدیه‌ای بی‌همتا: رهایی در کریشناآگاهی

اگر ما صرفاً به پرستش شخص متعال (آدی_پورو شام) بپردازیم، نیازی نیست که از گمراه شدن توسط هیچ کس بهراسیم. شریدهارا سوامی مفسر اصلی شریما - بهاگواتام توضیح می‌دهد که فرد می‌تواند صرفاً با انجام خدمت عابدانه (کوالایا بهاکتیا) به کمال زندگی نائل شود و نیازی نیست که او به روش دیگری متکی شود. شوکادو گوسوامی می‌فرماید شخص می‌تواند با یک حرکت به زندگی مادی خاتمه دهد (کوالایا). در ابتدا احتیاجی به انجام توبه‌های سنگین و ریاضت، تجرد، ذهن و حواس را تحت کنترل قرار دادن، صدقه پرداختن، قربانی‌های بزرگ انجام دادن و راستگو و منزّه شدن نیست. به راحتی با یک حرکت - با پذیرش کریشناآگاهی - شخص بلافاصله به بالاترین مکان صعود می‌کند. انسان می‌تواند با حرکت به سوی کریشناآگاهی، تمام صلاحیت‌های متعال را در خود رشد دهد. زرگر با به کار بردن یک چکش کوچک و به آرامی، ضربات زیادی به طلا می‌زند. در صورتی که آهنگر از چکشی بزرگ استفاده می‌کند و با یک حرکت کار را تمام می‌سازد. کریشناآگاهی مانند روش آهنگر است: ما چکش بزرگ بهاکتی - یوگا را بر می‌داریم و دنیای مادی را به پایان می‌رسانیم. احتیاجی به تن در دادن به تعداد زیادی از قوانین پیش‌پاافتاده و همچنین پیروی از روش‌های دیگر نیست. در واقع حتی، امکان پیروی از دیگر روش‌های ودایی برای دستیابی به کمال، وجود ندارد. برای مثال در هاتا - یوگا این طور گفته شده است: "شما باید یک برهماچاری دقیق باشید و در جنگل با بدن کاملاً عمود بر زمین بنشینید و با

انگشت حدود شش ماه بینی را بفشارید." چه کسی قادر است چنین دستوراتی را دنبال کند؟ از آنجایی که چنین روشی در عصر کنونی عملی نیست، روش "زرگری" غیر قابل اجراست. راه‌حل این است که چکش آهنگری کریشنا آگاهی را برداریم و بلافاصله تمامی اعمال گناه‌آلود را به پایان برسانیم.

با انجام خدمت عابدانه، شخص تبدیل به واسودوا-پارایانا، یک عابد حضرت واسودوا یا خداوند کریشنا می‌گردد. به عبارت دیگر ما باید بیاموزیم که چگونه عاشق واسودوا شویم. اگر جهان به درک کریشنا آگاهی نائل می‌گشت، قطعاً تمام این سیاره در آرامش واقع می‌شد. در حال حاضر زمین به سرعت در حال تبدیل شدن به یک سیاره‌ی جهنمی است؛ و اگر این آگاهی به کریشنا درک نشود، این شرایط جهنمی علی‌رغم تمام پیشرفت‌های علمی و اقتصادی پیشرفت خواهد نمود. بنابراین آن دسته از کسانی که باخرد هستند باید این جنبش را جدی بگیرند. و برای درک ارزش آن تلاش نمایند. این روش، چیزی نیست که ساخته و پرداخته‌ی یک شخص یا یک گروه از پیروان باشد. این روشی بسیار قدیمی و معتبر و موثق است که مبتنی بر متون ودایی است که به هزاران سال قبل برمی‌گردد.

نیهارام ایوا بهاکسارا^۱. بهاکسارا به خورشید اشاره دارد. خورشید بلافاصله بعد از طلوع مه و تاریکی را پراکنده می‌سازد. همان‌طور که در قبل اشاره شد ما باید کوشش کنیم که خورشید کریشنا در قلب‌هایمان طلوع کند. در چیتانیا - چاریتامیتا هم آمده است که کریشنا مانند خورشید است و مایا، انرژی توهمی، تاریکی است. یاهان کریشنا، تاهان ناهی مایارا آدهیکارا^۲: به محض ظهور خورشید کریشنا، تاریکی مایا بلافاصله از بین خواهد رفت. بدون پیروی از این روند، غلبه بر اقیانوس تاریکی مایا بسیار مشکل است. اگر ما صرفاً به مردم بیاموزیم که به کریشنا، خداوند، تسلیم شوند، تمام مه و گرد و غبار توهم ناپود می‌شود. این روش بسیار ساده است؛ فقط کافی است که هاره

¹ Nīhāram iva bhāskarāḥ

² Yāhān kṛṣṇa, tāhān nāhi māyāra adhikāra

کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره هاره، راما، هاره راما، هاره هاره را ذکر کنید.

هر چقدر که شخص بیشتر به ذکر اسامی خداوند بپردازد، قسمت بیشتری از تاریکی زندگی‌های متمدنی او زایل خواهد شد. چتو- دارپانام- مارجانام^۱: با ذکر کردن، شخص می‌تواند غبار را از روی آینه‌ی ذهن پاک کند و موضوعات را خیلی واضح از یکدیگر تشخیص دهد. بنابراین شخص درک خواهد کرد که او چیست، خدا چیست و این جهان چیست، رابطه ما در این جهان با خدا چیست، چگونه در این جهان زندگی کنیم و زندگی بعدیمان چیست. چنین دانشی در مدارس آموزش داده نمی‌شود، جایی که تنها در آن به شخص چگونگی دستیابی به راه‌های مختلف ارضای حواس تعلیم داده می‌شود. همیشه نبردی سخت در جریان است که تلاش انسان جهت تسلط بر طبیعت مادی را دربردارد. با این حال با تأمین هر نوع آسایشی، همواره مشکلاتی نیز به وجود خواهد آمد. به عنوان نمونه اخیراً تعدادی از مهندسان اقدام به طراحی هواپیمایی کرده‌اند که قادر است بدون خطر با سرعت‌های بالا پرواز کند. اما وقتی هواپیما به پرواز در می‌آید تمام شیشه‌های خانه‌های شهر می‌شکند. بنابراین وقت ما با ساختن ابزارهایی که به ما رفاه مصنوعی و موقتی می‌دهند، تلف می‌شود که بهایش نیز مقادیر زیادی آشفستگی و گرفتاری است. همه‌ی این‌ها قسمتی از قانون کارما است: قانون کنش و واکنش. برای هر عملی که انجام می‌دهیم، باید عکس‌العملی وجود داشته باشد که از طریق آن ما در بند قرار می‌گیریم. این موضوع در کتاب بهاگاواد- گیتا بیان شده است:

*yajñārthāt karmaṇo 'nyatra
loko 'yam karma-bandhanaḥ
tad-arthaṁ karma kaunteya
mukta-saṅgaḥ samācara*

"کار باید به منزله‌ی قربانی برای ویشنو انجام گردد، در غیر این صورت باعث اسارت شخص در دنیای مادی می‌شود. بنابراین، ای پسر کونتی، وظایف تجویز شده‌ات

^۱ Ceto-darpaṇa-mārjanam

را برای رضایت پروردگار انجام ده، بدین ترتیب همواره از اسارت رها خواهی ماند.^۱
(ب.گ. ۹/۳)

وقتی شخص برای ارضای حواس عمل می‌کند، این عمل او را به بند می‌کشد، خواه آن عمل خوب باشد خواه بد. اما اگر شخص صرفاً برای کریشنا عمل کند (یا گیارتهات کارمانو)^۱ بدون توجه به مطلوبیت احتمالی عمل، وی رها خواهد شد. نه تنها شوکادو گوسوامی خدمت عابدانه‌ی پاک و خالص را توصیه می‌کند، بلکه در اهمیت آن متذکر می‌شود که با خدمت عابدانه، تمام اعمال گناه‌آلود شخص از بین خواهد رفت. هر کدام از ما کمابیش گناه‌کار هستیم. زیرا اگر چنین نبود در این بدن‌های مادی قرار نمی‌گرفتیم. به محض اینکه شخص از زندگی گناه‌آلود رها شود، او آزاد می‌گردد و با کالبدی روحانی به دنیای روحانی منتقل خواهد شد. تمام این مراحل به منظور پاکسازی شخص از زندگی گناه‌آلود مادی است.

شوکادو گوسوامی می‌فرماید: "پادشاه عزیزم، کسانی که گناه‌کار هستند می‌توانند به وسیله تاپا-آدیبهی^۲ یا ریاضت از تمام آلودگی‌ها پاک شوند." اما او بیان می‌کند که در هر حال هیچ‌کس نمی‌تواند با انجام این روند ریاضتی به طور کامل پاک شود. مثال‌های زیادی از یوگی‌هایی وجود دارد که ریاضت‌های بسیاری انجام داده‌اند، ولی به پاکی خالص دست نیافته‌اند، برای مثال ویشوامیترا مونی^۳ کشاتریایی بود که قصد داشت برهمانا شود و بنابراین شروع به انجام ریاضت نمود. اما به هرصورت او قربانی مینکا^۴، دختری اغواگر از سیارات بهشتی گردید. به دلیل اینکه ویشوامیترا مونی کاملاً پاک نبود، گرفتار اغوای آن دختر شد و از او صاحب فرزند گردید. بنابراین گفته شده که حتی اگر فردی ریاضت بکشد و توبه نماید، شرایط جهانی آن قدر اغواکننده است که به نحوی شخص را در گونه‌های طبیعت دنیای مادی دوباره و دوباره گرفتار می‌سازد. مثال‌های زیادی از سانیاسی‌هایی وجود دارد که دنیا را به عنوان چیزی غیرواقعی ترک

¹ *yajñārthāt karmaṇo*

² *tapa-ādibhiḥ*

³ *Viśvāmītra Muni*

⁴ *Menakā*

نموده‌اند و می‌گویند: "بگذار من به سوی برهمن متعال برگردم." اما آنها هنگامی که به تأسیس بیمارستان‌ها و انجام اعمال خیرخواهانه و فعالیت‌های بشردوستانه مبادرت می‌ورزند عملاً دوباره درگیر اعمال دنیوی می‌شوند. اگر این دنیا توهم است، پس چرا آنها جذب فعالیت‌های خیریه می‌گردند؟ فلسفه کریشنا آگاهی تصریح می‌کند که این جهان غیرواقعی نیست، بلکه موقتی است. خداوند این جهان را خلق کرده است، خداوند حقیقت مطلق است، پس این خلقت نیز حقیقی است. ما به راحتی می‌توانیم این را ببینیم؛ در غیر این صورت تحت تأثیر توهم هستیم. این جهان واقعیت است، اما این واقعیت موقتی است.

شخص ممکن است مدعی مالکیت چیزی در این دنیا باشد، ولی این ادعایی واهی است. این حقیقت است که آن چیز از آن کسی است، اما در حقیقت آن چیز از آن خداوند است (ایشاواسیام ایدام ساروام). این بدان مفهوم نیست که مالکیت داشتن اشتباه است، بلکه ادعای مالکیت داشتن مبتنی بر آگاهی نادرستی که در آن شخص ادعای خدایی می‌کند، اشتباه است. همه دوست دارند که ارباب، مالک، وزیر، رئیس جمهور و سپس خدا شوند. وقتی شخص در موارد دیگر ناکام می‌شود، می‌خواهد خدا شود. این تمایل به این دلیل است که شخص خواهان برتری نسبت به همه چیز است، اما واقعیت این است که خداوند کل، به معنای بزرگ‌ترین، و موجود زنده در مقایسه با او جزء، به معنای کوچک‌تر است. کوچک‌ترین بودن نادرست نیست و بزرگ‌ترین بودن نیز نادرست نیست، بلکه هنگامی که کوچک می‌پندارد که بزرگ است، موضوع نادرست است.

از متون ودایی، ما به این درک می‌رسیم که برهمن یا روح متعال، کوچک‌تر از یک اتم، آنور آنیامسام^۱، و بزرگ‌تر از بزرگ‌ترین، ماهاتمو ماهیامسام^۲ است. تا آنجایی که در حوزه‌ی درک ماست فضای دربرگیرنده‌ی این جهان بزرگ‌ترین چیزی است که وجود دارد، اما کریشنا میلیون‌ها جهان را درون دهانش به معرض نمایش گذاشت. عظمت

¹ aṅor aṅīyāmsam

² mahato mahīyāmsam

خداوند توسط موجود زنده که جزء و ذره‌ای از اوست، قابل درک نیست. ما به عنوان موجودات زنده، بسیار جزئی و کوچک هستیم و خداوند نامحدود است. در واقع، اندازه‌ی روح فردی، چنان کوچک و میکروسکوپی است که قابل دیدن نیست. شخص حتی نمی‌تواند با حواس مادی قادر به تصور آن باشد. بنابراین گفته می‌شود که روح کوچک‌تر از یک اتم است (آنور انیامسام).

از آنجایی که موجود زنده و کریشنا، خداوند متعال، هر دو روح هستند، از نظر کیفی یکسان می‌باشند. از نظر کمی، خداوند، کل و موجود زنده، جزء می‌باشد. این حقیقت براساس اطلاعات ودایی قابل قبول است. در برهما سامهیتا گفته شده است:

*yasyaika-niśvasita-kālam athāvalambya jīvanti loma-vila-jā jagad-
āṇḍa-nāthāh*

میلیون‌ها جهان با تنفس خداوند متجلی و با پس کشیدن تنفس او دوباره نامتجلی می‌گردند. یعنی صرفاً با تنفس او میلیون‌ها جهان آفریده می‌شود و سپس برچیده می‌گردد. اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، پس چگونه موجود زنده می‌تواند ادعای مالکیت بر چیزی را داشته باشد؟ فقط هنگامی شخص در جایگاه مطمئنی قرار دارد که به غلط ادعای خدایی یا مالکیت نکند. ادعای خدایی کردن امری رایج شده است و افراد ساده‌لوح چنین ادعاهایی را می‌پذیرند؛ ولی با توجه به متون ودایی ما می‌فهمیم که خداوند چنین بی‌ارزش و حقیر نیست!

مادامی که ما با چنین ادعاهایی که مبتنی بر منیت کاذب است مغرور نشده باشیم، رها هستیم. در واقع نیازی نیست که در پی رهایی باشیم. اما تا هنگامی که فرد فکر می‌کند "من این بدن هستم" او دیگر رها نیست. رهایی یعنی کاملاً درک اینکه خویشتن حقیقی شخص از بدن او جداست. به همین دلیل شوکادو گوسوامی می‌فرماید: پرایاشچیتام ویمارسانام^۱: "دانش خود را ارتقا دهید که آن شما را به رهایی می‌رساند." دانش ما زمانی کامل می‌شود که ما به این درک برسیم که اجزای کوچکی از انوار روحانی هستیم و خداوند متعال، بزرگ‌ترین هویت روحانی است که تمام نیازهای ما را

¹ *prāyaścittam vimarśanam*

تأمین می‌کند (اگو باهونام یو ویداداهاتی کامان^۱). با شناخت خود به عنوان اجزایی کوچک و جزء و ذره‌ای از خداوند، می‌توانیم بفهمیم که وظیفه‌ی ما خدمت به خداوند است. خداوند مرکز همه‌ی کائنات یعنی کل جهان هستی است. او لذت‌برنده است و ما خادمین او هستیم. وقتی به چنین درکی برسیم، آزاد و رها خواهیم شد.

رهایی مستلزم آزادی از تمام ادراکات توهمی است. این بدان معنی نیست که با رهایی، شخص مثلاً دارای ده دست می‌شود! در شریما - بهاگاواتام رهایی به "موکتیر هیتوانیاتها-روپام"^۲ تعبیر شده است. موکتی به معنی از دست دادن است و آنیاتا-روپام بر ادراک توهمی از حیات دلالت دارد. گفته شده است وقتی شخص در موقعیت ذاتی و حقیقی خود قرار گیرد و تمامی تصورات توهمی را از دست بدهد، او یک شخص رها شده می‌باشد. همچنین در شریما - بهاگاواتام گفته شده که با کسب دانش، شخص بلافاصله به رهایی دست خواهد یافت. این دانش به راحتی قابل دریافت است، چرا که بسیار آسان است: "خداوند بزرگ است و من بسیار حقیر هستم؛ او مالک اعلائی است که تمام نیازها را برطرف می‌سازد و من خادم او هستم. چه کسی می‌تواند با این موضوع به مخالفت برخیزد؟ این یک حقیقت است. ما تحت تأثیر توهم، فکر می‌کنیم "این" یا "آن" هستیم و در نهایت این طرز تفکر ما را به جایی می‌رساند که ادعا می‌کنیم که خدا هستیم. با این حال در نظر نداریم که ما چه جور خدایی هستیم. یک اختلال کوچک بدنی ما را نزد پزشک می‌فرستد. کسی که ادعای متعال بودن می‌کند، باید بداند که به آخرین دام مایا گرفتار شده است. کسی که در چنین گمراهی قرار دارد، نمی‌تواند رها شود. زیرا توسط مایا به بند کشیده شده است.

فقط زمانی که شخص به دانش واقعی دست یافته باشد، قادر است به رهایی دست یابد. این مرحله رهایی را مرحله برهما-بهوتا^۳ نیز می‌نامند. در بهاگاواد - گیتا، شری کریشنا کسی را که به این مرحله نائل آمده است، چنین توصیف می‌کند:

brahma bhūṭḥ prasannātmā

¹ *eko bahūnām yo vidadhāti kāmān*

² *muktir hitvānyathā-rūpam*

³ *brahma-bhūtaḥ*

*na śocati na kānḅṣati
samaḥ sarveṣu bhūteṣu
mad-bhaktim labhate parām*

"کسی که بدین‌سان در موقعیت روحانی قرار گرفته است، بی‌درنگ برهنم متعال را ادراک می‌کند. او افسوس چیز از دست رفته را نمی‌خورد و آرزوی کسب چیزی را در سر نمی‌پروراند؛ تمایل او نسبت به تمام موجودات زنده یکسان است. در این مرحله او به خدمت عابدانه پاک من می‌رسد." (ش.ب. ۵۴/۱۸)

شادی که در پی این ادراک بوجود می‌آید از فهم این حقیقت سرچشمه می‌گیرد، "من به واسطه‌ی تصورات نادرست برای مدت طولانی دچار توهم شده بودم! می‌اندیشیدم که خدا هستم، اما حال متوجه شدم که خادم ابدی خداوند هستم." با کسب چنین درکی شخص به مرحله رهایی دست می‌یابد و پراساناناما^۱ یا مسرور می‌گردد؛ زیرا این موقعیت ذاتی و حقیقی موجود زنده است.

هیچ غم و اندوهی برای شخصی که در آگاهی پاک و خالص است وجود ندارد، زیرا او می‌داند که جزء و روح کوچکی است که توسط شخصیت اعلا‌ی خداوند محافظت می‌گردد. در این صورت آیا دیگر دلیلی برای غم و اندوه باقی می‌ماند؟ یک بچه‌ی کوچک تا زمانی که می‌داند پدرش حضور دارد، احساس امنیت می‌کند. او فکر می‌کند "پدر من پیش من است و بنابراین من در امان هستم. هیچ کس نمی‌تواند به من آزاری برساند" مشابهاً شخصی که به کریشنا تسلیم می‌شود، ایمان کامل دارد که هیچ‌گاه در معرض خطر قرار نمی‌گیرد، زیرا کریشنا حافظ اوست. کسی که این چنین به کریشنا تسلیم شده باشد، تحت تأثیر غم و اندوه یا آرزویی نمی‌باشد، در حالی که کسی که در آگاهی به خدا نیست، دائماً در حال غم خوردن و آرزو کردن است. او در آرزوی چیزی است که هنوز به بدست نیاورده و به خاطر چیزهایی که از دست داده است در غم و اندوه بسر می‌برد. یک فرد خداآگاه برای چنین مسائلی هیچ غم و اندوهی به دل راه نمی‌دهد. اگر چیزی را از دست بدهد، می‌داند که خواست خدا این بوده است و

¹ prasannāmā

می‌اندیشد: "خداوند چنین خواسته است، و بنابراین همه چیز درست است." او هیچ خواسته‌ای ندارد، زیرا می‌داند که تمام نیازهای او توسط کریشنا، پدر متعال، برآورده می‌شود.

به محض اینکه شخص به رابطه‌اش با خداوند پی می‌برد، به درک اصلی برادری جهانی می‌رسد، زیرا او می‌فهمد که تمام انسان‌ها و حیوانات و در واقع تمام موجودات زنده همه قسمتی از وجود آن متعال هستند و بدین ترتیب همه با هم برابرند. با رسیدن به چنین درکی، شخص، دیگر به هیچ موجود زنده‌ای حسد نمی‌ورزد، او را استثمار نمی‌کند و برای او مشکل بوجود نمی‌آورد. بدین ترتیب کسی که عابد کریشناست خود به خود تمام صفات خوب را در خود پرورش می‌دهد، زیرا او در آگاهی درستی قرار دارد.

Harāv abhaktasya kuto mahad-guṇā mano-rathenāsati dhāvato bahiḥ

کسی که کریشنا آگاهی را در خود پرورش دهد، تمام صفات خوب فرشتگان در او پدیدار خواهد شد. در واقع گفته شده است وانچا-کالپا-تاروبهیاشچا-کرپیا-سیندهوبهیا اوا چا^۱: یک وایشناوا یا عابد خداوند اقیانوس رحمت برای دیگران است. او بزرگ‌ترین هدیه را به جامعه می‌دهد، به جامعه‌ای که به شدت نیازمند خداشناسی است. یک وایشناوا بالاترین هدیه، یعنی ماها مانترای هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، را به جامعه ارزانی می‌دارد. صرفاً با ذکر این مانتره، شخص می‌تواند در مرحله‌ی رهایی باقی بماند.

اما شخص نباید تصور کند که این سطح صرفاً مراقبه‌ای است که در آن فرد باید تمام روز در گوشه‌ای به حالت نیلوفر در یوگا بنشیند. خیر، رهایی به معنای خدمت است. شخص نمی‌تواند صرفاً بگوید، "من زندگی‌ام را وقف کریشنا کرده‌ام، بگذارید در حالت سامادهی بنشینم." استاندارد تسلیم شدن باید توسط نیشوایا^۲، خدمت کردن، حفاظت شود. هنگامی که انسان به شخصیت متعال خدمت می‌کند، خداوند خود را در

¹ *vāncā-kalpa-tarubhyaś ca krpā-sinḍhubhya eva ca*

² *niṣevayā*

قلب او آشکار می‌سازد. برنامه‌ی خدمت عابدانه به خداوند از صبح تا شب انجام می‌شود. در واقع کریشنا در بهاگاواد - گیتا می‌فرماید شخص باید بیست و چهار ساعته در حال خدمت عابدانه او باشد. این روش بدان معنی نیست که ما باید پانزده دقیقه مراقبه کنیم و سپس خود را درگیر همه نوع فعالیت‌های بی‌معنی و عبث نماییم. ما هرچه بیشتر خدمت کنیم، بیشتر وقف کریشنا می‌شویم؛ بنابراین شخص باید تمام استعدادهای خود را به کریشنا اختصاص دهد. نه روش خدمت عابدانه وجود دارد: شنیدن، ذکر کردن، به یاد آوردن، خدمت کردن، پرستش کردن دیتی در معبد، دعا کردن، انجام دادن دستورات، خدمت کردن به خداوند به عنوان یک دوست و قربانی کردن همه چیز برای او. شخص باید همواره حداقل به انجام یکی از این نه روش مشغول باشد. کسی که همواره مشغول خدمت به کریشنا باشد، هرگز سرخورده نمی‌شود (بهجاتام پریتی-پورواکام)^۱. خدمت باید با عشق صورت گیرد، اما در ابتدا ممکن است این کار سخت باشد و موجب ناامیدی شخص گردد. اما به محض اینکه شخص در خدمت به کریشنا پیشرفت می‌کند، آن را رضایت‌بخش می‌یابد. این موضوع توسط کریشنا در بهاگاواد - گیتا بدین صورت بیان شده است:

*yat tad agre viṣam iva
pariṇāme 'mṛtopamam
tat sukhaṁ sāttvikam proktam
ātma-buddhi-prasāda-jam*

"گفته می‌شود آنچه در آغاز می‌تواند همانند زهر باشد ولی سرانجام همچون شهد می‌گردد و انسان را نسبت به خودشناسی بیدار می‌کند، شادی و خوشبختی در گونه‌ی نیکی است." (ب.گ. ۳۷/۱۸)

اگر کسی یک بار به سکوی روحانی دست یابد، تمام اعمال مادی برایش ناخوشایند می‌گردند. برای مثال اگر کسی مانترای هاره کریشنا را در تمام عمرش ذکر نماید، او از ذکر این نام‌ها خسته نخواهد شد. اما اگر همان شخص یک نام مادی را مکرراً ذکر

¹ bhajatām prīti-pūrvakam

کند، او خیلی زود دل زده خواهد شد. شخص هرچه بیشتر اسامی کریشنا را ذکر کند، بیشتر دلبسته می‌گردد. بدین ترتیب خدمت از طریق شراوانام^۱ و کیرتانام^۲، شنیدن و ذکر کردن درباره‌ی کریشنا، اولین قدم است. قدم بعدی اسمارانام^۳ یا همواره به یاد کریشنا بودن است. وقتی که انسان در ذکر کردن و شنیدن کامل گردد، او همواره کریشنا را به یاد خواهد آورد. در این سطح، بدل به بزرگ‌ترین یوگی‌ها می‌گردد.

پیشرفت در کریشنا آگاهی هرگز از بین نخواهد رفت. در جهان مادی اگر کسی شروع به ساختن یک کارخانه نماید اما آن را کامل نکند، کارخانه برای هیچ منظور و مقصودی قابل استفاده نخواهد بود. اگر ساختن آن متوقف گردد و ساختمان نیمه‌کاره بماند، تمام پول سرمایه‌گذاری شده نیز هدر می‌رود. اما در کریشنا آگاهی بدین ترتیب نیست. حتی اگر شخص به نقطه‌ی کمال نائل نگردد، تمام آنچه که او انجام داده است، دارایی جاودان به شمار خواهد آمد. و او می‌تواند در زندگی بعدی دوباره از آن نقطه شروع نماید. کریشنا همچنین در بهاگاواد - گیتا این موضوع را تأیید می‌کند که کسی که کریشنا آگاهی را شروع می‌نماید، چیزی را از دست نخواهد داد:

*nehābhikrama-nāśo 'sti
pratyavāyo na vidyate
svalpam apy asya dharmasya
trāyate mahato bhayāt*

"در این تلاش، هیچ گونه ضرر یا نقصانی وجود ندارد و کمی پیشرفت در این راه می‌تواند انسان را از خطرناک‌ترین گونه ترس حفاظت نماید." (ب.گ. ۴۰/۲)

در فصل ششم بهاگاواد - گیتا، وقتی که أرجونا در مورد سرنوشت یوگی ناموفق سؤال می‌کند، شری کریشنا پاسخ می‌دهد:

*pārtha naiveha nāmutra
vināśas tasya vidyate
na hi kalyāṇa-kṛt kaścīd*

¹ śravaṇam

² kīrtanam

³ smaraṇam

durgatim tāta gacchati

"ای پسر پریتها، آن حق‌جویی که مشغول انجام فعالیت‌های پاک و خجسته است نه در این دنیای خاکی و نه در دنیای روحانی با نابودی مواجه نمی‌شود. ای دوست من، کسی که نیک و پاک عمل می‌کند، هیچگاه مغلوب بدی و شر نمی‌گردد." (ب.گ. ۴۰/۶)

خداوند سپس ابراز می‌کند که یک یوگی ناموفق، تمرین کریشنا آگاهی را در زندگی بعدی از جایی که آن را ناتمام گذاشته است، شروع می‌نماید. به عبارت دیگر اگر کسی پنجاه درصد راه را در یک زندگی طی کرده باشد، در زندگی بعدش از پنجاه و یکمین درصد آن شروع خواهد کرد. این در حالی است که هر دستاورد مادی اندوخته‌شده در زندگی در زمان مرگ نابود می‌شود، زیرا ما نمی‌توانیم ثروت‌های مادی را با خود ببریم. اما شخص نباید فکر کند که بهتر است برای دستیابی به کریشنا آگاهی تا زندگی بعدی صبر نماید. ما باید سعی کنیم که مأموریت کریشنا آگاهی را در این زندگی به انجام برسانیم. کریشنا به ما قول می‌دهد که کسی که عابد او گردد بدون هیچ لغزشی به سوی او باز می‌گردد.

*manmanā bhava mad-bhaktō
mad-yājī mām namaskuru
mām evaiṣyasi satyaṁ te
pratijāne priyo 'si me*

"همواره به من فکر کن، عابد من شو، مرا پرستش کن و احترامات خود را به من تقدیم کن. بدین‌سان بدون تردید نزد من خواهی آمد. این را به تو قول می‌دهم چون تو دوست بسیار عزیز من هستی." (ب.گ. ۶۵/۱۸)

وقتی که ما درمورد رفتن به سوی کریشنا فکر می‌کنیم، نباید تصور کنیم که در مقابل خلاء یا نور روشنایی بی‌هویتی خواهیم ایستاد. کریشنا، خداوند، یک شخص است، درست همان‌طور که ما شخص هستیم. با دیدگاه مادی ما می‌دانیم که پدرمان یک شخص است و پدر او نیز یک شخص می‌باشد و اینکه پدر پدر او نیز یک شخص است. و به همین ترتیب تا به پدر متعال که او نیز باید یک شخص باشد. درک این

موضوع سخت نیست و قابل ذکر است که خداوند نه تنها در وداها بلکه در انجیل، قرآن و دیگر متون مقدس "پدر متعال" نامیده می‌شود. همچنین در ودانتا سوترا تأکید شده است که حقیقت مطلق پدر اصلی است که از او تمام چیزها تولد یافته یا نشأت گرفته‌اند. این موضوع در وداها نیز تأیید شده است:

*nityo nityānām cetanaś cetanānām
eko bahūnām yo vidadhāti kāmān*

"خداوند، جاودان متعال در میان همه‌ی جاودانگان است و تنها موجود زنده متعال در میان تمام موجودات زنده می‌باشد. او از همه محافظت می‌نماید." آرزوها و نشانه‌های زندگی که توسط تمامی موجودات زنده ابراز می‌شود، صرفاً بازتاب‌های خواسته‌ها و نشانه‌های زندگی پدر متعال است. به عبارت دیگر، خواسته‌های ما بوجود می‌آیند زیرا که او خواسته دارد. از آنجایی که ما جزء و ذره‌ای از خداوند هستیم، ما نیز تمام امیال و غرایز خداوندی را در مقیاس کوچک، در خود داریم. اعمال جنسی و زندگی جنسی که ما در دنیای مادی می‌بینیم، انعکاس منحرف‌شده‌ی عشقی است که در دنیای روحانی وجود دارد. این دنیا، مادی است چرا که خداوند در آن فراموش شده است، اما به محض اینکه او به یاد آورده شود، بلافاصله تبدیل به دنیای روحانی خواهد شد. به عبارت دیگر، جهان روحانی جایی است که کریشنا در آن فراموش نشده است. این یکی از تعاریف دنیای روحانی است که توسط متون ودایی ارائه شده است. بنابراین ما باید زندگی خود را طوری ترتیب دهیم که امکان فراموش کردن کریشنا را، حتی برای یک لحظه هم نداشته باشیم. بدین طریق با مشغول بودن به خدمت کریشنا، ما همواره در وایکوتنها یا ورینداوانا، محل اقامت کریشنا خواهیم بود.

در حال حاضر به دلیل آگاهی آلوده‌مان، جهان را به دنیایی مادی و جهنمی تبدیل کرده‌ایم و به علت فراموش کردن موقعیت ذاتی، برای خود مشکلات بسیاری به وجود آورده‌ایم، همان گونه که در خواب مشکلات زیادی را بوجود می‌آوریم ولی در واقع مشکلی وجود ندارد. من ممکن است که در خواب ببینم که در طوفان عظیمی هستم، یا در تعقیبم هستند، یا کسی پول مرا می‌گیرد، یا توسط یک ببر بلعیده می‌شوم، اما در

واقع تمام اینها زائیده ذهن من است. آسانگو هی آیام پوروشا ایتی^۱. در وداها آمده است که پوروشا (آتما یا روح) هیچ ارتباطی با فعالیت‌های خواب‌گونه‌ی مادی ندارد. بنابراین ما باید در روند کریشنا آگاهی قرار بگیریم تا از این وضعیت خواب‌گونه بیدار شویم.

بهاکتا یا عابد کریشنا در ورای تمام کسانی که به اعمال ثمرجویانه دست می‌زنند، کسانی که به غور و تفکر ذهنی می‌پردازند و یوگی‌ها قرار دارد. یک بهاکتا می‌تواند کاملاً در صلح و آرامش باشد، در حالی که دیگران نمی‌توانند، زیرا همه به جز بهاکتا، کسی که عشق پاک دارد، دارای خواسته هستند. یک شوده‌ها - بهاکتا^۲ بدون خواسته است، زیرا او صرفاً با خدمت کردن به کریشنا راضی می‌باشد. او نمی‌داند و حتی اهمیتی نمی‌دهد که کریشنا خداست یا نه؛ بلکه او فقط می‌خواهد به کریشنا عشق بورزد. همچنین برای او این حقیقت اهمیتی ندارد که کریشنا قادر متعال است یا در همه جا غالب است. در ورینداوانا پسران گاوچران و گویی‌ها نمی‌دانستند که آیا کریشنا خداوند است یا خیر، اما آنها صرفاً به او عشق می‌ورزیدند. اگرچه که آنها عالم وداها، یوگی یا کارمی نبودند، اما خوشحال بودند زیرا که دختران و پسران ساده روستایی بودند که می‌خواستند کریشنا را ببینند. این سطح بسیار بالا و پیشرفته‌ای است که به آن سارووپادی-وینیرموکتام تات-پاراتونا نیرمالام^۳ یا سطحی از پاکی که در آن شخص از تمامی تعلقات دنیوی آزاد شده است، گفته می‌شود.

اگرچه یوگی‌ها و گیانی‌ها سعی در شناخت خداوند دارند، ولی از وضعیت توهمی خود، آگاه نیستند. مایا-سوکهایا بهارام اودواها تو ویمودهان^۴: آنها نادان هستند زیرا برای رسیدن به سعادت توهمی سخت تلاش می‌کنند. برای آنها هیچ صلح و آرامشی وجود ندارد. گیانی‌ها یا متفکران ذهن‌گرا، با این خواسته که از کار سخت در این دنیای مادی رها شوند، دنیای مادی را طرد می‌کنند (برهما ساتیام جاگان - میتیهیا)^۵. موقعیت

¹ *Asaṅgo hy ayam puruṣa iti śruteḥ*

² *śuddha-bhakta*

³ *sarvopādhi-vinirmuktaṁ tat-paratvena nirmalam*

⁴ *Māyā-sukhāya bharam udvahato vimūḍān*

⁵ *brahma satyaṁ jagan-mithya*

آنها کمی بالاتر از کارمی هاست. چون کارمی ها این دنیای مادی را به جای همه چیز در نظر گرفته اند. آنها می گویند "ما اینجا باید شاد باشیم" و دارما^۱ یا مذهب ایشان، دربرگیرنده‌ی تلاش برای ساختن فضایی همراه با آرامش در این جهان مادی است. نادانان نمی دانند که برای این موضوع برای میلیون ها سال تلاش شده، اما هرگز اتفاق نیافتاده است و هرگز هم اتفاق نخواهد افتاد. چطور امکان دارد که صلح و آرامش در این دنیای مادی به وجود آید وقتی که کریشنا، به عنوان خالق این جهان، خودش می فرماید که اینجا مکان رنج و اندوه است؟

*ā-brahma bhuvanāl lokāḥ
punar āvartino 'rjuna
mām upetya tu kaunteya
punar janma na vidyate*

"از بالاترین کرات دنیای مادی تا پایین ترین آنها، همگی مکان درد و رنج است که در آنها تولدها و مرگ های پیاپی صورت می گیرد." (ب.گ. ۱۶/۸)

دو کهالایام آشاشواتام^۲: یعنی نه تنها این جهان پر از درد و رنج است، بلکه همچنین موقتی نیز هست. حتی شخص صرفاً با پذیرش رنج های سه گانه‌ی دنیای مادی نمی تواند در اینجا باقی بماند. چنین چیزی اجازه داده نخواهد شد. تا زمانی که او در این دنیا اقامت دارد، نه تنها تنبیه خواهد شد، بلکه در آخر نیز از آن بیرون رانده خواهد شد. شخص ممکن است اندوخته‌ی بانکی زیاد، خانه‌ی گران قیمت، همسر و فرزندان و حتی دارایی های بسیاری جمع آوری نماید و ممکن است بیاندیشد "در صلح و آرامش زندگی می کنم"، اما یک روز به او گفته می شود "لطفاً برو بیرون!"

او خواهد پرسید: "چرا؟"، "چرا باید بروم در حالی که این خانه‌ی من است و من بهای آن را پرداخته ام و حال پول، شغل و مسئولیت دارم." اما باز به او گفته می شود که "صحبت نکن و برو بیرون."

¹ dharma

² Duhkhālayam aśāsvatam

در آن روز انسان خدا را می‌بیند و با خود می‌اندیشد "متأسفانه من به خداوند اعتقادی نداشتم، ولی حالا اوست که همه چیز را به پایان می‌برد." بنابراین گفته می‌شود که شیاطین کریشنا را به صورت مرگ درک می‌نمایند، زیرا در آن زمان او همه چیز را از آنها می‌گیرد. چرا ما می‌خواهیم که خداوند را به صورت مرگ ملاقات کنیم؟ وقتی که خدانشناس بزرگ، هیرانیاکاشیپو^۱، کریشنا را دید، او را به صورت شخصیت مرگ دید، اما عابدش، پراهلاد، او را در شکل شخصیت اعلایی که عاشقش بود، دید. کسانی که خداوند را به مبارزه می‌خوانند او را در شکلی هولناک می‌بینند، اما کسانی که عابد او هستند او را در شکل حقیقی‌اش مشاهده می‌کنند. در هر حال سرانجام همه خداوند را خواهند دید.

شخص صادق می‌تواند همواره کریشنا را در همه جا ببیند. کریشنا می‌فرماید: "سعی کن مرا درک نمایی سعی کن مرا در همه جا ببینی"، برای آسان کردن این روش، خداوند می‌فرماید، راسو هام آپسو کونتیا^۲: "من طعم آب هستم." وقتی که ما تشنه هستیم و به لیوانی آب احتیاج داریم، می‌توانیم با نوشیدن آن، احساس رضایت نماییم و درک کنیم که کریشنا قدرت آب برای فرونشاندن عطش ماست. به همین ترتیب به محض طلوع خورشید یا تابش ماه، می‌توانیم کریشنا را ببینیم. زیرا او گفته است: پرابهامسی شاشی-سوریایو^۳: "من خورشید و ماه هستم." در مراحل بعدی ما می‌توانیم کریشنا را به عنوان نیروی زندگانی که در همه چیز وجود دارد ببینیم، همان‌طور که او در بهاگاواد-گیتا بیان می‌نماید:

*pūṇyo gandhaḥ pṛthivyām ca
tejaś cāsmi vibhāvasau
jīvanam sarva bhūteṣu
tapas cāsmi tapasviṣu*

^۱ Hiranyakaṣipu

^۲ raso 'ham apsu kaunteya

^۳ prabhāsmi śaṣi-sūryayoḥ

"من عطر و رایحه اصلی خاک و حرارت آتش هستم. من جان تمامی آنچه حیات دارد و ریاضت‌های زاهدان هستم." (ب.گ. ۹/۷)

زمانی که ما بفهمیم بودن تمام اشیا برای وجود خود وابسته به کریشنا هستند، دیگر امکان گم کردن او هرگز برای ما وجود نخواهد داشت. در بهاگاواد-گیتا خداوند نشان می‌دهد که همه چیز هم در آغاز و هم در پایان و همچنین در حد فاصل بین این دو، بر او تکیه دارد.

*etad yonīni bhūtāni
sarvāṅīty upadhāraya
aham kṛtsnasya jagataḥ
prabhavaḥ pralayas tathā*

*mattaḥ parataram nānyat
kiñcid asti dhanañjaya
mayi sarvam idaṁ protam
sūtre maṇi-gaṇā iva*

"در این جهان برای تمام آنچه مادی و برای تمام آنچه روحانی است به یقین بدان که من، در این جهان، منشأ ایجاد و اضمحلال تمامی آنها، می‌باشم. ای فاتح ثروت، هیچ حقیقتی برتر از من نیست. همه چیز بر من تکیه دارد همچون مرواریدهایی بر ریسمان." (ب.گ. ۶/۷ و ۷)

کریشنا به راحتی قابل مشاهده است، اما فقط برای کسانی که وقف او هستند. برای کسانی که حسود، ابله یا فاقد خرد هستند، او خود را در پرده‌ای از ابهام، مایا، می‌پوشاند:

*nāham prakāśaḥ sarvasya
yoga-māyā-samāvṛtaḥ
mūḍho 'yaṁ nābhijānāti
loko mām ajam avyayam*

"من هیچ‌گاه برای ابلهان و نابخردان متجلی نمی‌شوم. برای آنان من همواره به وسیله نیروی درونی‌ام [یوگا - مایا]^۱ پوشیده شده‌ام، و از این رو آنان واقف نیستند که من تولد نیافته و خطاناپذیرم." (ب.گ. ۲۵/۷)

این انرژی خلاق ابدی یا یوگا - مایا، که کریشنا را برای نابخردان در پرده‌ای از ابهام فرو می‌برد، با عشق برچیده می‌شود. این نظر برهما سامهیتاست:

*premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena
santaḥ sadaiva hṛdayeṣu vilokayanti*

"کسی که عشق کریشنا را در خود پرورش داده است، می‌تواند او را درون قلب خود بیست و چهار ساعته ببیند."

کسانی که بدین ترتیب کریشنا را می‌بینند، هیچ نگرانی و اضطرابی ندارند، چون می‌دانند که پس از مرگ به کجا می‌روند. کسی که هدیه کریشنا آگاهی را دریافت کرده باشد، می‌داند که مجبور به بازگشت به این دنیای مادی برای گرفتن بدن مادی دیگری نیست، بلکه او نزد کریشنا خواهد رفت. ممکن نیست که شخص بتواند نزد کریشنا برود، مگر اینکه بدنی مانند بدن کریشنا، ساچ - چید - آناندا - ویگراها^۲، بدنی با قابلیت جاودانگی، دانش و شرف مطلق بدست آورد. شخص نمی‌تواند وارد آتش گردد و هلاک نگردد، مگر اینکه خود از جنس آتش باشد و به همین ترتیب، شخص نمی‌تواند به قلمرو روحانی با بدنی که روحانی نیست وارد گردد. در یک بدن روحانی شخص می‌تواند همچون گویی‌ها و پسران گاوچران با کریشنا در رقص راسا برقصد. این یک رقص عادی نیست، بلکه رقص ابدی در معاشرت با شخصیت اعلای خداوند است. فقط کسانی که در عشق به کریشنا پاک گشته‌اند، می‌توانند در آن شرکت نمایند. بنابراین شخص نباید این روند کریشنا آگاهی را دست کم بگیرد، بلکه این روند هدیه‌ای بی‌همتا است که توسط خداوند برای انسان در رنج و عذاب، ارزانی گشته است. صرفاً با

^۱ yoga-māyā

^۲ sac-cid-ānanda-vigraha

قرار گرفتن در این روند، تمام اضطراب‌ها و ترس‌های شخص در زندگی، که در واقع از ترس از مرگ نشأت می‌گیرند، از بین می‌رود.

درباره‌ی نویسنده

۱. چ. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد^۱ با شهرت جهانی "شریلا پرابهوپاد"^۲ در ۱۸۹۶ در کلکته‌ی هندوستان پا به عرصه‌ی این جهان نهاد. در ۱۹۲۲، در اولین ملاقات با پیر روحانی خود، "شریلا بهاکتی سیدهانتا ساراسواتی گوسوامی"^۳، وی از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه‌ی دانش ودایی در جهان غرب اقدام کند. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد در الله‌آباد مرید تشریف‌یافته‌ی وی شد. در سال‌های بعد وی شرحی بر بهاگاواد-گیتا نگاشت و در ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله‌ی "بازگشت به نزد خدا"^۴ را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک‌بار، آغاز کرد. انتشار این مجله پس از آغاز هیچ‌گاه قطع نشد و هم اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن "گودیا وایشناوا"^۵ در ۱۹۴۷ او را به لقب "بهاکتی‌ودانتا"^۶ مفتخر ساخت. در ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله‌ی "واناپراستها"^۷ (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس ورینداون عزیمت کرد و در معبدی تاریخی و متعلق به قرون وسطی به نام "رادها دامودارا"^۸ سکنا گزید. او در آنجا چند

¹ A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupad

² Srilla Prabhupada

³ Srila Bhaktisidhanta Sarasvati Gosvami

⁴ Back to Godhead

⁵ Gaudya Vaisnava

⁶ Bhaktivedanta

⁷ vanaprastha

⁸ Radha Damodara

سالی را به مطالعه‌ی عمیق و نگارش سپری کرد. شریلا پرابهوپاد در رادها دامودارا شاهکار زندگی خود یعنی ترجمه و شرح چندین جلدی هجده‌هزار آیه‌ی شریما - بهاگواتام^۱ را آغاز نمود و سرانجام در ۱۹۵۹ مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیاسا^۲) را پذیرا گردید.

شریلا پرابهوپاد در ۱۹۶۵ با کشتی باری و عملاً دست خالی به آمریکا رسید. یکسال بعد انجمن بین‌المللی کریشناآگاهی را بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) به هدایت این انجمن پرداخت و انجمن تحت هدایت دقیق وی در مدت ده سال به یک انجمن جهانی با حدود یکصد "آشراما"^۳، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت. اما مهم‌ترین هدیه‌ی شریلا پرابهوپاد به جهان، کتاب‌های وی است. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل اعتبار، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از هفتاد و هشت زبان رایج ترجمه شده است. "انتشارات بهاکتی ودانتا"^۴ که در ۱۹۷۲ به‌طور اختصاصی برای چاپ آثار شریلا پرابهوپاد تأسیس شد، به‌عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه‌ی کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد.

به‌رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود و با وجود چنین برنامه‌ی سنگینی، تا پایان عمر، فعالانه به نگارش ادامه داد. وی بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت. نوشته‌های وی یک کتابخانه‌ی واقعی از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه‌ی ودایی را تشکیل می‌بخشد.

¹ Srimad Bhagavatam

² sannyasa

³ āśramas

⁴ Bhaktivedanta Book Trust

واژه‌نامه

الف

آدھوکشاچا (Adhokṣaja): غیر قابل حصول و ادراک توسط ذهن و حواس مادی، از اسامی کریشنا.

آدھیرا (Adhīra): کسی که هوشیار نمی‌باشد و همواره دچار تشویش است.
آدی-پوروشا (Adi-puruṣa): کریشنا، شخص متعال ازلی.

آھام برھماسمی (Aham brahmāsmi): من روح متعال پاک هستم.
آویدیا (Avidyā): جهل، فقدان دانش

ب

برھما-بھوتا (Brahma-bhūta): مرحله‌ای از رهایی است که در آن شخص به شناخت برھمن متعال دست می‌یابد و از هرگونه اشتیاق و دلزدگی آزاد می‌گردد.

برھماچاری (Brahmacārī): طلبه مجرد.

برھماچاریا (Brahmacārya): مجرد کامل، اولین دستورالعمل ریاضت.

برھمانا (Brāhmaṇa): روشنفکر، کسی که با ذهنی باز، حقیقت مطلق را درک نموده است.

برھمن (Brahman): جنبه فاقد شخصیت و همه جا گسترده کریشنا.

بھاکتا (Bhakta): عابد و فدایی کریشنا.

بھاکتی-یوگا (Bhakti-yoga): خدمت عابدانه و عاشقانه به خداوند متعال.

بھاگاواد-گیتا (Bhagavad-gītā): کتاب مقدسی که شامل آموزش‌های ابدی خداوند کریشنا به دوستش آرجونا در میدان جنگ کوروکشترا می‌باشد.

پ

پارامپارا(paramparā): سلسله پیران، روند شنیدن از خداوند یا نمایندگان او و تکرار دقیق آنچه آنها بیان نموده‌اند.

پراسادا(Prasāda): غذای روحانی که به کریشنا تقدیم شده است.

ت

تاپاسوی(Tapasvī): کسی که ریاضت انجام می‌دهد.

تاپاسیا(Tapasya): ریاضت.

تیاگا(Tyāga): انقطاع از دنیای مادی.

د

دِهیرا(Dhīra): کسی که در آگاهی کامل، هوشیار و استوار است و با عوامل بیرونی دچار تزلزل و آشفتگی نمی‌شود.

ر

ریشی‌ها(Rṣis): رهروان و عابدان بزرگ و عالم.

س

ساج-چید-آناندا-ویگراها(Sac-cid-ānanda-vigraha): فرم روحانی مملو از جاودانگی، دانش و شرف.

سامادهی(Samādhi): عروج، جذبه در خدا آگاهی.

سانیااسا(Sanyāsa): مرحله انقطاع در زندگی.

سَمارانا(Smaranam): همواره به یاد آوردن کریشنا.

ش

شاستراها(Śāstras): کتاب‌های مقدس.

شراوانام(Śravaṇam): شنیدن از مرجع معتبر و موثق.

شریماد-بهاگواتام (Śrīmad-Bhāgavatam): کتاب مقدس ودایی که بازی‌های متعال خداوند کریشنا و عابدین او در آن توصیف شده است.

ک

کارما (Karma): هر نوع عمل مادی که عکس‌العمل مشخصی به بار می‌آورد.
کارما-باندھانا (Karma-bandhana): عملی که شخص را اسیر این دنیای مادی می‌کند.

کارمی (Karmī): کسی که عمل می‌کند تا از نتیجه آن لذت ببرد.
کریپانا (Kṛpāṇa): شخص بدبختی که از زندگی انسانی برای خود شناسی بهره نمی‌جوید.
کریشنالوکا (Kṛṣṇaloka): سیاره جاودان خداوند کریشنا در آسمان روحانی.
کوالا بهاکتی (Kevala bhakti): خدمت پاک و خالصانه و از روی اشتیاق که در آن شخص خواسته‌ای جز راضی کردن کریشنا ندارد.
کیرتانام (Kīrtanam): پرشکوه کردن خداوند کریشنا.

گ

گری‌هاستاها (Gr̥hasthas): متأهلان کریشنا آگاه.
گویی‌ها (Gopīs): دوشیزگان گاوچران و دوستان روحانی کریشنا.
گورو (Guru): پیر روحانی.
گیانا (Jñāna): دانش.
گیانا-وایراگیام (Jñāna-vairāgyam): دانشی که شخص را از فریب دنیای مادی منفک گرداند.
گیانی‌ها (Jñānīs): ذهن گرایان.

م

مانو-سامهیتا (Manu-samhitā): کتاب قانون بشریت ودایی.
ماهاتماها (Mahātmas): ارواح بزرگ.

ماها-مانترا (Mahā-mantra): ذکر اعلای رهایی: هاره کریشنا، هاره کریشنا، هاره کریشنا
کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره.

مایا (Māyā): نیروی توهمی که باعث می‌شود روح خداوند را فراموش کند.
موکتی (Mukti): رهایی.

واسودوا-پارایانا (Vāsudeva-parāyaṇāḥ): کسانی که عابد خداوند کریشنا
(واسودوا) هستند.

وایشناوا (Vaiṣṇava): عابد و فدایی خداوند، کریشنا.

وایکونته‌هاها (Vaikunṭhas): سیارات جاودان آسمان روحانی.

ورینداوانا (Vṛndāvana): محل بازی‌های متعال کریشنا وقتی که او ۵۰۰۰ سال پیش
روی کره زمین ظهور کرد.

ویمودهاها (Vimūḍhas): مادی‌گرایانی که بی‌جهت خود را برای شادی موقتی به بند
کشیده‌اند.

ی

یاگیا (Yajña): قربانی، عملی که برای کریشنا انجام می‌شود.

یوگا (Yoga): روند اتصال با خداوند متعال.

یوگامایا (Yogamāyā): انرژی درونی کریشنا که او را برای کم‌خردان در پرده‌ای از ابهام
فرو می‌برد.

قاعده‌ی ارجاع به منابع در متن

۱- ب.گ. مخفف "بهاگاواد-گیتا" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی فصل و سپس شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ب.گ. ۲/۱۶) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۶، آیه ۲؛ (ب.گ. ۸/۱۳-۱۲) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۳، آیات ۸ الی ۱۲؛ (ب.گ. ۷، ۴/۵) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۵، آیات ۴ و ۷.

۲- ش.ب. مخفف "شریماد-بهاگاواتام" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی کنتو و سپس شماره‌ی فصل و آن‌گاه شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ش.ب. ۵/۲/۴) یعنی شریماد-بهاگاواتام، کنتوی ۴، فصل ۲، آیه ۵. سایر موارد نیز مشابه مثال بالاست.

۳- در ارجاع به سایر آثار ودایی نیز همین قاعده رعایت شده است.